

حرکات داخلی جمعیت ایران، مساله مهاجرت روستایی

(قسمت اول)

دکتر حسین آسایش، استاد دانشگاه

حرکات داخلی جمعیت ایران

یکی از مشکلات قرن حاضر که بیشتر کشورهای در حال توسعه با آن رو برو هستند، مهاجرت روستاییان به شهرها است.

انواع دیگر مهاجرت عبارت‌اند از:

- ۱- مهاجرت از لحاظ سیاسی
- ۲- مهاجرت‌های زیست محیطی
- ۳- کوچ عشایر

در مورد علل مهاجرت عقاید زیادی وجود دارد، ولی جملگی برآنند که پدیده مهاجرت در بیشتر موارد رابطه مستقیم با توسعه و با پیشرفت اقتصادی نواحی مختلف دارد. به بیان دیگر، هر اندازه درجه روستائینی کمتر و شهرنشینی - البته به مفهوم واقعی - زیادتر باشد، به همان اندازه آن جامعه توسعه یافته‌تر است.

در این اواخر در بیشتر کشورهای در حال توسعه، راهیابی ماشین‌آلات کشاورزی به روستاها از یک طرف و سرازیر شدن مصنوعات جدید کارخانه‌ای به بازارهای روستاها از طرف دیگر، موجب گردیده که بسیاری از صنایع دستی کوچک تعطیل شود و علاوه بر بیکاری پنهان، سبب به وجود آمدن بیکاری آشکار هم گردد.

یادآور شدیم که افزایش جمعیت شهرنشین، نشانه رشد اقتصادی نواحی مختلف است. ولی نباید تصور کرد که این وضع در همه حال و در همه جا و در همه شرایط صدق می‌نماید. بلکه برعکس افزایش سریع جمعیت شهرها یکی از پدیده‌های مشخص فقر اقتصادی جمعیت ممالک

کم‌رشد بشمار می‌رود. این روستاییان هستند که موجب افزایش جمعیت شهرها می‌شوند و بیکاری پنهان و آشکار را با خود به شهرها برده و بالاخره در فقر و تنگدستی و مرض از بین می‌روند و یا دیگران را هم طراز خود می‌کنند.

نمونه بارز پدیده این قرن، شهر تهران، پایتخت ایران است. بنا به گزارش مرکز آمار ایران، در فاصله دو سرشماری در یک دوره دهساله، جمعیت این شهر از ۱۵۱۱۰۰۰ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۲۶۹۵۲۸۳ نفر در سال ۱۳۴۵ رسیده است. در ده سال مورد نظر جمعیت شهرهای اروپا در حدود ۲۰ درصد اضافه شده است، در حالی که این افزایش در تهران به ۲۰۰ درصد رسیده است که از علل اصلی آن اصلاحات ارضی می‌باشد. در رابطه با طبقه‌بندیهای گوناگونی که در رابطه با مهاجرت صورت گرفته، در اینجا به ۶ مورد اساسی با توجه به نوع تقسیم‌بندی مربوطه در جدول شماره (۱) اشاره می‌شود.

تا به حال کشورهای متقدر زیادی با مسأله مهاجرت مواجه بوده‌اند و با تمام قدرت و امکانات خود نتوانسته‌اند در این کار موفق شده و از مهاجرت روستاییان جلوگیری کنند. ارقام و اعداد جدول شماره (۲) که در سال ۱۹۹۷ تهیه شده، بهترین شاهد برای این ادعا است.

تاریخچه پیدایش اصطلاح "مهاجرت روستایی" روشن نیست. اصطلاح ترک زمین، ترک روستاها، روستاگریزی در سه دهه اول قرن بیستم رایج بود. در حال حاضر مهاجرت روستایی وسیله‌ای در راه پیشرفت فردی و اجتماعی به حساب می‌آید و بسیاری از کشورهای که بیشتر فرهنگ و تمدن امروزی خود را مدیون مهاجران هستند، مهاجرت را به بیان ساده می‌توان این‌گونه تعبیر کرد: مهاجرت تحرک مکانی و تغییر محل کار و سکونت از یک مکان جغرافیایی به مکان دیگر است. از انواع مهاجرت، مهاجرت داخلی و خارجی است و مهاجرت داخلی خود به دسته‌های فرعی زیر تقسیم می‌شود:

- ۱- مهاجرت ادواری روستا به روستا
- ۲- مهاجرت ادواری روستا به شهر
- ۳- مهاجرت دائمی روستا به شهر

جدول شماره (۱): ابعاد مهاجرت

نوع انتخابی مهاجرت			انواع مهاجرت			ابعاد
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
	*	*		*	*	۱- فضایی (مکانی) (کجا؟) داخلی: روستا- روستا* روستا- شهر بین‌المللی *
*	*					۲- زمانی (کجا و تا چند فاصله) فصلی (الگوی سالیانه)* غیرفصلی، موقت* دائم*
*		*	*	*	*	۳- انگیزشی (چرا؟) ارادی: راهبرد زندگی درازمدت* واکنش فشار راهبرد کنار آمدن اضطرار اجبار*
						۴- اجتماعی /تقسیم خانوار (کجا؟) بخشهایی از جامعه /خانوار* (باتوجه به جنس، سن، سواد، بهداشت) کل خانوار* کل جامعه*

جدول شماره (۲): توزیع درصد جمعیت جهان به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سال ۱۹۹۷

مناطق	کل جمعیت (درصد)	جمعیت شهرنشین (درصد)	جمعیت روستانشین (درصد)
جهان	۱۰۰	۴۳	۵۷
کشورهای توسعه یافته	۱۰۰	۷۴	۲۶
کشورهای در حال توسعه	۱۰۰	۳۶	۶۴
قاره آفریقا	۱۰۰	۳۱	۶۹
آمریکای شمالی	۱۰۰	۷۵	۲۵
آمریکای لاتین	۱۰۰	۷۱	۲۹
آسیا	۱۰۰	۳۵	۶۵
اروپا	۱۰۰	۷۲	۲۸
اقیانوسیه	۱۰۰	۷۰	۳۰

ماخذ: P.R.B. 1997

مهاجرت "سرریز" جمعیت روستائین در کشور

به طور کلی، جمعیت روستایی کشور به هر صورتی که محاسبه شود در حال افزایش است و این افزایش، به علت محدودیت منابع ارضی زراعی، آب، مرتع و جنگل در محدوده هر یک از روستاهای موجود است که این دلایل موجب رشد میزان بیکاری در روستاها شده است. علاوه بر اینها، توسعه علوم و فن‌آوریهای مربوطه، ماشینی کردن و ماشینی شدن بسیاری از عملکردهای تولیدی و خدماتی در روستاها نیاز به نیروی انسانی سنتی را در فعالیتهای کشاورزی و روستایی کاهش می‌دهد. بدین ترتیب، رشد یک جمعیت مازاد بر ظرفیت در هر روستا یک واقعیت حتمی است و این جمعیت مازاد بر ظرفیت، ناگزیر به "سرریز" یا مهاجرت و ترک زادگاه خود است. به هر صورت، جریان برنامه‌ریزی نشده این جمعیت مازاد، یک حالت زیانبار برای کشور است. مهاجرت پدیده جدیدی نیست. این پدیده از قرن‌ها پیش بوده است. وجود مهاجرت برای ادامه حیات و جستجوی مکانهای بهتری بوده تا بتواند امرارمعاش و تغذیه نماید. به عبارت دیگر، حرکات مکانی یا مهاجرت در گذشته با مهاجرت عصر جدید دارای تفاوت کمی و کیفی است.

حرکات ناشی از مهاجرت، تأثیر بسزایی بر توزیع عادلانه جمعیت می‌گذارد و موجب گسترش سریع شهرنشینی می‌گردد. امروزه، بسیاری از مشکلات و مسائل کشورهای در حال توسعه را به چگونگی مهاجرت‌های داخلی آنها نسبت می‌دهند و مهاجرت‌های "بی‌رویه" را عامل اصلی رکود کشاورزی و تشدید مسائل و مشکلات شهری می‌دانند.

در بررسی مهاجرت‌های داخلی و خارجی ایران، بحث به مهاجرت‌های ۴۰ ساله (۱۳۳۵-۱۳۷۵) محدود می‌شود. علت این امر، عدم وجود آمار و اطلاعات قابل اعتماد از شمار مهاجران تا قبل از اولین سرشماری عمومی و همچنین بی‌اعتبار بودن آمارها و بررسیهای مسووع از جغرافیای جمعیت‌شناسی می‌باشد.

کم و کیف حرکات داخلی جمعیت در ۴۰ سال گذشته

مهاجرت روستائیان به مناطق شهری از ویژگیهای دگرگونی جمعیت ایران در چند

دهه گذشته است. طی ۴۰ سال، جمعیت کل کشور بیش از ۳ برابر شده‌است. در این میان، جمعیت نقاط شهری بیش از ۶ برابر و جمعیت نقاط روستایی ۱/۷ برابر شده است.

به هنگام سرشماری عمومی سال ۱۳۳۵، در مجموع ۲۰۲۲۱۹۹ نفر در نقاطی غیر از زادگاه خود اقامت داشته‌اند که ۱۰/۷ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهد. از تعداد کل مهاجرین در این دوره، ۷۴۱۰۹۵ نفر یا ۳/۹۰ درصد به شهرستانهای مجاور مهاجرت کرده‌اند^(۱) و ۱۳۳۹۹۸۹ نفر یا ۷/۰۷ درصد مهاجرت به شهرستانهای غیرمجاور داشته‌اند.^(۲)

لازم است در ابتدا اشاره شود که در سرشماریهای گذشته ایران (سرشماریهای ۱۳۳۵-۱۳۴۵ و ۱۳۳۵) چون محل اقامت و تولد افراد بر حسب شهرستان پرسش شده و زادگاه افراد بر حسب شهر و روستا مورد پرسش نبوده است، لذا میزان خالصی از مهاجرت روستائیان به شهر بدست نمی‌آید. به علاوه، داده‌های سرشماری نشانگر مهاجرانی است که در طول زندگی شهرستان و محل تولد خود را فقط یک بار تغییر داده‌اند. در نتیجه، اندازه‌گیری این پدیده با خطای فراوان همراه است و دقت و درستی بررسیهای انجام یافته قانع‌کننده نیست.

امکان بررسی مهاجرت‌های داخلی و خارجی کشور بر اساس داده‌های نتایج سرشماری سال ۱۳۴۵ نیز بسیار محدود است و از طرف دیگر، به علت تغییر محدوده‌های جغرافیایی، مقایسه نتایج آن را با سرشماری سال ۱۳۳۵ بسیار محدود کرده است. از ۲۵۷۰۸۹۲۳ نفر جمعیت ثابت کشور در سال ۱۳۴۵، ۸۶/۹ درصد متولد شهرستان محل سرشماری خود بوده و ۳۲۸۱۳۱۵ نفر یا ۱۲/۷ درصد را مهاجران شهرستانهای دیگر و متولدین خارج از کشور تشکیل می‌دهد. از این عده، ۸۰/۲ درصد از نقاط شهری و ۱۹/۸ درصد در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند. به هر حال، نتایج این دو سرشماری نشان می‌دهد که در این دو سرشماری، ۲ درصد بر نسبت مهاجران و جابجایی جمعیت در داخل کشور اضافه شده است که مربوط به مهاجرت روستائیان به شهرها می‌باشد.

نتایج سرشماری ۱۳۳۵، تعداد افراد غیرمتولد در شهرستان مورد سرشماری را در جمعیت کشور ۷۸۱۵۹۰۱ نفر یا ۲۳/۱ درصد

کل جمعیت شمارش شده در سال یاد شده را نشان داد که ۸۷/۵ درصد (۶۶۸۲۴۲۷ نفر) آنان ساکن نقاط شهری بوده‌اند که رقم قابل ملاحظه تعداد مهاجرین را در این دوره نشان می‌دهد. جدول شماره (۴)، جمعیت مهاجر ایران را در سه دوره زمانی مختلف نشان می‌دهد.

با توجه به ارقام جدول بالا معلوم می‌گردد که در سال ۱۳۳۵، درصد افرادی که حداقل یک بار محل تولد خود را ترک کرد و در جای دیگر ساکن شده‌اند، معادل ۱۱ درصد می‌باشد که این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۲۲/۶ درصد کل جمعیت همان سال می‌رسد. بطوری که مشاهده می‌شود، روند افزایش مهاجرین از سال ۱۳۴۵ به بعد سرعت فوق‌العاده بخود می‌گیرد که معلول اثرات شناخته شده اصلاحات ارضی و جذب اعتبارات عمرانی کشور در مناطق شهری می‌باشد. بطور کلی رشد و گسترش خدمات و صنایع در شهرها و کاهش بازده نهایی کار در مناطق روستایی به دلیل ظاهر شدن اثرات اصلاحات ارضی و بالا رفتن قیمت نفت، موجب سرریز جمعیت روستایی به شهرها بوده است. با توجه به ارقام مستند تا سال ۱۳۴۵ حدود ۱۲/۸ درصد از کل جمعیت کشور را افرادی تشکیل می‌دهند که ساکن محل تولد خود نمی‌باشند و این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۲۲/۶ درصد رسید که ترک مکانی در سال ۵۵ نسبت ۴۵ افزایش فراوانی داشته است. البته، این افزایش برای مناطق شهری در دو سرشماری یکنواخت نبوده و به ترتیب ۷۳/۶ و ۵۷ درصد بوده است. همچنین در سال ۱۳۴۵، حدود ۴/۶ درصد جمعیت ساکن در مناطق روستایی را افرادی تشکیل می‌دادند که متولد زادگاه خود نبودند که این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۵/۳ درصد رسید که این رقم نشانگر رقم ناچیز مهاجرین بین مناطق روستایی بود. جدول شماره ۵، درصد حرکتهای مکانی جمعیت ایران را در بین مناطق شهری و روستایی در سالهای مختلف نشان می‌دهد. (نمودار شماره ۱)

بر اساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۶۵، (اولین سرشماری رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران) در حدود ۵/۸ میلیون نفر را کسانی تشکیل می‌دهند که در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ مهاجرت کرده‌اند. از این عده، کمتر از ۷۰۰ هزار نفر را کسانی تشکیل می‌دهند که از خارج به کشور وارد شده‌اند و

جدول شماره (۴): توزیع جمعیت ساکن کشور بر حسب محل تولد، محل اقامت در سالهای ۳۵-۴۵-۱۳۵۵

سال	کل جمعیت	متولدین در شهرستان محل اقامت (درصد)	متولدین در سایر نقاط کشور (درصد)	متولدین در کشورهای خارجی (درصد)
۱۳۳۵	۱۸ ۹۵۵ ۰۰۰	۸۸/۷	۱۱	۰/۳
۱۳۴۵	۲۵ ۰۷۹ ۰۰۰	۸۶/۹	۱۲/۸	۰/۳
۱۳۵۵	۳۳ ۷۰۸ ۷۴۴	۷۶/۸	۲۲/۶	۰/۶

جدول شماره (۵): درصد تحرک مکانی جمعیت ایران در بین مناطق شهر و روستایی در سالهای مختلف

مناطق	متولدین در شهرستان محل اقامت		متولدین در شهرستانهای دیگر استان		متولدین در شهرستانهای استان دیگر	
	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	۱۳۴۵
کل کشور	۸۶/۹	۸۷/۸	۱۳/۳	۴/۹	۹/۶	۴/۹
مناطق شهری	۷۳/۶	۵۷	۲۴/۷	۹/۲	۱۷/۴	۱۶/۷
مناطق روستایی	۹۵/۴	۹۴/۵	۲/۶	۲/۲	۲/۷	۲/۳

ماخذ: نتایج سرشماریهای ۱۳۳۵-۱۳۴۵

جدول شماره (۶): مهاجران داخلی طی ده سال ۶۵-۱۳۵۵ بر حسب مبدأ و مقصد مهاجرت

آخرین محل اقامت قبلی	جمع	محل اقامت	
		نقاط شهری	نقاط روستایی
جمع	۴ ۸۹۲ ۵۲۷	۳ ۵۰۶ ۴۵۲	۱ ۳۸۶ ۱۹۵
درصد	۱۰۰	۷۱/۷	۲۸/۳
نقاط شهری	۲ ۵۹۰ ۹۵۷	۱ ۹۱۲ ۲۴۰	۶۷۸ ۷۱۷
درصد	۱۰۰	۷۳/۸	۲۶/۲
نقاط روستایی	۲ ۲۲۵ ۷۴۵	۱ ۵۳۵ ۵۲۷	۶۹۰ ۲۱۸
درصد	۱۰۰	۶۹/۰	۳۱/۰
اظهار نشده	۷۵ ۹۳۵	۵۸ ۶۸۵	۱۷ ۲۶۰
درصد	۱۰۰	۷۷/۳	۲۲/۷

ماخذ: سرشماری سال ۱۳۴۵

سرشماری سال ۱۳۴۵، بیش از ۳/۸ میلیون نفر در شهرها زندگی می‌کردند که در روستاها متولد شده بودند. (جدول شماره ۶)، (نمودار شماره ۳۰۲)

ویژه داشت. در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۴۵، در حدود ۲ ۲۲۵ ۷۴۵ نفر از نقاط روستایی محل اقامت خود را تغییر داده‌اند. از این عده، ۷۰ درصد به نقاط شهری و ۳۰ درصد به دیگر نقاط روستایی وارد شده‌اند. براساس اطلاعات جمع‌آوری شده در

۴/۹ میلیون نفر، کسانی هستند که در داخل کشور جابجا شده‌اند. در این دوره، هر چند عامل جنگ موجب شده است که بسیاری از ساکنان مناطق شهری درگیر جنگ تحمیلی، محل زندگی خود را تغییر دهند، ولی حرکت جمعیت روستایی به سوی شهرها اهمیت

بقیه در صفحه ۹۸

نقش بسیج در ترویج و توسعه روستایی

محمدرضا خرمی

چکیده:

برای رفع کمبود مروج لازم برای حدود ۶۵ هزار روستای ایران، می بایست از نیروهای مستعد محلی در نقش مددکار بهره گرفت. لیکن به علت حجم زیاد وظایف ترویج و توسعه در روستا، یک فرد نمی تواند از عهده انجام آن برآید. از این رو، بسیج که یک تشکل مردمی - مکتبی بوده و در بیشتر روستاها دارای پایگاه مقاومت سازمان یافته با نیروی فعال زیاد و علاقه مند خدمت به مردم به طور رایگان بوده و تجارب آموزشی و خدماتی کافی در جبهه و پشت جبهه دارد، می تواند نقش بسیار فعالی را در جبهه ترویج و توسعه روستا داشته و همانند جبهه جنگ تحول چشمگیری را به وجود آورد. پژوهش حاضر با عنوان "ویژگیهای بسیج و بررسی نقش بسیجیان روستا جهت مشارکت در ترویج و توسعه روستا" از نوع پژوهشهای توصیفی و تحلیلی بوده که با در نظر گرفتن پنج ویژگی: انگیزه مذهبی، تجربه آموزشی، فراگیری تشکیلات و گروهها، محلی بودن و رهبری محلی بسیجیان روستا به عنوان پیش فرضهای پژوهش در بین سه گروه یعنی کشاورزان هدف برنامه و مجریان ترویج و توسعه و بسیجیان موضوع پژوهش به تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان جامعه آماری در شهرستان بهشهر انجام شد و نتایج به دست آمده و پیش فرضهای پژوهش با ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری مورد تأیید قرار گرفت.

مقدمه

رشد سریع جمعیت و نیاز روزافزون به مواد غذایی و جنگ اقتصادی در جهان، اهمیت بخش کشاورزی و توجه به کشاورزان و روستا را برای اهل خرد و آینده نگران جامعه روشن می نماید. از این رو، ترویج کشاورزی که وظیفه آموزش جهت تغییر نگرش در فکر و فن مردم روستایی را برای بهره وری بهتر از کار و زندگی و ازدیاد تولید و در نهایت افزایش درآمد و بهبود وضع اقتصادی تولید کننده را به عهده دارد و توسعه و عمران روستایی نیز مسئولیت ایجاد آگاهی و دگرگونی فرهنگ زیست و محیط زندگی و ارائه خدمات لازم برای رفاه و آسایش روستاییان را به دوش می کشد. بنابراین، ترویج و توسعه در ریشه، امری آموزشی و لازم و ملزوم یکدیگرند و باید هماهنگ و همقدم حرکت و فعالیت کنند تا به روشی بهینه و مطلوب مؤثر واقع شوند. لیکن موفقیت ترویج و توسعه روستاها در گرو مروج کافی، مشارکت گسترده و داوطلبانه مردم می باشد.

اهمیت موضوع

گستره جغرافیایی ایران و وجود بیشتر از ۶۵ هزار روستا که نیازمند خدمات آموزشی ترویج و توسعه روستایی هستند، متأسفانه تاکنون به دلیل کمبود مروج و نبود دهیار در روستاها، سازمانها و نهادهای مسئول ترویج کشاورزی و عمران روستایی، نتوانسته اند

تمام روستاهای کشور را تحت پوشش عملکردهای آموزشی لازم قرار دهند. به عبارت دیگر، در حال حاضر، رقمی کمتر از ۵ هزار نفر مروج موظف و غیرموظف برای ۶۵ هزار روستای ایران وجود دارد. در حال حاضر باید گفت که:

(۱) امکان جذب و استخدام حداقل ۶۰ هزار نفر مروج برای دولت امکان پذیر نیست. چرا که نیاز به ۶۰ هزار دستگاه وسیله نقلیه و ۶۰ هزار راننده می باشد و نیز هزینه های بسیار زیاد مالی و اداری را به دنبال دارد.

(۲) به خاطر پراکندگی و دوری زیاد روستاها از شهرها حتی در صورت استخدام کارکنان و تهیه وسایل و امکانات لازم، امکان سرکشی مداوم و مراجعه روزانه مروجین از شهرها به روستاها ممکن نیست. بنابراین، چنان به نظر می رسد که مناسبترین راه رفع کمبود مروج برای آموزش روستاییان، به کارگیری نیروهای مستعد محلی با عناوین مددکاران ترویجی، نیروهای مسعین، آموزشگران محلی، روشنگران روستا یا آموزشیاران مردمی است که این نیز اصلی از اصول شناخته شده و پذیرفته شده در مکتب آموزشی ترویج و توسعه روستایی است.

اما سؤالی که در اذهان باقی می ماند، این است که کدام نیرو یا نهاد محلی مستعد این کار بزرگ و بااهمیت ملی و مردمی بوده و از عهده انجام آن به طور شایسته و پیوسته برمی آید و انتظار مردم هدف برنامه و

مسئولین اجرایی مربوطه را در حد ممکن برآورده می‌کند.

■ هدف پژوهش

هدف از انجام پژوهش، بررسی توسعه عملکردهای آموزشی ترویج و توسعه روستاها از طریق تعلیم و پرورش بسیجیان روستا در نقش مددکاران و رهبران فنی محلی و بهره‌مندی از مشارکت آنان به عنوان رهیافتی نو و عملی و امکان پذیر در مکتب آموزشی ترویج می‌باشد.

هدف کلی:

آگاهی از میزان موفقیت بسیجیان روستا در برنامه های ترویج و توسعه روستاست.

اهداف اختصاصی:

در مسیر هدف کلی، اهداف اختصاصی زیر دنبال می‌شود که عبارتند از:

- ۱) شناخت و تعریف توسعه و عمران روستایی و اصول و شاخصهای آن
- ۲) شناخت و تعریف ترویج کشاورزی و اصول و نقشهای آن در روستا
- ۳) شناخت و تعریف مروج و وظایف و نقشهای او در ترویج
- ۴) شناخت و تعریف مشارکت مردمی و جایگاه آن در ترویج و توسعه روستایی
- ۵) شناخت و تعریف بسیج و بسیجی و جایگاه آن در قانون و وظایف آن در جامعه
- ۶) شناخت عملکردهای بسیج در امور اجتماعی و نمونه های عملی آن
- ۷) شناخت ویژگیهای بسیج در رابطه با ترویج و توسعه روستایی
- ۸) بررسی و شناخت میزان تأثیر ویژگیهای بسیجیان روستا در نقش مددکاران محلی

■ روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهشهای توصیفی و تحلیلی می‌باشد که در آن، ارتباط بین بعضی ویژگیهای بسیجیان روستا و میزان موفقیت آنان در نقش مددکاران ترویجی برای اشاعه فنون و نوآوریها در روستای مورد آزمایش قرار گرفته است. در این پژوهش، پنج ویژگی زیر به عنوان فرضیه یا متغیرهای مستقل تأثیرگذار در میزان توفیق بسیجیان (متغیر وابسته و تغییرپذیر) در نظر گرفته شده است که این پنج ویژگی عبارتند از:

۱) انگیزه مذهبی بسیجیان
۲) محلی بودن بسیجیان

۳) فراگیری و گسترده‌گی نهادها و گروههای بسیج

۴) تجربه آموزشی بسیجیان

۵) رهبری محلی بسیجیان

با توجه به هدف پژوهش و پیش فرضهای آن، سه پرسشنامه که ابزار اصلی پژوهش بوده است، برای سه گروه مورد بررسی یعنی کشاورزان و بسیجیان و دست اندرکاران ترویج و توسعه تهیه گردید.

■ جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش، ۳۰۰ نفر از دست‌اندرکاران تولید و مسئولان ترویج و توسعه، یعنی کشاورزان هدف برنامه و مسئولان اجرایی ترویج و توسعه و بسیجیان روستایی موضوع پژوهش می‌باشد. ابتدا با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، تعداد ۴۰ روستا از مجموع ۲۲۰ روستای شهرستان بهشهر در ۴ بخش به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس، تعداد ۳ نفر از کشاورزان تولیدکننده و ۳ نفر از اعضای بسیج همان روستا و ۶۰ نفر از مجموع دست‌اندرکاران ترویج و توسعه در مدیریت کشاورزی و جهاد سازندگی شهرستان بهشهر به صورت تصادفی انتخاب گردیدند و پرسشنامه‌های ۱ و ۲ و ۳ مربوطه را با راهنمایی پژوهشگر پاسخ دادند.

■ تجزیه و تحلیل آماری

با توجه به توصیفی بودن پژوهش و مقیاس اندازه‌گیری ترتیبی، تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از پژوهش با به کارگیری از کامپیوتر (برنامه SPSS) در دو بخش توصیفی و تحلیلی انجام گرفت. در بخش توصیفی با توجه به طرح پژوهش و فرضیه‌ها، تعداد فراوانیهای مشاهده شده از نمونه‌های آماری تعیین گردید و با محاسبه درصدها و رسم نمودارها، نتایج به دست آمد و ویژگیهای آن توصیف گردید. در بخش تحلیلی برای اثبات یا رد فرضیه های پژوهش با استفاده از آزمون مجذور کال (χ^2)، سطح معنی‌دار بودن تفاوت‌های میان فراوانیهای مشاهده شده و فراوانیهای مورد انتظار، هر یک از متغیرهای مستقل (فرضیه‌ها) از نظر آماری مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه‌گیری شد.

■ سوابق موضوع

توسعه به معنی رشد و ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی مردم است و معیار سنجش

میزان توفیق برنامه‌ها نیز میزان تغییر فکر و فن و زندگی مردم است. زیرا، انسان هم وسیله توسعه و هم هدف توسعه است. (۳، ص ۵۲) هر برنامه توسعه، باید دارای پنج هدف باشد. این اهداف عبارتند از:

۱- توسعه انسانی

۲- توسعه اقتصادی

۳- توسعه فرهنگی

۴- توسعه سیاسی

۵- توسعه دفاعی

ترویج به معنی اشاعه و نشر است و در اصل یک فعالیت و مکتب آموزشی به منظور انتقال دانش و مهارتهای تکامل یافته و مفید از منابع بررسی و پژوهشی به مجامع روستایی، عشایری، کارگری و تنفیذ آن برای افزایش کارایی مولدان در جریان تولید است. اصول ترویج عبارتند از:

۱- اصل نیازها و علاقه‌ها

۲- اصل نهاد و گروههای بنیادی

۳- اصل همکاری و مشارکت مردم

۴- اصل تفاوت‌های فرهنگی

۵- اصل علوم عملی و شیوه مردمی

۶- اصل متخصص ورزیده و باتجربه

۷- اصل یادگیری از طریق عمل

۸- اصل سازگاری در به‌کارگیری روشها

۹- اصل رهبری

۱۰- اصل تمامیت خانواده

۱۱- اصل رضامندی مردم

نقشهای ترویج عبارتند از:

۱- ایجاد انگیزه در مردم

۲- تشویق مردم به مشارکت فعال

۳- مردمی نمودن برنامه‌ها

۴- بالا بردن توان تصمیم‌گیری

۵- به وجود آوردن دگرگونیهای باثبات

۶- پرورش توان رهبریت محلی

۷- توسعه گروهها و سازمانهای محلی

۸- تقویت حس اعتماد در مردم

■ مشارکت

مشارکت عامل قدرت دادن به محرومین روستایی برای ایفای نقش مؤثر در توسعه و ترویج روستایی است. (۳، ص ۸) رمز موفقیت برنامه‌های ترویج و توسعه در روستاها در مشارکت و همکاری مردم می‌باشد. موانع اصلی مشارکت عبارتند از:

۱- طرح جزئیات و ارتباط آن با بودجه

۲- شناخت تواناییها و انگیزه‌های موجود

برای مشارکت توده‌های مردم

۳- آموزش افراد شرکت کننده و هزینه‌های آن بنابراین، با توجه به محلی بودن بسیجیان و انگیزه‌های مذهبی و ایثارگری بسیجیان در جهت خدمت به مردم و داشتن وسایل و امکانات و تجارب آموزشی، مشارکت بسیجیان می‌تواند موجب رفع موانع بالا شود. عوامل موثر در موفقیت بیشتر مردم در توسعه و ترویج عبارتند از:

- ۱- آموزش لازم به مردم
- ۲- نزدیک سازی اهداف و برنامه‌ها با شرایط محیطی و فرهنگی مردم هدف برنامه
- ۳- عدم تعارض طرحها با عقاید و فرهنگ مردم
- ۴- کاهش تمرکزگرایی و موانع اداری
- ۵- کاهش بوروکراسی
- ۶- ارتباط نزدیک و صمیمانه بین مردم با نیروهای دولتی
- ۷- مشارکت بیشتر مردم در مراحل طرح

■ بسیج

بسیج تشکل سازمان یافته مردمی - مکتبی است که تحت پوشش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بنا بر مقتضیات زمانی و مکانی در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به صورت آموزشی، اجرایی و خدماتی فعالیت می‌نماید.

■ بسیجی

بسیجی فرد مکتبی، داوطلب خدمت و فعالیت ایثارگرانه برای دین و جامعه و مردم است که عضو پایگاه مقاومت بسیج محل سکونت یا محل کار خود می‌باشد.

بسیج هم اکنون دارای سازمان و نهادهای رسمی گسترده و سراسری در مرکز استانها، شهرستانها، روستاها و محلات شهر (کارخانجات، ادارات و مدارس و دانشگاهها و حوزه‌ها) می‌باشد. وظیفه اصلی بسیج، جذب و آموزش آحاد مردم است که در کنار آن وظایف دیگری را به عهده دارد که یکی از آنها، همکاری و کمک به برنامه‌های سازندگی دولت در امر سوادآموزی، جنگل‌کاری، کویزرداری، بازسازی مناطق محروم، توسعه بهداشت، آمارگیری و دیگر وظایفی است که بر عهده او می‌باشد. (۵، ص ۴)

بسیج در مدت کوتاه عمر خود (۱۵ سال) نقشها و عملکردهای گسترده و چشمگیری در امور اجتماعی کشور داشته است. از مهمترین عملکردهای بسیج می‌توان به موارد زیر اشاره

کرد:

- ۱- نقش کلیدی بسیج در جنگ که قهرمان ۸ سال دفاع مقدس می‌باشد.
- ۲- بسیج ضامن امنیت ملی و محلی است.
- ۳- نقش بسیج در جذب و آموزش و سازماندهی مردم در سطح روستاها و محلات شهری بسیار زیاد بوده است.
- ۴- بسیج در آموزشهای (غیررسمی) عقیدتی، سیاسی و اخلاقی مردم روستاها و محلات شهر فعالیت گسترده‌ای داشته است.
- ۵- بسیج در عملکردهای امداد و نجات به هنگام بروز حوادث ناگهانی همانند سیل و زلزله و حمله‌های هوایی به مردم کمک زیادی کرده است.
- ۶- بسیج در جمع‌آوری کمکهای مردمی و پشتیبانی تدارکاتی از جبهه‌های جنگ نقش اول را داشته است.
- ۷- نقش بسیج در امر به معروف و نهی از منکر قابل اهمیت است.
- ۸- بسیج در واکسیناسیون فلج اطفال صد درصد موفق بوده است.
- ۹- بسیج امروز به عنوان ضابط قوه قضائیه مطرح است.
- ۱۰- بسیج در مبارزه با گرانفروشی به میزان اختیاری که دارد، وظیفه خود را انجام داده است.
- ۱۱- بسیج و نیروهای بسیجی در سراسر کشور فعالیت، عملکرد و خدمات ارزشمندی به مردم و انقلاب کرده‌اند که در اینجا فرصت برشمردن آن نیست.

■ ویژگی بسیج در رابطه با ترویج و عمران روستایی

آنچه در این پژوهش به عنوان ویژگیهای بسیج برشمرده می‌شود، ویژگیهایی است که با اصول و ویژگیهای ترویج و توسعه هماهنگی دارد و کلید موفقیت آنها محسوب می‌شود. این ویژگیها عبارتند از:

● الف) ویژگی مردمی بودن بسیج

نیروهای بسیجی در حقیقت همان مردم هستند، یعنی، این مردمانند که بسیج شده‌اند و آن را به وجود آورده‌اند و گرنه بسیج بدون مردم وجود خارجی نداشته و معنا و مفهومی ندارد. اصل مردمی بودن بسیج، می‌تواند تحقق بخش اصل مشارکت مردمی ترویج و عمران روستایی باشد که رمز اصلی موفقیت برنامه‌های ترویج و توسعه محسوب می‌شود.

● ب) ویژگی آموزشی بسیج

بسیج همانند ترویج، یک مکتب آموزشی است و وظیفه اصلی آن، جذب و آموزش آحاد مردم می‌باشد. شباهتهای زیادی بین روش آموزشی بسیج و ترویج وجود دارد. برخی از این شباهتها عبارتند از:

- ۱- بسیج همانند ترویج، یک مدرسه آموزشی غیررسمی است.
- ۲- در هر دو مکتب ترویج و بسیج، فراگیران از تنوع سنی برخوردارند.
- ۳- شرکت کنندگان در کلاسهای بسیج همانند ترویج، از سطح سواد مختلفی برخوردارند.
- ۴- شرکت در کلاسهای بسیج، همانند ترویج اختیاری و داوطلبانه است و هیچگونه نمره و مدرکی را دربرندارد.
- ۵- محتوای آموزشی کلاسهای بسیج، همانند ترویج شامل مطالب علمی و قابل اجرا و بیشتر در جهت تعلیم مهارتها و شیوه‌های مؤثر کار با آنهاست.
- ۶- مقررات ویژه‌ای برای حضور و غیاب شرکت کنندگان در مکتب آموزشی بسیج، همانند ترویج وجود ندارد.
- ۷- ارزیابی میزان پیشرفت محصلین مدرسه بسیج، همانند ترویج بر حسب میزان پذیرش مطالب و کاربرد روشها و مهارتهای تعلیم داده شده از طریق دگرگونی رفتار و عملکرد آنان در صحنه واقعی عمل مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد.

● ویژگی گستردگی نهاد و گروههای بسیج

اکنون بسیج در بیشتر روستاها و محلات شهر (کارخانجات، ادارات، مدارس، دانشگاهها و حوزه‌ها) دارای پایگاه مقاومت بوده که از نهاد و گروههای منسجم و سازماندهی شده قوی و اعضای عادی و فعال زیاد برخوردار است. وجود نهادهای بسیج در روستاها، می‌تواند تحقق بخش اصل سازماندهی در محل و سطح پایه در ترویج باشد که می‌گوید: «گروههای مردمی در جوامع روستایی ضامن انسجام عملکردهای ترویجی می‌باشند و سازماندهی برای عملکردهای ترویجی، می‌باید از سطح روستا شروع شود.» (۲، ص ۵۷) علاوه بر آن، گسترش نهاد و گروههای بسیج، می‌تواند اصل یکپارچگی و گستردگی نهادهای ترویج و عمران روستایی را تحقق ببخشد.

● ویژگی فراگیر بودن و عمومیت بسیج

شرکت در بسیج برای عموم قشرها اعم از مردان و زنان، بزرگسالان و جوانان و نوجوانان آزاد است. این اصل بسیج، می‌تواند تحقق بخش اصل تمامیت خانواده در ترویج و اصل مشارکت مردم در برنامه عمران روستایی باشد که بر همگانی بودن برنامه های آن برای کل افراد جامعه تأکید دارند.

● ویژگی حرکت جمعی و گروهی

بسیج یک شکل جمعی و گروهی بوده و دارای تعداد زیادی نیروی فعال و علاقمند خدمت به مردم به طریق رایگان می‌باشد. حجم کارها و وظایف دستگاه آموزشی ترویج و برنامه عمران روستایی به حدی زیاد است که یک فرد به عنوان مددکار یا مروج از عهده آن بر نمی‌آید و نیاز به همکاری و مشارکت فعال و هماهنگ گروهها و سازمانهای محلی دارد. سازمانها و گروههای محلی که به خود مردم تعلق داشته باشند، کمکهای بسیار باارزشی را به ترویج و توسعه می‌نمایند.

● محلی بودن بسیجیان

نیروهای بسیجی روستا به خاطر سکونت و زندگی در محل، آشنایی بیشتری با مشکلات و نیازهای مردم داشته و امکان دسترسی مردم به آنها در هر فرصت و زمانی ممکن می‌باشد. علاوه بر آن، اداره امور هر محل به دست مردم همان محل از قوانین طبیعت سرچشمه می‌گیرد و انسان محلی را دوست دارد که در آن متولد شده و در آن زندگی کرده است. علاوه بر آن، اگر به واحدهای محلی، آزادی عمل و قدرت قانونی بخشیده شود، شخصیت و لیاقت و ابتکار افراد محلی در آزادیهای مشروع و قانونی نمایان می‌شود و انسانهای بی تفاوت و غیرمسئول به شخصیتهای ارزنده و فعال میدل می‌شوند.

● ویژگی رهبری افکار بسیجیان

تفکر بسیجی که همان تفکر اسلام ناب محمدی (ص) است، امروزه بعنوان بهترین الگو و نابترین تفکر انسانی، الهی، اعتقادی و عملی در بین مردم و مسئولین، ورد زبان عام و خاص است و نیروهای بسیجی، رهبری فکری عده زیادی از مردم را در روستاها و شهرها به عهده دارند و دارای قدرت نفوذ و

اعتبار معنوی فوق‌العاده‌ای در بین مردم و جوانان و نوجوانان هستند. ویژگی رهبری فکری بسیج در بین مردم، می‌تواند تحقق بخش اصل رهبری افکار در ترویج و توسعه روستایی باشد.

● ویژگی مذهبی بسیجیان

یکی از اصول و ویژگیهای اساسی بسیج، مکتبی بودن آن و انگیزه مذهبی داشتن نیروهای بسیجی است. یعنی اساس بسیج بر پایه ایمان مذهبی افراد شرکت کننده استوار است و در حقیقت، عامل مذهب سبب گردهمایی و انسجام و شکل مردم در بسیج گردیده است و همین عامل نیز، رمز اصلی موفقیت و مقاومت بسیج در صحنه‌های مختلف از جمله دفاع مقدس بوده است. علاوه بر این، ایمان مذهبی بسیجیان:

۱- احساس مسئولیت اجتماعی و تعهد کاری و تحمل سختیها را بالا می‌برد.

۲- سبب اعتماد بیشتر مردم و مسئولین به بسیجیان شده که در نتیجه، موجب پذیرش بیشتر نوآوریها در مردم می‌گردد.

● ویژگی مستضعفی بسیج

بسیج مستضعفین میقات پابرهنگان است و عموماً طبقات پایین و اقشار مستضعف جامعه در آن شرکت دارند و به همین دلیل، بسیج مستضعفین نام گرفته است. یکی از دلایل عمده و اصلی شکست بیشتر طرحهای ترویج و توسعه روستایی در بیشتر کشورها، تسلط اقلیت قشر مرفه و بانفوذ محلی در برنامه های ترویج و توسعه روستاها و همدستی دست‌اندرکاران اجرایی این گونه برنامه‌ها با آنان بوده است. به طوری که به قشرهای محروم که هدف اصلی برنامه هستند نه تنها توجهی نشده؛ بلکه به اشکال مختلف موجب استثمار و بیکاری افراد تهیدست و مستضعف و کشاورزان کم‌زمین و بی‌زمین گردیده و آنها را آواره شهرها کرده است و در نتیجه، فاصله بین فقرا و اغنیا بیشتر شده و موجب ثروتمندتر شدن ثروتمندان و فقیرتر شدن محرومان روستایی گردید. بنابراین، مشارکت و حضور نیروهای بسیجی که از طبقات پایین و متوسط جامعه هستند، می‌تواند موفقیت برنامه های ترویج و توسعه در روستا را به ارمغان آورد.

● تجزیه و تحلیل آماری

با توجه به توصیفی بودن پژوهش و مقیاس اندازه‌گیری ترتیبی، تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده با بکارگیری کامپیوتر (برنامه SPSS) و آزمون مجذور کا (χ^2) در دو بخش توصیفی و تحلیلی انجام گرفت و نتیجه‌گیری شد که بطور خلاصه بشرح زیر می‌باشد:

(۱) نتایج بدست آمده از پژوهش نشانگر آن است که نیروهای بسیجی از لحاظ سنی از کشاورزان و مسئولان ترویج و توسعه جواتر هستند و سطح سواد آنها در مقایسه با کشاورزان بالا است. همچنین، انگیزه اصلی عضویت آنها در بسیج، انگیزه مذهبی و سپس خدمت به مردم بوده و جنبه مادی ندارد.

(۲) نتایج پژوهشها حاکی از آن است که، مشکلات اصلی روستا از دیدگاه هر سه گروه آزمودنی به ترتیب عبارتند از: کمبود وسایل و امکانات رفاهی و عمرانی، پایین بودن سطح عملکرد محصول، نبود مدیریت در تولید، درآمد کم، نبود مدیریت در عمران روستا و کم کاری و بیکاری است.

(۳) همچنین، عمده ترین مشکلات در تولید عبارتند از: نبود آموزش کافی، کمبود اعتبارات مسالی، کمبود نهاده‌ها، کمبود ماشین‌آلات، گرانی قیمت نهاده‌ها و مشکل بازاریابی برای تولید کنندگان می‌باشد.

(۴) نتایج پژوهش بیانگر آن است که بیش از ۹۸ درصد کشاورزان و بسیجیان و مسئولان، بکارگیری روشهای جدید را برای افزایش تولید ضروری می‌دانند و تأثیر آموزش کشاورزان را در افزایش تولید زیاد تلقی می‌کنند.

(۵) تجزیه اطلاعاتی حاکی است که، میزان تماس مروجین با روستاییان بسیار کم است. به طوریکه، ۷۴ درصد یک یا کمتر از یک مرتبه در سال و ۲۲/۵ درصد دو تا سه مرتبه در سال و تنها ۲/۳ درصد سالی ۴ یا بیش از ۴ مرتبه به روستا مراجعه می‌کنند.

(۶) نتایج پژوهش نشانگر آن است که ۹۱/۷ درصد کشاورزان و ۹۰/۸ درصد بسیجیان و ۸۸/۳ درصد مسئولان، مؤثرترین و امکان پذیرترین راه رفع کمبود مروج برای روستاها را بکارگیری نیروهای مستعد محلی بعنوان مددکار می‌دانند.

(۷) نتایج بدست آمده بیانگر آن است که در حال حاضر، فقط ۴۰ درصد کشاورزان از روشهای جدید استفاده می‌کنند، ولی ۶۰

جدول (۱): توزیع فراوانی گروه‌های آزمودنی بر حسب میزان تأثیر انگیزه مذهبی در موفقیت بسیجیان

انگیزه مذهبی	مقدار تأثیر فراوانی	کم	زیاد	خیلی زیاد	جمع
کشاورزان	فراوانی مطلق	۲	۷۳	۴۵	۱۲۰
	درصد	۱/۷	۶۰/۸	۳۶/۷	۱۰۰
بسیجیان	فراوانی مطلق	۲	۷۵	۴۳	۱۲۰
	درصد	۱/۷	۶۲/۵	۳۵/۸	۱۰۰
مستولان	فراوانی مطلق	۱	۲۴	۱۵	۶۰
	درصد	۱/۷	۷۳/۳	۲۵	۱۰۰

جدول (۲): توزیع فراوانی گروه‌های آزمودنی بر حسب میزان تأثیر محلی بودن آموزشگر در پی پذیرش برنامه‌ها

محلی بودن	میزان تأثیر فراوانی	کم	زیاد	خیلی زیاد	جمع
کشاورزان	فراوانی مطلق	۱	۸۵	۳۴	۱۲۰
	درصد	۸	۷۰/۸	۲۸/۴	۱۰۰
بسیجیان	فراوانی مطلق	۵	۷۶	۳۹	۱۲۰
	درصد	۴/۲	۶۳/۹	۳۱/۹	۱۰۰
مستولان	فراوانی مطلق	۳	۴۳	۱۴	۶۰
	درصد	۵/۲	۶۴/۱	۲۰/۷	۱۰۰

جدول (۳): توزیع فراوانی گروه‌های آزمودنی بر حسب میزان تأثیر تجربه آموزشی در موفقیت آموزشگران روستایی

تجربه آزمودنی	میزان تأثیر فراوانی	کم	زیاد	خیلی زیاد	جمع
کشاورزان	فراوانی مطلق	۲	۷۹	۳۹	۱۲۰
	درصد	۱/۷	۶۵/۸	۳۵/۵	۱۰۰
بسیجیان	فراوانی مطلق	۶	۷۳	۴۱	۱۲۰
	درصد	۵	۶۰/۸	۳۴/۲	۱۰۰
مستولان	فراوانی مطلق	۱	۲۵	۲۴	۶۰
	درصد	۱/۷	۵۸/۶	۳۹/۷	۱۰۰

جدول (۴): توزیع فراوانی گروه‌های آزمودنی بر حسب میزان تأثیر رهبران محلی در راهنمایی مردم

جمع	خیلی زیاد	زیاد	کم	میزان تأثیر فراوانی	رهبران محلی
۱۲۰	۵۴	۶۴	۲	فراوانی مطلق	کشاورزان
۱۰۰	۵۴/۳	۵۳/۳	۱/۷	درصد	
۱۲۰	۵۰	۶۵	۵	فراوانی مطلق	بسیجیان
۱۰۰	۴۱/۶	۵۴/۲	۴/۲	درصد	
۶۰	۲۲	۳۵	۳	فراوانی مطلق	مستولان
۱۰۰	۳۶/۷	۵۸/۳	۵	درصد	

جدول (۵): توزیع فراوانی میزان تأثیر فراگیری نهادها و گروه‌های محلی در فراگیری برنامه‌های ترویج و توسعه

جمع	خیلی زیاد	زیاد	کم	میزان تأثیر فراوانی	فراگیری
۱۲۰	۴۵	۷۰	۵	فراوانی مطلق	کشاورزان
۱۰۰	۳۷/۶	۵۸/۴	۴	درصد	
۱۲۰	۵۴	۶۲	۴	فراوانی مطلق	بسیجیان
۱۰۰	۴۵	۵۰/۸	۳/۲	درصد	
۶۰	۲۹	۳۰	۱	فراوانی مطلق	مستولان
۱۰۰	۴۸/۳	۵۰	۱/۷	درصد	

جدول (۶)

جمع	عدم تأیید	تأیید	میزان تأثیر فراوانی	بکارگیری بسیجیان
۱۲۰	۱	۱۱۹	فراوانی مطلق	کشاورزان
۱۰۰	۰/۸	۹۹/۲	درصد	
۱۲۰	۱	۱۱۹	فراوانی مطلق	بسیجیان
۱۰۰	۰/۸	۹۹/۲	درصد	
۶۰	۳	۵۷	فراوانی مطلق	مستولان
۱۰۰	۳/۳	۹۶/۷	درصد	

درصد دیگر، به علت کمبود مروج و نبود آموزش و وسایل و امکانات لازم هنوز روشهای سنتی را بکار می‌برند. همچنین، از بین این کشاورزان، ۵۰ درصد توسط مروجین آموزش دیده‌اند. ۵۰ درصد دیگر از طریق افراد آموزش دیده محلی روشهای جدید را آموخته‌اند و این مسئله نشانگر آن است که بکارگیری نیروی آموزش دیده محلی امری ممکن و دارای تأثیر مثبت می‌باشد.

۸) تجزیه داده‌های بدست آمده نشانگر آن است که ۹۸/۴ درصد نیروهای بسیجی و بیش از ۵۰ درصد کشاورزان نمونه آماری پژوهش از طریق پایگاه مقاومت بسیج محل آموزشهای مختلفی را گذرانده‌اند و پایگاه بسیج در مقایسه با سایر نهادهای دست‌اندرکار آموزش روستایی بسیار فعال بوده است.

۹) نتایج بدست آمده از تحقیق درباره هر یک از پیش فرضهای پژوهش حاکی از آن است که ۹۸/۳ درصد کشاورزان و ۹۸/۳ درصد بسیجیان و ۹۸/۳ مسئولان ترویج و توسعه تأثیر انگیزه مذهبی را در پایداری و تداوم برنامه‌های ترویج و توسعه به مقدار زیاد مؤثر می‌دانند و X^2 بدست آمده از پژوهش بزرگتر از X^2 جدول می‌باشد و فرضیه صفر رد می‌شود و با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین انگیزه مذهبی و میزان تداوم برنامه‌ها رابطه مثبت وجود دارد.

۱۰) نتایج پژوهش در باره تأثیر محلی بودن، نشانگر آن است که ۹۹/۲ درصد کشاورزان و ۹۵/۸ درصد بسیجیان و ۹۴/۸ درصد مسئولان تأثیر محلی بودن را در میزان پذیرش نوآوریها توسط مردم به مقدار زیاد مؤثر می‌دانند و از لحاظ آماری X^2 بدست آمده بزرگتر از X^2 جدول می‌باشد.

بنابراین، فرضیه صفر رد می‌شود. یعنی، بین فراوانیهای مشاهده شده و فراوانیهای مورد انتظار تفاوت معناداری وجود دارد.

۱۱) نتایج پژوهش درباره تجربه آموزشی بیانگر آن است که ۹۸/۳ درصد کشاورزان و ۹۵ درصد بسیجیان و ۹۸/۳ درصد مسئولان، میزان تجربه آموزشی در میزان موفقیت آموزشگران به مقدار زیادی تأثیر مثبت دارد و از لحاظ آماری با ۹۹ درصد اطمینان، نظرات گروههای آزمودنی در رابطه با تأثیر تجربه

آموزشی و میزان موفقیت آموزشگران تأیید می‌شود.

۱۲) نتایج بدست آمده پژوهش نشانگر آن است که ۹۸/۳ درصد کشاورزان و ۹۵/۸ درصد بسیجیان و ۹۵ درصد مسئولان، تأثیر رهبران محلی را در هدایت و راهنمایی کشاورزان زیاد می‌دانند. از لحاظ آماری، X^2 بدست آمده بزرگتر از X^2 جدول در سطح ۵ درصد و ۱ درصد می‌باشد. با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که، بین رهبری محلی و میزان پذیرش و پیروی مردم رابطه مثبت وجود دارد.

۱۳) نتایج پژوهش نشانگر آن است که ۹۵/۸ درصد کشاورزان و ۹۶/۶ درصد بسیجیان و ۹۸/۳ درصد مسئولان، میزان فراگیر بودن نهادها و گروهها را در میزان فراگیر شدن برنامه‌ها به مقدار زیاد مؤثر می‌دانند. از لحاظ آماری با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت، بین فراگیری نهادها و گروهها و فراگیر شدن برنامه‌های ترویج رابطه مثبت وجود دارد و فرضیه صفر رد می‌شود.

۱۴) نتایج بدست آمده از پژوهش از گروههای آزمودنی در باره بکارگیری نیروهای آموزش دیده بسیجی روستا، بعنوان مددکاران ترویج و نیروهای معین جهاد نشانگر آن است ترویج و نیروهای معین جهاد نشانگر آن است که ۹۹/۲ درصد کشاورزان و ۹۹/۲ درصد بسیجیان و ۹۶/۷ درصد دست‌اندرکاران ترویج و توسعه روستایی آن را تأیید می‌نمایند.

نتیجه گیری

۱) نتایج پژوهش نشان داد که نیروهای بسیجی جوانتر و باسوادتر از کشاورزان روستا هستند. از این عامل، می‌توان بعنوان پلی بین متخصصین و مردم استفاده کرد.

۲) نتایج پژوهش بیانگر آن بود که آموزش آگاهی کشاورزان از روشهای جدید کافی نیست و باید برای رفع آن چاره‌اندیشی کرد.

نتایج پژوهش نشانگر آن است که بعلت کمبود مروج تماس مروجین با روستاییان بسیار کم است و ضروری است که برای رفع آن اقدام نمود.

۳) نتایج پژوهش بیانگر آن است که در حال حاضر، پذیرفته‌ترین راه ممکن رفع کمبود

مروج، بکارگیری نیروهای مستعد محلی است.

نتایج پژوهش حاکی است که بسیج بیشترین عملکردهای آموزشی را در سطح روستا در مقایسه با سایر نهادهای آموزشی دارد.

نتایج بدست آمده از پژوهش، مؤثر بودن انگیزه مذهبی، تجربه آموزشی، محلی بودن، گستردگی نهادها و گروهها و رهبری محلی بسیجیان را در موفقیت آنها تأیید نموده است.

نتایج پژوهش نشان داد که بیشتر دست‌اندرکاران تولید و ترویج، یعنی کشاورزان هدف برنامه و مسئولان اجرایی ترویج و توسعه و بسیجیان هدف برنامه، بکارگیری بسیجیان روستا را در نقش مددکاران ترویج و نیروهای معین جهاد تأیید نمودند.

پیشنهادها

۱) درخواست مسئولان ترویج و توسعه از مسئولین رده بالای بسیج جهت همکاری و مشارکت

۲) برنامه ریزی صحیح و تعیین خط‌مشی‌های مربوطه و روش بکارگیری آنها

۳) آموزش بسیجیان در نقش مددکار

۴) شروع کار در یک دهم روستاهای تحت پوشش در مرکز خدمات ویا در یکی از شهرستانها، به صورت آزمایشی اجرا و ارزیابی شود.

منابع و مأخذ

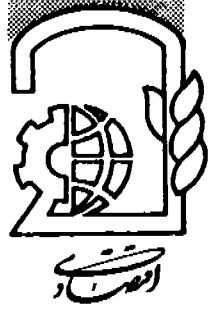
۱- دلاور، علی. "روشهای آماری در روانشناسی و علوم تربیتی"، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم، دی ماه ۱۳۷۱.

۲- شهبازی، اسماعیل. "توسعه و ترویج روستایی"، ناشر مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تیر ماه ۱۳۷۲.

۳- طوسی، محمدعلی، "مشارکت در مدیریت و مالکیت"، ناشر مرکز آموزش و مدیریت دولتی، چاپ دوم ۱۳۷۲.

۴- گراول و تامیر، "مقدمه ای بر آموزش ترویج"، ترجمه سیروس سلمان زاده، ناشر مرکز انتشارات دانشگاه شهید چمران، اهواز، ۱۳۶۸.

۵۸- نیروی مقاومت بسیج، "وظایف و تشکیلات پایگاههای مقاومت بسیج"، چاپ لجستیک بسیج سپاه، ۱۳۷۲.



تعاونیهای تولید راهبرد توسعه روستایی در ایران

● مهندس قادر عربی

چکیده

رشد فزاینده جمعیت، توسعه صنعتی - تکنولوژیکی و گسترش شهرنشینی، توسعه روستایی و کشاورزی را با مشکلات اساسی روبه رو کرده است. امنیت غذایی و دستیابی به خودکفایی در تولیدات کشاورزی، تخریب و نابودی محیط زیست، افزایش فقر، پایین بودن سطح زندگی روستاییان و عدم مشارکت آنان در برنامه‌های توسعه، از این گونه مشکلات است.

این نوشتار در پی کسب پاسخی برای این گونه مسائل است. بنابراین، مقاله حاضر به بررسی و مطالعه گروهها و تشکلهای نظامهای تعاونی در تولیدات کشاورزی پرداخته است. در این راستا، ابتدا بنه‌ها، شرکتهای سهامی زراعی و واحدهای تولیدی مشاع، به طور کوتاه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و سپس به بررسی و ارزیابی تعاونیهای تولید کشاورزی پرداخته شده است.

نتایج این بررسی، بیانگر آن است که پس از فروپاشی بنه‌ها در جامعه روستایی ایران، شرکتهای سهامی - زراعی و واحدهای تولیدی مشاع جایگزین‌های موفق نبوده‌اند. این نتایج همچنین، مبین آن است که تعاونیهای تولید کشاورزی، نقش مهمی در حفظ و احیای یکپارچه سازی اراضی، مکانیزاسیون کشاورزی، افزایش بازده آبیاری،

استفاده بهینه از ماشین‌آلات و نهاده‌های کشاورزی دارند.

در پایان با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از جمعیت کشور در روستاها ساکن بوده و شغل اصلی آنان را کشاورزی تشکیل می‌دهد، همچنین با توجه به مسئله کوچک بودن و پراکندگی زیاد اراضی در مناطق روستایی، توسعه تعاونیهای تولید کشاورزی به عنوان راه‌حلی مناسب برای توسعه روستایی و کشاورزی ایران پیشنهاد می‌شود.

مقدمه

بخش عمده‌ای از جمعیت کشور در مناطق روستایی سکونت دارند و شغل اصلی آنان نیز کشاورزی می‌باشد. بنابراین، دستیابی به توسعه ملی بدون توجه به توسعه روستایی و کشاورزی و بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی روستاییان، امکان پذیر نمی‌باشد. دستیابی به توسعه روستایی و کشاورزی، نیازمند توجه به دو عنصر ضروری می‌باشد. اولین عنصر ضروری، مشارکت است. به طور کلی، توسعه روستایی و کشاورزی، یک دگرگونی مطلوب کیفی و کمی در جامعه روستایی است که منجر به بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی روستاییان و همچنین افزایش تولیدات غذایی آنان می‌گردد. نکته حائز اهمیت این است که این دگرگونی بدون

مشارکت روستاییان در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های توسعه روستایی و کشاورزی غیرممکن است.

عناصر دوم، سازماندهی روستاییان در چارچوب تشکلهای است. این عنصر در واقع ابزار جلب مشارکت می‌باشد و بیشتر در چارچوب یک تشکل است که مشارکت معنا و مفهوم می‌یابد. براین اساس، این مقاله در پی بررسی تشکلهای و برنامه‌های توسعه روستایی به منظور شناسایی تشکلی مناسب برای توسعه روستایی و کشاورزی می‌باشد.

مروری بر تاریخچه تشکلهای و تعاونیها

ایجاد تشکلهای روستایی در جهان سابقه‌ای دیرینه دارد. به طوری که، ایجاد انواعی از تشکلهای به عصر شروع کشاورزی توسط بشر برمی‌گردد. چرا که کشت و کار کشاورزی به مقتضای عملکردهای ویژه خود، چگونگی بهره‌برداریها و شرایط جغرافیایی هر منطقه ایجاد می‌کرده است که نوعی ویژه از این تشکلهای به وجود آید.

در واقع، ایجاد این تشکلهای، پاسخی به شرایط دشوار کار کشاورزی، جایگاه و موقعیتهای جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. همچنین این نوع تشکلهای و تعاونیها، وسیله‌ای مهم برای تبادل تجارب و

ایجاد تعاونها و تشکلهای روستایی در ایران نیز سابقه‌ای دیرینه دارد. این مهم به ایجاد "بنه‌ها" در جامعه روستایی ایران برمی‌گردد.

در حقیقت، تا قبل از اجرای اصلاحات ارضی به سال ۱۳۴۱، عملکردهای تولیدی در بیشتر مناطق روستایی ایران براساس سازمان تولیدی بنه بوده است. بنه‌ها متشکل از چندین خانوار روستایی خوشاوند بوده‌اند. در واقع، بنه‌ها به عنوان سازمان اجتماعی پیچیده‌ای در زمینه تولید کشاورزی با حقوق مشخص نسبت به آب و کشت و مدیریتی نیمه رسمی در مزرعه بودند.

وظیفه اصلی بنه‌ها، استفاده بهینه از زمین و صرفه‌جویی در آب بوده است. از آنجایی که زندگی در روستا با کشاورزی به طور تنگاتنگی ارتباط داشته است، بنابراین اساس این نوع خاص از سازمانهای تولیدی، سایر جنبه‌های زندگی روستایی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌داده است. به عنوان مثال بنه‌ها در تعیین پایگاه اجتماعی افراد تأثیر زیادی داشته‌اند. به طوری که، جایگاه فرد در بنه، درجه تأثیرگذاری او را در زندگی روستایی مشخص می‌کرد. به طور کلی، چند امر در زمینه تولید روستایی وجود داشته که لزوم ایجاد تعاون را از طریق بنه ایجاب می‌کرده است.

۱) امور مربوط به برپاداری و استفاده از نهاده‌های کشاورزی
در این رابطه آب و زمین از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند.

۲) امور مربوط به تولیدات:

تعاون در تولید بر پایه مبادله نیروی کار است. یعنی کشاورزان همدیگر را در موقع انجام عملکردهای کشاورزی به طور متقابل یاری می‌کردند. در واقع، این امر پاسخی به عملکردهای سخت کشاورزی بود.

۳) خرید خدمات:

خرید خدمات عمومی بر پایه تعاون بوده است.

۴) عوامل مرتبط با امور زیربنایی :

از آنجایی که عملکردهای زیربنایی در کشاورزی، (ایجاد جداول آب و ...) از توان فرد به تنهایی خارج بوده است، لذا ایجاد بنه‌ها پاسخی به این امر بود.

۵) مسئله دیگر مربوط به دفاع از مزارع هر

روستا در مقابل خطرات طبیعی و انسانی بوده‌است.

با اجرای اصلاحات ارضی و آغاز برنامه‌های توسعه روستایی در سال ۱۳۴۱، ساختار بنه‌ها از هم پاشیده و در دهه ۱۳۵۰ از صحنه زندگی روستاییان برچیده شد. اجرای اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی، گرچه دارای مزایای زیادی بود، ولی پیامدهای نامطلوبی را به دنبال داشت.

اولین پیامد نامطلوب این دگرگونی در جامعه روستایی ایران، خرد شدن اراضی به تکه‌های کوچک و غیراقتصادی بود. در واقع باید گفت که در اراضی کوچک مقیاس، به علت قدرت مانور کمتر ماشین‌آلات کشاورزی، امکان مکانیزاسیون کاهش می‌یابد و همین امر، سبب کاهش کارایی اقتصادی می‌گردد.

دومین پیامد نامطلوب اصلاحات ارضی، ریشه در توان اقتصادی کشاورزان برای انجام عملکردهای کشاورزی دارد. به عبارت دیگر، این نکته را باید خاطر نشان کرد که تا قبل از اصلاحات ارضی، روابط پولی نقش عمده‌ای در زندگی روزمره کشاورزان ایفا نمی‌کرد و گرفتاری مالی کشاورزان توسط ارباب رفع می‌گردید.

این الگوی اعتباری بعد از اصلاحات ارضی تا حدود زیادی دگرگون شد. این امر، سبب ایجاد خلاء مالی برای کشاورزان گردید. سومین پیامد اصلاحات ارضی در ایران، از بین رفتن بنه‌ها در جامعه روستایی بود. فلسفه ایجاد بنه‌ها براساس همکاری متقابل و شرکت جمعی در امر تولید بنا شده بود. این امر، منجر به چیرگی کشاورزان بر شرایط سخت و طاقت فرسای عملکردهای کشاورزی می‌شد. اما با متلاشی شدن بنه‌ها، باید نیروی ماشینی جایگزین اینها می‌شد و این در حالی بود که به علت قطعه قطعه شدن زمین، امکان مکانیزاسیون کاهش یافته بود.

بر همین اساس، دولت در مراحل دوم و سوم اصلاحات ارضی به سمت جلوگیری از تقسیم زمین سوگیری کرد. در این دو مرحله، اهداف دولت، متوجه سیاستهای یکپارچه سازی اراضی، افزایش بهره‌وری کشاورزی، بهبود درآمد کشاورزان و ... بود. در این راستا، دولت دست به اقدامات و تلاشهای متفاوتی زد. از جمله این تلاشها و اقدامات، می‌توان از گشایش شرکتهای کشت و صنعت نام برد. این واحدهای بزرگ کشاورزی، در عین دارا بودن

سطح وسیعی از اراضی کشاورزی، دارای صنایع تبدیلی نیز بودند. این واحدها که با مشارکت سرمایه‌گذارهای خارجی و داخلی گشایش یافته بودند، با شکست مواجه شدند.

شرکتهای سهامی - زراعی

در سال ۱۳۴۷، تشکیل شرکتهای سهامی - زراعی با هدف بالا بردن میزان تولیدات کشاورزی و حل مشکلات ناشی از خرد شدن اراضی، از طریق یکپارچه سازی اراضی مورد توجه قرار گرفت. اساس کار این شرکتهای به این طریق بود که پس از گرفتن مالکیت از کشاورزان یک منطقه، اراضی آنان یکپارچه شده و به صورت مکانیزه به زیر کشت می‌رفت. در این نظام تولیدی، کشاورزان به ازای زمین، آب و مقدار کاری که روی اراضی می‌کردند، سهمی از شرکت را دریافت می‌کردند. در واقع، کشاورزان به عنوان کارگران زراعی روی زمین کار می‌کردند. به دنبال مقاومت کشاورزان در برابر گرفتن مالکیت از آنان، مسئولین وزارت تعاون و امور روستاها به این نتیجه رسیدند که توسعه این گونه شرکتهای با محدودیت شدیدی رو به رو می‌باشد. به همین دلیل، این گونه شرکتهای با شکست مواجه شدند. یکی دیگر از اقدامات و تلاشهای دولت در جهت رفع پیامدهای ناشی از اصلاحات ارضی، گشایش تعاونیهای تولید بود.

اما قبل از اینکه به این نوع تعاونیها پرداخته شد، لازم است که یکی از برنامه‌های توسعه روستایی پس از انقلاب، یعنی واحدهای تولیدی مشاع شرح داده شود.

واحدهای تولیدی مشاع

این واحدهای تولیدی، یکی از اشکال گوناگون تعاونی می‌باشد که پس از انقلاب اسلامی در ایران گشایش یافت. مشاع به معنی مالکیت جمعی یا تملک جمعی بر زمین است. براین اساس، دولت قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن، هیئتهای هفت نفره را مکلف می‌ساخت که اراضی واگذار شونده به افراد را در قالب مالکیت جمعی، به نام مشاع واگذار کنند. در این واحدهای تولیدی، زمین و آب و ادوات ماشینی، به طور شریک الملکی متعلق به همه اعضای تشکیل دهنده مشاع بود. هر عضو مشاع، دارای قطعه زمین مشخصی در اراضی متعلق به مشاع نبود تا بتواند به طور مستقل

توسعه تعاونیهای تولید کشاورزی

به عنوان راهحلی مناسب برای توسعه روستایی و کشاورزی ایران پیشنهاد می‌شود.

ایجاد تعاونیها و تشکلهای روستایی

در ایران نیز سابقه‌های دیرینه دارد. این مهم به ایجاد "بنه‌ها" در جامعه روستایی ایران برمی‌گردد.

- ۲) عدم وجود ارزشهای سهام در رابطه با مقدار زمین و رعایت حرمت رأی افراد به صورت هر نفر یک رأی و وجود امتیاز برای همه اعضا
- ۳) حفظ حدود و مرزهای قطعات زمین کشاورزان
- ۴) تشابه کار گروهی در این شرکتها با ارزشهای سنتی کار نظیر بنه‌ها
- ۵) هماهنگی و اشتراک مساعی در کارهای اجرایی شرکت توسط کشاورزان
- ۶) استفاده بهینه از منابع آب و افزایش بازدهی آبیاری
- ۷) استفاده بهینه از نهاده‌ها و ادوات کشاورزی
- ۸) افزایش تولیدات کشاورزی
- ۹) کمک به یکپارچه سازی و مکانیزاسیون کشاورزی
- ۱۰) بهبود اثربخشی عملکردهای ترویج کشاورزی درون تعاونها
- ۱۱) امکانات و وسایل رفاهی بیشتر
- ۱۲) افزایش اوقات بیکاری اعضا و در نتیجه، اشتغال آنان در بخشهای دیگر (دامداری، صنایع روستایی و ...)

ضرورت‌های توسعه تعاونیهای تولید روستایی

- ۱) جمعیت شاغل در بخش کشاورزی طبق آمار سال ۱۳۶۵، بیش از ۴۰ درصد جمعیت کشور ایران در بخش روستایی سکونت دارند. براین اساس، توسعه برنامه‌های روستایی و کشاورزی در کشور ایران یک نیاز محسوس است.
- ۲) وجود نظام غالب خرده مالکی به طور کلی، در کشور ایران بیشتر کشاورزان خرده‌پا می‌باشند و کشاورز بزرگ مالک در این کشور کمتر دیده می‌شود.
- ۳) پراکندگی اراضی کشاورزان پراکندگی اراضی در کشور ایران زیاد

سال، دولت متوجه شد که بسیاری از کشاورزان به علت کوچک بودن اراضی خود، قادر به تولید مناسب و افزایش تولید نیستند. بر این اساس در دهه اخیر، توسعه این شرکتها در دستور کار برنامه های دولت قرار گرفت. هر تعاونی اجازه دارد تا در محدوده ۳-۱۵ روستا عمل کند. کمکهای زیادی از طرف دولت در رابطه با ماشین آلات و ادوات کشاورزی و اعتبار برای تهیه نهاده‌ها و انجام عملکردها به این نوع تعاونیها ارائه می‌شود. از لحاظ حقوقی، زمین هر کس در اختیار خودش قرار دارد، ولی بهره‌برداری به صورت گروهی و در چارچوب نظام شرکتی صورت می‌گیرد. به عبارت بهتر، پس از تبدیل اراضی پراکنده به قطعات مناسب یکپارچه، کل اراضی کشاورزان در داخل محدوده شرکت، به صورت گروهی در اختیار صاحبان نسق زراعی قرار می‌گیرد. در هر گروه، تقسیم کار با توجه به میزان و برابر مساحت زمین تحت مالکیت صاحبان اراضی صورت می‌گیرد و یک نفر از اعضای گروه به عنوان سرگروه انتخاب می‌شود. درآمد ناخالص هر عضو تعاونی برحسب نهاده‌های کشاورزی که در اختیار دارد (مانند آب، زمین، کار و سرمایه) تقسیم می‌شود. به طور کلی، هدف از گشایش این شرکتهای تعاونی عبارت بود از یکپارچه سازی زمینهای کشاورزی، آشنا ساختن کشاورزان با شیوه‌های نوین تولید، توسعه منابع آب و خاک و افزایش اشتغال از طریق توسعه صنایع روستایی.

مزایای شرکت‌های تعاونی تولید روستایی

به طور کلی، این تعاونیها دارای مزایایی است که ضرورت توسعه این تعاونیها را می‌طلبد. این مزایا عبارتند از:
۱) حفظ و بقای مالکیت زمین که باعث دلگرمی روستاییان می‌گردد.

آن را کشت کند. بنابراین، مالکیت جمعی بود. در این واحدها، توزیع برابر تولید بین اعضا برقرار بود، به طوری که سهم هر کس در مجموعه مشاع بر حسب زمین و حق آب بود. همه اعضا موظف بودند که در واحد تولیدی مشاع کار کنند. هدف از گشایش این واحدهای تولیدی، حفظ یکپارچه سازی اراضی، استفاده بهینه از نهاده‌ها و ماشین آلات کشاورزی بود. بیشتر اراضی به روستاییان بی‌زمین و کم‌زمین واگذار می‌شد و حداقل اعضای مشاع، ۵ نفر و حداکثر ۲۰ نفر بود. به طور کلی، بررسیهای گوناگون بیانگر این است که این واحدهای تولیدی ناموفق بوده‌اند. از جمله علل ناموفق بودن این واحدهای تولیدی، می‌توان به فقدان انگیزه مالکیت، واگذاری اراضی موات، کمبود سرمایه، عدم مدیریت صحیح و تقسیم کار اشاره کرد.

تعاونیهای تولید روستایی

در ابتدای دهه ۱۳۵۰، دولت در راستای افزایش تولیدات کشاورزی، یکدست نمودن کشت با توجه به حفظ مالکیت فردی بر زمین، توسعه برنامه‌ریزی در کشاورزی، استفاده بهینه از منابع آب و خاک و بهبود سطح زندگی روستاییان، گشایش شرکت‌های تعاونی تولید روستایی را هدف قرار داد. روش کار در تعاونیهای تولید به این صورت بود که هر کشاورز به صورت جمعی در عملکردهای تولیدی مشارکت می‌کرد. آب نیز برای همه به صورت جمعی عرضه می‌شد. تعاونی دارای یک هیئت رئیسه است که توسط اعضا انتخاب می‌شوند. مدیرعامل هم توسط دولت از بین مهندسان کشاورزی انتخاب می‌گردد. از سال ۱۳۵۱ لغایت ۱۳۵۷، ۳۹ شرکت تعاونی تولید روستایی در نقاط مختلف کشور به وجود آمده بود. از این تعداد، ۲۰ تعاونی پس از انقلاب منحل و زمینها به اعضا پس داده شد. اگر چه در سالهای اول انقلاب، توسعه این تعاونیها متوقف شده بود، ولی پس از چند

دستیابی به توسعه روستایی و کشاورزی

نیازمند توجه به دو عنصر ضروری می‌باشد. اولین عنصر ضروری، مشارکت است.

عناصر دوم، سازمندی روستاییان در چارچوب تشکلهاست.

است. به طوری که، هر زارع خرده‌پا به طور متوسط علاوه بر این که دارای مقدار محدودی زمین است، این مقدار کم در قالب یک قطعه نیز نمی‌باشد، بلکه در قالب چندین قطعه جدا از هم است. به علاوه، قانون ارث روند بالا را در آینده شدیدتر نیز می‌کند.

۴) پذیرش شیوه‌های نوین تولید

تا مدت‌های مدیدی عقیده بر این بود که عدم پذیرش نوآوریها و شیوه‌های نوین تولیدی توسط کشاورزان به دلیل ویژگیهای شخصی آنان (از قبیل سنت‌گرایی، اعتقاد به قضا و قدر، بینش سنتی، خرده فرهنگ دهقانی) می‌باشد. ولی بررسیهای بعدی نشان داد که همیشه این عقیده درست نیست. این بررسیها تأکید کرده‌اند که یکی از شرایط مهم پذیرش نوآوری و شیوه‌های نوین، وسایل و امکانات و توان اقتصادی لازم است.

در واقع باید گفت که راهبرد توسعه تعاونیهای تولید کشاورزی در کشور ایران، یک ضرورت اساسی است. این راهبرد، برای دستیابی به دو هدف اساسی، افزایش تولیدات کشاورزی و بهبود درآمد کشاورزان دارای یک نقش اساسی در این کشور می‌باشد. این راهبرد، تنها با رعایت اصول زیر، یک راهبرد موفق می‌باشد. این اصول عبارتند از:

الف - توافق و خواست کشاورزان:

توسعه و ایجاد تعاونیها، باید براساس خواستها و نیاز کشاورزان گروه هدف باشد. زیرا بررسیها و تجربه نشان داده است که آن برنامه‌های توسعه روستایی که همسو با خواستها و نیازهای ارباب رجوع نبوده‌اند، شکست خورده‌اند.

ب - مشارکت اعضاء در طراحی و اجرای برنامه‌ها:

مشارکت به معنای سهم شدن اعضاء در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌هاست. مشارکت در طراحی برنامه‌ها، تضمین‌کننده این امر می‌باشد که برنامه هماهنگ با خواست و نیاز اعضاء می‌باشد.

مشارکت در اجرای برنامه‌ها، سبب پیشبرد برنامه‌ها در جهت دستیابی به اهداف خواهد بود. لذا، متولیان این تعاونیها که بیشتر آنها مهندسین کشاورزی می‌باشند، باید به این نکته توجه خاصی داشته باشند.

ج - سعی شود از به‌کارگیری روشهای مرسوم اداری و بوروکراتیک در این تعاونیها خودداری شود. چرا که، حاکمیت این روشها بر تعاونیها، این تعاونیها را از حالت تعاونی خارج می‌سازد.

د - سعی شود افرادی که درون هر گروه قرار می‌گیرند، افرادی همگن (از لحاظ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و...) باشند.

نتیجه‌گیری

عملکردهای کشاورزی در جامعه روستایی ایران تا قبل از اصلاحات ارضی در قالب سازمانهای سنتی تعاونی به نام "بنه‌ها" بوده است. اجرای اصلاحات ارضی در ایران به سال ۱۳۴۱، منجر به فروپاشی ساختار بنه‌ها گردید. قطعه قطعه شدن اراضی کشاورزی و ظهور کشاورزان خرده‌پای مستقل، از دیگر پیامدهای نامطلوب این اصلاحات (قطعه قطعه شدن اراضی) و در راستای یکپارچه سازی و افزایش تولیدات کشاورزی، دست به اقدامات و تلاشهای متفاوتی زد. به طور کلی، این اقدامات شامل گشایش واحدهای بزرگ تجاری کشت و صنعت، شرکتهای سهامی زراعی و تعاونیهای تولید روستایی بود. پس از انقلاب، یکی از اقدامات اساسی، گشایش واحدهای تولیدی مشاع بود که در واقع شیوه‌های خاصی از تعاونی بود. بررسیها و تجارب مختلف متخصصان و دست‌اندرکاران این برنامه‌ها نشانگر آن است که واحدهای کشت و صنعت، شرکتهای سهامی - زراعی و واحدهای تولیدی مشاع، برنامه‌های موفق نبوده‌اند. این بررسیها و تجارب بیانگر این است که تعاونیهای تولید روستایی تا حد زیادی موفق بوده‌اند و با شرایط

اجتماعی-اقتصادی جامعه روستایی ایران، هماهنگی بیشتری داشته‌اند. بر همین اساس با توجه به شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران، توسعه تعاونیهای تولید روستایی و کشاورزی به عنوان گزینداری مناسب پیشنهاد می‌گردد. این گزینداری تنها زمانی موفق می‌باشد که براساس خواست کشاورزان باشد.

منابع

- ۱) ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰)، "مقدمه‌ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی"، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۲) ازکیا، مصطفی (۱۳۶۹)، "جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران"، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۳) جلال کمالی، علی (۱۳۶۹)، "تحلیلی بر لزوم تشکیل نظامهای بهره‌برداری و انگیزه‌های ایجاد واحدهای تولیدی با نظامهای سهامی - زراعی، تعاونیهای تولید روستایی و کشت و صنعتها"، مجموعه مقالات اولین همایش مشترک شرکتهای سهامی - زراعی، تعاونیهای تولید روستایی و کشت و صنعتها، اول تا سوم اسفند ۱۳۶۸، مشهد. تهران: سازمان شرکتهای سهامی - زراعی و تعاونیهای تولید روستایی.
- ۴) شهبازی، اسماعیل (۱۳۶۸)، "توسعه کشاورزی و مسئله کوچکی، پراکندگی و دوری قطعات اراضی مورد کشت و کار هر خانوار کشاورز"، قسمت دوم، زیتون، شماره ۹۲.
- ۵) نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۶۱)، "اثرات تأسیس شرکتهای تعاونی تولید"، مجله علوم کشاورزی ایران، جلد ۱۳، شماره‌های ۳، ۲، ۱ و ۴.
- ۶) لهستانی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۲)، "جامعه شناسی کشاورزی"، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۷) وزارت تعاون و امور روستاها (۱۳۵۲)، "قانون تشکیل شرکتهای سهامی - زراعی".

ساختار ظرفیت پس انداز روستایی در ایران

مطالعه موردی استان فارس

● دکتر بهاءالدین نجفی

● مهندس محمد قربانی

تشکیل سرمایه و یا به طور غیرمستقیم منجر به دگرگونیهای فنی می‌گردد. تردیدی نیست که پس انداز، می‌تواند با پیشرفت آموزش و گرایش‌های اقتصادی به بهبود توسعه اقتصادی منجر گردد. همچنین، هیچ کشوری بدون نرخهای پس اندازی بالا، توسعه پایدار ندارد. علاوه بر آن، در کشورهای توسعه نیافته، مشکل کمبود پس انداز موضوعی است که بیشتر صاحب‌نظران آن را یکی از عوامل محدود کننده رشد اقتصادی می‌دانند.

بنابر آنچه گذشت، می‌توان گفت که اگر بتوان پس اندازهای روستاییان را سازماندهی نمود، سرمایه‌های ناشی از پس اندازهای خانوارهای روستایی به بخش کشاورزی تزریق می‌گردد و یا بطور غیرمستقیم به سایر بخشها انتقال می‌یابد، تا صرف توسعه گردد. پس وجود پس انداز در جامعه روستایی از جمله عواملی است که از طریق سرمایه گذاری در ایجاد فن‌آوریهای نوین، افزایش بهره‌وری و اشتغال، می‌تواند به توسعه بخش کشاورزی و سایر بخشهای اقتصاد منجر گردد. (۸)

شغلی، ظرفیت پس انداز افزایش نخواهد یافت.

۴) ظرفیت پس انداز با اندازه مزرعه رابطه مستقیم دارد و کشاورزان تمایل بیشتری به پس انداز در بانکهای تجاری دارند.

در پایان با توجه به یافته‌ها، راهکارهایی جهت بهبود عملکرد بازار مالی روستایی ارائه شده است.

■ مقدمه و طرح مسأله

رشد اقتصادی در هر کشوری، تابع میزان سرمایه‌گذاری در آن کشور است. منابع لازم برای سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف اقتصادی بیشتر از محل پس اندازهای مردم بدست می‌آید که در بانکها سپرده‌گذاری می‌شود. بدین لحاظ، هر چه کارایی تجهیز و گردآوری سپرده‌ها از طریق بانکها افزایش یابد، منابع بیشتری جهت سرمایه‌گذاری فراهم می‌شود.

از نظر اقتصاددانان، پس انداز یکی از عوامل اساسی در فرایند توسعه اقتصادی است که به طور مستقیم، منابع آن منجر به

■ چکیده

پس انداز از عوامل اساسی در فرایند توسعه اقتصادی به حساب می‌آید. اگر بتوان پس اندازهای روستاییان را سازماندهی کرد، منجر به توسعه بخش کشاورزی و دیگر بخشهای اقتصادی می‌شود. بنابراین، توسل به پس اندازهای روستایی حائز کمال اهمیت است. در ایران (با توجه به مجموعه سیاستهای اتخاذ شده در بخش کشاورزی) به نظر می‌رسد که ظرفیت پس انداز قابل توجهی در روستاها پدید آمده باشد که بخشی از آن توسط نهادهای مالی جذب شده است. بنابراین، با هدف تبیین ساختار ظرفیت بالفعل پس انداز روستایی، این بررسی بر روی ۲۰۲ سپرده گذار روستایی استان فارس در سال ۱۳۷۵ صورت پذیرفت. نتایج بررسی نشانگر آن است که:

- ۱) ظرفیت بالفعل پس انداز روستاییان ۲۸/۴ درصد می‌باشد.
- ۲) با افزایش درآمد، ظرفیت پس انداز در بانکها افزایش نمی‌یابد.
- ۳) در هر گروه درآمدی با افزایش تنوع

بنابراین، توسل به پس‌اندازهای روستایی که طبقه عظیم مولد کشور می‌باشند، حائز کمال اهمیت است.

در ایران، اکنون در بخش کشاورزی با توجه به مجموعه سیاست‌گذارها و نیز وجود زمینه‌ها و منابع درآمدی مختلف، افزایش قابل توجهی در درآمد کشاورزان حاصل شده است که مازادی را به وجود آورده که بخشی از آن به شکل سپرده‌گذاری از سوی روستاییان توسط نهادهای مالی جذب شده باشد. به عبارت دیگر، بر خلاف دیدگاههای رادیکال که معتقد به عدم وجود ظرفیت پس‌انداز در مناطق روستایی بوده و برنامه‌ریزی در جهت جذب آن را فاقد استدلال لازم و غیرمنطقی می‌دانند، به نظر می‌رسد که ظرفیت پس‌انداز قابل توجهی در روستاها پدید آمده است.

از آنجایی که به دلیل عدم تفکیک حسابهای سپرده روستایی و شهری، تاکنون بررسی و مطالعه‌ای در زمینه تعیین ظرفیت بالفعل پس‌اندازی روستاییان (جذب شده توسط نهادهای مالی) صورت نگرفته و نیز، ساختار این ظرفیت در ارتباط با منابع درآمدی مختلف مشخص نگردیده است. بنابراین، مطالعه در باب تعیین ظرفیت پس‌انداز و شناخت ساختار آن ضرورت می‌یابد که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود.

■ اهداف

در این مطالعه و بررسی تلاش گردید تا اهداف زیر مورد بررسی قرار گیرد:

- ۱) تعیین ظرفیت بالفعل پس‌انداز روستاییان استان فارس
- ۲) بررسی تأثیر منابع درآمدی روستاییان بر ظرفیت پس‌انداز
- ۳) بررسی ظرفیت پس‌انداز روستاییان در گروههای شغلی و درآمدی
- ۴) رابطه ظرفیت پس‌انداز روستاییان با اندازه مزرعه
- ۵) بررسی تمایل به پس‌انداز روستاییان در بانکهای مختلف
- ۶) بررسی دیدگاه سپرده‌گذاران در ارتباط با دلایل پس‌انداز در بانکهای تجاری

■ فرضیات

در مطالعه حاضر، تلاش می‌گردد تا صحت یا سقم فرضیات زیر مورد آزمون قرار گیرد:

- ۱) ظرفیت بالفعل پس‌انداز روستاییان استان

فارس بالاست.

- ۲) تنوع در منابع درآمدی روستاییان، تأثیر مثبتی بر روی ظرفیت پس‌انداز دارد.
- ۳) با افزایش درآمد روستاییان، ظرفیت پس‌اندازی افزایش می‌یابد.
- ۴) ظرفیت پس‌انداز روستاییان با اندازه مزرعه رابطه مستقیم دارد.
- ۵) تمایل به پس‌انداز روستاییان در بانکهای تجاری بیش از بانک کشاورزی است.

■ روش شناسی پژوهش

نظر به اینکه مطالعه حاضر، فقط به پس‌انداز روستاییان پرداخته و به آن محدود شده است و بانک کشاورزی نیز به عنوان یکی از بانکهای تخصصی در این زمینه فعالیت دارد، نمونه مورد بررسی و مطالعه به صورت زیر انتخاب گردیده است: ابتدا با استفاده از آمارهای مربوط به میزان سپرده‌ها و تعداد سپرده‌گذاران در بانک کشاورزی استان فارس، شعبه‌های مختلف بانک کشاورزی از لحاظ سرانه جذب سپرده‌ها، از یک تا ۴۰ رتبه بندی گردید. پس از رتبه بندی دو شعبه انتخاب گردید که دارای فعالیت جذب سپرده ضعیف و قوی بوده اند که این شعب به ترتیب: ۱) شعبه فیروزآباد با ۹۷ روستا (بخش مرکزی)، ۲) شعبه بیضاء با ۷۹ روستا می‌باشد. در این مطالعه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۲۰۲ سپرده‌گذار روستایی در ۶۳ روستا مورد پیمایش قرار گرفته و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری گردید.

اطلاعات مورد استفاده در این مطالعه، مربوط به سال زراعی ۷۳-۱۳۷۴ است که به صورت داده‌های مقطعی می‌باشد. جدول (۱) توزیع نمونه را در مناطق مورد مطالعه نشان می‌دهد. همانطوری که ملاحظه می‌گردد، ۵۶/۹۳ درصد نمونه‌ها در بیضاء و ۴۳/۰۷ درصد نمونه‌ها در فیروزآباد می‌باشد. در این مطالعه و بررسی، پس‌انداز عبارت است از وجوهی که روستاییان در بانکها و نهادهای مالی به شکل سپرده ذخیره نموده‌اند. در واقع، محور بحث پس‌انداز بالفعل می‌باشد. ظرفیت پس‌انداز نیز بخشی از درآمد روستاییان می‌باشد که پس‌انداز می‌گردد.

به منظور بررسی رابطه بین ظرفیت پس‌انداز روستاییان و اندازه مزرعه (سطح زیرکشت) از رگرسیون^(۱) خطی به فرم زیر

بهره گرفته شده است:

$$APS = C + BX + U$$

که در آن:

- APS = ظرفیت پس‌انداز روستاییان به درصد
 X = اندازه مزرعه (سطح زیرکشت) به هکتار
 C = عرض از مبدأ
 B = پارامتر رگرسیون که باید برآورد گردد
 U = جمله اختلال تصادفی می‌باشد.

■ ظرفیت پس‌انداز روستایی، پیشینه نگاشته‌ها

در باره ظرفیت پس‌انداز روستایی، عقیده‌های مختلفی وجود دارد. گروهی از اقتصاددانان، بر این عقیده اتفاق نظر دارند که ظرفیت پس‌اندازی در نواحی روستایی وجود دارد ولیکن، میزان این ظرفیت پایین است و هزینه‌های مربوط به بسیج پس‌اندازها، هزینه‌های اداری و ... نسبت به منافع حاصل از این پس‌اندازهای بالقوه، بالا می‌باشد. عده دیگری از اقتصاددانان، بر این عقیده‌اند که در نواحی روستایی، ظرفیت پس‌اندازی به دلیل پایین بودن درآمدهای روستاییان، فرصتهای شغلی مناسب و نیز، عدم وجود نهادهای مالی وجود ندارد. به عبارت دیگر، چنین مقوله‌ای در روستا قابل بحث نمی‌باشد. در این بخش به تجربیات چند کشور در این زمینه اشاره می‌شود:

الف) تجربه تایوان

آنگ، آدامز و سنگ (۱۵) نشان دادند که طی دوره ۷۰-۱۹۵۳، نرخهای واقعی بهره پرداخت شده به سپرده‌های مدت‌دار تنها در دو سال ۱۹۵۳ و ۱۹۶۰ منفی بوده است. آنها ظرفیت پس‌انداز خانوارهای روستایی را طی دوره ۷۴-۱۹۶۰، بین ۱۹-۳۱ درصد تعیین کردند. همچنین، تجربه تایوان نشان داد که ظرفیت پس‌انداز در گروههای با اندازه مزرعه کوچکتر، بیشتر است و خانوارها، زمانی که امکانات و وسایل سرمایه‌گذاری سودآورتر داشته باشند، بیشتر پس‌انداز می‌نمایند.

ب) تجربه ژاپن

مطالعه تودا (۱۴) بر روی خانوارهای روستایی ژاپن نشان داد که، ظرفیت پس‌انداز برای متوسط خانوارها از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۳، از ۱۰ درصد تا ۲۲ درصد دگرگونی داشته است. بعد از سال ۱۹۶۰، پس‌انداز خانوارهای با مزارع خیلی کوچک در برخی از

قسمتها به دلیل افزایش سریع درآمدهای خانوار حاصل از منابع خارج مزرعه افزایش یافت.

ج) تجربه کره

آن، آدامز و رائو (۳) نشان دادند که ظرفیت پس انداز برای خانوارهای روستایی کره، از ۱۵ درصد در سال ۱۹۶۲ تا ۳۳ درصد در سال ۱۹۷۴ نوسان داشته است. همچنین، این ظرفیت در مزارع کوچکتر بالاتر بوده است.

د) تجربه مالزی

بررسی مقطعی^(۲) لی (۱۱) در باره عملکردهای پس اندازی خانوارهای غرب مالزی در نیمه دهه ۱۹۶۰ نشان داد که ظرفیت پس اندازی مطلوبی بین خانوارهای روستایی وجود دارد. همچنین، این ظرفیت در میان کشاورزان و ماهیگیران به موازات افزایش درآمد افزایش یافته است. ظرفیت پس انداز در گروه شغلی کارگران، ۴۳ درصد و در گروه کشاورزان و ماهیگیران ۴۶ درصد تعیین گردیده است.

ه) تجربه هند

بررسیهای مربوط به کالون و سنگ بال (۹) و دزاین (۵) نشان داد که ظرفیت پس انداز خانوارهای روستایی هند بین ۱۲ تا ۳۷ درصد بوده است.

نتایج و بحث

در این بخش، ابتدا ظرفیت پس انداز روستایی مورد بحث قرار گرفته و سپس ساختار ظرفیت پس انداز تحلیل شده است.

الف) ظرفیت پس انداز روستایی

همانگونه که گفته شد، اعتقاد دوگانه‌ای در ارتباط با ظرفیت پس انداز روستایی وجود دارد. به طوری که، گروهی معتقدند که در روستاها ظرفیت پس اندازی وجود ندارد و گروه دیگر اعتقاد دارند که ظرفیت پس انداز در روستاها وجود دارد، اما میزان آن اندک است و تجهیز و جمع‌آوری آن هزینه بر می‌باشد.

بررسی بر روی روستاییان مناطق مورد مطالعه فارس نشانگر آن است که ظرفیت پس اندازی روستاییان بیضاء و فیروزآباد به ترتیب ۳۵۱/۰ و ۱۹۴/۰ می‌باشد. به عبارت دیگر، روستاییان در این مناطق، به ترتیب

۳۵/۱ و ۱۹/۴ درصد از کل درآمد خود را در بانکها و نهادهای مالی (کشاورزی و تجاری) پس انداز کرده‌اند. ظرفیت پس انداز روستاییان فارس در این مطالعه، ۲۸۴/۰ تعیین گردیده است. به عبارت دیگر، در روستاهای فارس، مردم ۲۸/۴ درصد از کل درآمد خود را به شکل سپرده در بانکها و نهادهای مالی پس انداز نموده‌اند. بنابراین، ملاحظه می‌گردد که بر خلاف دیدگاههای رادیکال که معتقد به عدم وجود ظرفیت پس انداز در روستاها می‌باشند، روستاهای فارس ظرفیت پس اندازی قابل توجهی دارند که لزوم برنامه‌ریزی‌های آینده نهادهای مالی را در جهت حفظ ظرفیت موجود و ایجاد ظرفیتهای جدید برای جذب پس اندازهای موقت و کوچک روستاییان طلب می‌نماید.

نتایج و بحث

در این بخش، ابتدا ظرفیت پس انداز روستایی مورد بحث قرار گرفته و سپس ساختار ظرفیت پس انداز تحلیل شده است.

الف) ظرفیت پس انداز روستایی

همانگونه که گفته شد، اعتقاد دوگانه‌ای در ارتباط با ظرفیت پس انداز روستایی وجود دارد. به طوری که، گروهی معتقدند که در روستاها ظرفیت پس اندازی وجود ندارد و گروه دیگر اعتقاد دارند که ظرفیت پس انداز در روستاها وجود دارد، اما میزان آن اندک است و تجهیز و جمع‌آوری آن هزینه بر می‌باشد.

بررسی بر روی روستاییان مناطق مورد مطالعه و فارس نشانگر آن است که ظرفیت پس اندازی روستاییان بیضاء و فیروزآباد، به ترتیب ۳۵۱/۰ و ۱۹۴/۰ می‌باشد. به عبارت دیگر، روستاییان در این مناطق، به ترتیب ۳۵/۱ و ۱۹/۴ درصد از کل درآمد خود را در بانکها و نهادهای مالی (کشاورزی و تجاری) پس انداز کرده‌اند. ظرفیت پس انداز روستاییان فارس در این مطالعه، ۲۸۴/۰ تعیین گردیده است. به عبارت دیگر، در روستاهای فارس مردم ۲۸/۴ درصد از کل درآمد خود را به شکل سپرده در بانکها و نهادهای مالی پس انداز نموده‌اند. بنابراین، ملاحظه می‌گردد که بر خلاف دیدگاههای رادیکال که معتقد به عدم وجود ظرفیت پس انداز در روستاها می‌باشند، روستاهای فارس ظرفیت پس اندازی قابل توجهی دارند که لزوم برنامه‌ریزی‌های آینده نهادهای مالی را در جهت حفظ ظرفیت موجود و ایجاد ظرفیتهای

جدید برای جذب پس اندازهای موقت و کوچک روستاییان طلب می‌نماید.

ب) تمایل نهایی به پس انداز روستاییان در بانکهای مختلف

میل نهایی به پس انداز روستاییان در بانکهای مختلف در جدول (۲) خلاصه گردیده است. براساس این جدول، مشاهده می‌گردد که در بیضاء تمایل نهایی به پس انداز روستاییان در بانکهای ملت و کشاورزی و بسویژه در بانک صادرات کمتر است. در فیروزآباد میل نهایی به پس انداز روستاییان در بانک سپه بیشترین و در بانکهای صادرات و کشاورزی کمترین است.

اطلاعات جدول (۲) نشان می‌دهد که در کل نمونه مورد بررسی، میل نهایی روستاییان به پس انداز، به ترتیب در بانک ملت بیشترین و در بانک کشاورزی کمترین است. بنابراین، ملاحظه می‌گردد که تمایل روستاییان به پس انداز در بانکهای کشاورزی در ردیف چهارم قرار دارد و در شرایط موجود، بانکهای تجاری توانسته‌اند سپرده‌گذاران را بیشتر متوجه نهاد خویش نمایند.

اگر چه وضعیت بانک کشاورزی در شرایط موجود نسبت به برخی از بانکها بهتر است، اما هنوز مطلوب نمی‌باشد و نتوانسته است روستاییان دارای پس انداز را جذب نماید.

ج) تأثیر منابع درآمدی روستاییان بر تمایل نهایی و متوسط به پس انداز (ظرفیت)

در این قسمت به بررسی تأثیر منابع درآمدی روستاییان بر روی تمایل نهایی و متوسط به پس انداز پرداخته شده است که نتایج مربوط به آن در جدول (۳) خلاصه گردیده است. اطلاعات مندرج در این جدول نشان می‌دهد که در بیضاء ظرفیت پس انداز برای خانوارهایی که منابع درآمدی آنها کشاورزی - مزدبگیری خصوصی و کشاورزی - دامداری است، نسبت به سایر گروههای شغلی بالاتر می‌باشد. اما تمایل نهایی به پس انداز در خانوارهایی بیشتر است که تنها به کشاورزی - دامداری اشتغال دارند. در فیروزآباد، ظرفیت پس انداز در خانوارهایی که تنها به مزدبگیری خصوصی می‌پردازند،

جدول (۱): توزیع بهره برداران مورد مطالعه در مناطق مختلف

مناطق	تعداد نمونه	درصد	تعداد روستاهای تحت پیمایش
بیضاء	۱۱۵	۵۶/۹۳	۳۶
فیروزآباد	۸۷	۴۳/۰۷	۲۷
جمع	۲۰۲	۱۰۰	۶۳

مآخذ: داده های بررسی

جدول شماره (۲): تمایل نهایی به پس انداز روستاییان در بانکهای مختلف

نوع بانک	بیضاء MPS**	فیروزآباد MPS	کل MPS
کشاورزی	۰/۲۷۸	۰/۰۰۵۷	۰/۰۶۵
ملی	-	-۰/۰۵۱*	-۰/۰۲۶*
ملت	۰/۳۸۹	-	۰/۲۱۶
صادرات	۰/۱۰۶	۰/۰۸۱	۰/۰۹
سپه	-	۰/۱۶۶	۰/۱۶۶

* از لحاظ آماری معنی دار نیست.

** MPS=α.APS که در آن α کشش درآمدی و APS ظرفیت پس انداز است.

مآخذ: داده های بررسی

رشد اقتصادی در هر کشوری تابع میزان سرمایه گذاری در آن کشور است. پس انداز از عوامل اساسی در فرایند توسعه اقتصادی به حساب می آید. اگر بتوان پس اندازهای روستاییان را سازمان دهی کرد، منجر به توسعه بخش کشاورزی و دیگر بخش های اقتصادی می شود.

شغلی و درآمدی

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول (۴) ملاحظه می گردد که در بیضاء، ظرفیت پس انداز در طبقه درآمدی اول در گروه شغلی دامداری، ۰/۷۵ و در طبقه درآمدی دوم در گروه شغلی کشاورزی - مزد بگیری خصوصی، ۰/۴۹۲ و در طبقه درآمدی سوم در گروه شغلی کشاورزی، ۰/۴۹ نسبت به سایر گروه های شغلی بالاتر است. به عبارت دیگر، در طبقات درآمدی اول، دوم و سوم به ترتیب: روستاییان ۷۵ درصد، ۴۹ درصد از کل درآمد خویش را پس انداز می نمایند. همچنین، ظرفیت پس اندازی در طبقات درآمدی اول، دوم و سوم به ترتیب در گروه های شغلی مزدبگیری خصوصی، مزدبگیری خصوصی و کشاورزی، صنایع دستی و دامداری نسبت به سایر گروه های شغلی کمتر است. میانگین کل ظرفیت پس اندازی نشان می دهد که میزان آن در گروه درآمدی اول کمترین و در گروه درآمدی دوم بیشترین است.

بنابراین، با توجه به اطلاعات ظرفیت

تمایل نهایی به پس انداز در یک گروه شغلی و در یک منطقه به این مفهوم نیست که در مناطق مختلف دیگر نیز نتایج مشابه است. (۴) تنوع در منابع درآمدی روستاییان نباید به مفهوم بالا بودن ظرفیت پس انداز و تمایل نهایی به پس انداز روستاییان تلقی گردد. هر چند در برخی گروه های شغلی بالاتر است، اما از تنوع کمتری برخوردار می باشند. (۵) ظرفیت پس اندازی معنی داری بین خانوارهای روستایی در گروه های شغلی مختلف وجود دارد. همچنین لازم به یادآوری است که ظرفیت پس اندازی روستاییان فارس ۰/۲۸۴ و تمایل نهایی به پس انداز ۰/۱۵۶ می باشد. به عبارت دیگر، روستاییان ۲۸/۴ درصد از کل درآمد خود را پس انداز می نمایند و نیز با افزایش درآمد روستاییان، به اندازه یک واحد میزان پس انداز آنها ۰/۱۵۶ افزایش می یابد. بنابراین، می توان گفت که میل نهایی به مصرف روستاییان ۰/۸۴۴ است که رقم بالایی می باشد. (د) ظرفیت پس انداز روستاییان در گروه های

نسبت به سایر گروه های شغلی بالاتر است. اما میل نهایی به پس انداز برای خانوارهایی که منابع درآمدی آنها کشاورزی صرف است، نسبت به سایر گروه های شغلی بالاتر است (تمایل برای سایر گروه ها قابل محاسبه نیست).

اطلاعات مربوط به کل روستاییان نشان می دهد که، ظرفیت پس انداز در خانوارهایی که منبع درآمدی آنها کشاورزی محض است، نسبت به سایر گروه های شغلی بالاتر می باشد. اما تمایل نهایی به پس انداز در گروه کشاورزی - دامداری نسبت به سایر گروه ها بیشتر است. بر اساس نتایج بالا، می توان گفت که: (۱) ظرفیت پس انداز روستاییان در مناطق مختلف یکسان نیست. (۲) تمایل نهایی به پس انداز روستاییان در مناطق مختلف یکسان نیست. (۳) ظرفیت پس انداز روستاییان و نیز تمایل نهایی به پس انداز روستاییان در گروه های شغلی مختلف متفاوت بوده و از یک منطقه به منطقه دیگر دگرگون می شود. به عبارت دیگر، بالا بودن ظرفیت پس انداز و

پس اندازی بیضاء، می توان گفت که (۱) ظرفیت پس انداز با افزایش درآمد میان دامداران، کشاورزان، مزدبگیران خصوصی و کشاورزان افزایش می یابد. (۲) با افزایش درآمد، ظرفیت پس انداز افزایش نمی یابد.

به طوریکه ملاحظه می گردد، ظرفیت پس انداز در گروه سوم درآمدی نسبت به گروه دوم درآمدی که بیشترین است کاهش یافته است و تا حدی می توان گفت که در گروه های درآمدی بالاتر بخش بیشتری از درآمد، سرمایه گذاری و مصرف می گردد.

در فیروزآباد ملاحظه می گردد که در طبقات درآمدی اول، دوم و سوم به ترتیب ظرفیت پس انداز در گروه های شغلی کشاورزی - دامداری، مزدبگیری خصوصی و کشاورزی - دامداری و صنایع دستی - مزدبگیری خصوصی، نسبت به سایر گروه های شغلی بالاتر است. در ارتباط با میانگین کل ظرفیت پس انداز، نتایج مشابه بیضاء می باشد. به عبارت دیگر با افزایش درآمد، ظرفیت پس انداز افزایش نمی یابد.

اطلاعات مربوط به کل روستاییان تحت مطالعه نشان می دهد که در طبقات درآمدی سه گانه، ظرفیت پس انداز به ترتیب در گروه های شغلی دامداری، کشاورزی و کشاورزی دامداری - صنایع دستی - مزدبگیری خصوصی، نسبت به سایر گروه های شغلی بالاتر است. همچنین، در گروه های سه گانه، ظرفیت به ترتیب در گروه های شغلی مزدبگیری خصوصی، کشاورزی - دامداری - صنایع دستی، مزدبگیری خصوصی و کشاورزی - دامداری و مزدبگیری خصوصی نسبت به سایر گروه های شغلی کمتر است.

بنابراین، می توان گفت که (۱) با افزایش درآمد، ظرفیت پس انداز در بانک افزایش نمی یابد. (۲) در هر گروه درآمدی با افزایش تنوع شغلی، ظرفیت پس انداز افزایش نمی یابد. (۳) ظرفیت پس انداز روستاییان در هر گروه درآمدی قابل توجه است.

۵) رابطه ظرفیت پس انداز روستاییان با اندازه مزرعه

اطلاعات مربوط به رابطه ظرفیت پس انداز روستاییان با اندازه مزرعه در جدول (۵) ارائه گردیده است. بر اساس اطلاعات مندرج در این جدول در بیضاء، ظرفیت پس انداز روستاییان با افزایش اندازه مزرعه،

افزایش را نشان می دهد. در فیروزآباد نیز همین روند ملاحظه می گردد. در ارتباط با ظرفیت پس انداز روستاییان در بانکهای کشاورزی و تجاری در مناطق بیضاء و فیروزآباد در گروه اول با افزایش اندازه مزرعه، این ظرفیت افزایش و پس از آن کاهش یافته است. اما اطلاعات مربوط به کل روستاییان نشانگر آن است که ظرفیت پس انداز با اندازه مزرعه رابطه مستقیم دارد. به طوری که در گروه اول (زیر ۶ هکتار) ظرفیت پس انداز کمترین و در گروه سوم (بالای ۱۲ هکتار) بیشترین است. به عبارت دیگر، می توان گفت که روستاییان با سطح زیر کشت بالاتر نسبت به کشاورزان کوچکتر، ظرفیت پس انداز بالاتری دارند. به طوریکه اطلاعات مربوط به کل روستاییان در سه گروه نشان می دهد، روستاییان به ترتیب در گروه اول ۲۳/۲ درصد، در گروه دوم ۲۸/۴ درصد و در گروه سوم ۴۷/۸ درصد از درآمد خود را پس انداز می نمایند.

۶) رابطه بین تمایل متوسط به پس انداز (ظرفیت پس انداز) و سطح زیر کشت

در بخش قبل، به بررسی رابطه بین APS و سطح زیر کشت در طبقات مختلف سطح زیر کشت پرداخته شد. در این قسمت، به منظور بررسی رابطه بین APS و سطح زیر کشت در مناطق مورد بررسی، رگرسیونهای خطی بین این دو متغیر برآورد شده که نتایج آن در جدول (۶) آمده است.

بر اساس این جدول، ملاحظه می گردد که در بیضاء بین ظرفیت پس انداز روستایی و سطح زیر کشت رابطه ای مستقیم وجود دارد. ضریب مربوط به متغیر سطح زیر کشت نشان می دهد که با افزایش یک واحد سطح زیر کشت، APS به اندازه ۰/۱۳۵ واحد افزایش می یابد. میزان R^2 نیز نشان می دهد که متغیر سطح زیر کشت، حدود ۱/۵۸ درصد دگرگونی ظرفیت پس انداز روستاییان را توجیه می نماید. میزان R^2 پایین، بیانگر این مطلب مهم است که ظرفیت پس انداز روستاییان، اگر چه با سطح زیر کشت رابطه مستقیمی دارد، اما عوامل و منابع درآمدی مختلفی در روستاها مانند قالببافی، دامداری، کار در خارج از مزرعه و ... وجود دارند که بر روی ظرفیت پس انداز روستاییان اثر می گذارند.

در فیروزآباد نیز رابطه بین این دو متغیر مثبت است. به عبارت دیگر، با افزایش سطح

زیر کشت، APS نیز افزایش می یابد. به طوری که، با افزایش سطح زیر کشت به اندازه یک واحد، APS به اندازه ۰/۱۱۹ واحد افزایش می یابد. میزان R^2 نیز نشان می دهد که ۵/۰۴ درصد از دگرگونیهای APS توسط سطح زیر کشت توجیه می گردد.

مقایسه ضریب متغیر سطح زیر کشت در بیضاء و فیروزآباد نشان می دهد که در بیضاء تأثیر متغیر سطح زیر کشت بر روی APS، بیش از فیروزآباد است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که در فیروزآباد فرصتهای شغلی بیشتری وجود دارد که می تواند بر روی درآمد روستاییان و به تبع آن بر روی APS تأثیر داشته باشد. به عبارت دیگر، در فیروزآباد، درآمد کل بدست آمده از مشاغل دیگر، نقش بیشتری به عنوان مکمل بر روی ظرفیت پس انداز روستاییان دارد. R^2 بالاتر در فیروزآباد این مطلب را تأیید می نماید.

بر اساس اطلاعات جدول ملاحظه می گردد که رابطه بین APS و سطح زیر کشت برای کل نمونه ها مستقیم است. بنابراین، به طور کلی می توان نتیجه گرفت که بین سطح زیر کشت و ظرفیت پس انداز روستاییان رابطه مثبتی وجود دارد. به عبارت دیگر، روستاییانی که دارای سطح زیر کشت پایین تری می باشند، ظرفیت پس اندازی کمتری دارند. ضریب مربوطه نشان می دهد که با افزایش سطح زیر کشت به اندازه یک واحد، ظرفیت پس انداز به اندازه ۰/۱۳۳ واحد افزایش می یابد. R^2 نیز نشان می دهد که ۲/۳۹ درصد از انحراف تغییرات APS توسط سطح زیر کشت توجیه می گردد. مقدار آماره دوربین - واتسون، فرض عدم وجود پدیده خودهمبستگی را بین جملات اختلال هر سه رگرسیون تأیید می نماید.

۷) سپرده های روستاییان در بانکها

میانگین سپرده های روستاییان در بانکهای مختلف در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ در جدول (۷) ارائه گردیده است. بر اساس این جدول ملاحظه می گردد که در بیضاء، طی سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، به ترتیب بانک کشاورزی رتبه دوم و سوم و بانک صادرات و ملت رتبه اول را در جذب سپرده های مردمی کسب نموده اند. بنابراین، موفقیت بانک ملت بسیار چشمگیر بوده است. به طوریکه از رتبه سوم در سال ۱۳۷۳ به رتبه اول در سال ۱۳۷۴

جدول شماره (۳): تأثیر منابع درآمدی روستاییان بر روی تمایل متوسط و نهایی به پس انداز

کل		فیروزآباد		بیضا		منابع درآمدی
MPS	APS	MPS	APS	MPS	APS	
۰/۳۲۱	۰/۳۲۲	۰/۲۰۴	۰/۲۲۷	۰/۷۲	۰/۳۷۱	کشاورزی
۰/۲۳۶	۰/۳۱۵	۰/۱۷	۰/۱۸۵	۰/۸۱۳	۰/۳۸۲	کشاورزی - دامداری
-	۰/۱۴۹	-	۰/۱۴۹	-	-	کشاورزی - دامداری - مزدبگیری خصوصی
-	۰/۱۹۸	-	۰/۱۹۸	-	۰/۱۹۹	کشاورزی - صنایع دستی - دامداری
-	۰/۱۵	-	۰/۲۷۸	-	۰/۰۲۳	مزدبگیری خصوصی
-	۰/۱۶۸	-	۰/۰۱۳	-	۰/۲۴۶	دامداری
-	۰/۲۳۵	-	۰/۱۵۷	-	۰/۳۷۴	کشاورزی - مزدبگیری خصوصی
-	۰/۲۱۸	-	۰/۲۳۷	-	۰/۳۴۹	کشاورزی - صنایع دستی
-	۰/۲۶۹	-	۰/۲۳۷	-	۰/۱۸۲	کشاورزی - مزدبگیری عمومی
-	۰/۱۸۹	-	۰/۱۸۹	-	-	کشاورزی - دامداری - صنایع دستی - مزدبگیری خصوصی

مأخذ: داده‌های بررسی

جدول شماره (۴): رابطه بین APS و سطح زیر کشت

d	F	R ²	متغیر مستقل		مناطق
			X	C	
۲/۰۴۶	۴/۸۲***	۰/۰۱۵۸	۰/۰۱۳۵ (۱/۳۵)*	۰/۲۵۹ (۳/۰۷۵)***	بیضا
۱/۸۳۲	(۴/۵۱)***	۰/۰۵۰۴	۰/۰۱۱۹ (۲/۲۱۴)**	۰/۱۱۸ (۲/۴۷۵)***	فیروزآباد
۱/۹۴۹	(۴/۹۱۵)***	۰/۰۲۳۹	۰/۰۱۳۳ (۲/۲۱۷)**	۰/۱۹۵ (۳/۸۴۴)***	کل

اعداد داخل پرانتز برآیند مقدار آماده ۴ را نشان می‌دهد.

* معنی دار در سطح ۱۰ درصد

** معنی دار در سطح ۵ درصد

*** معنی دار در سطح ۱ درصد

مأخذ: نتایج بررسی

ارتقاء یافته است.

در فیروزآباد در هر دو سال، بانک کشاورزی رتبه آخر (هفتم) و بانکهای تجارت و مسکن به ترتیب در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، مقام اول را در جذب سپرده های مردمی کسب نموده اند.

اطلاعات مربوط به کابل نمونه تحت بررسی، نشان می‌دهد که طی سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، به ترتیب بانک مسکن و ملت رتبه اول و بانک کشاورزی رتبه هفتم را کسب

نموده‌اند. بنابراین، جدول نشان می‌دهد که بانک ملت جهشی در جذب سپرده‌ها داشته است. به طوری که از رتبه پنجم در سال ۱۳۷۳ به رتبه اول در سال ۱۳۷۴ رسیده است. همچنین، به استثنای بانکهای ملت و کشاورزی در سایر بانکها، میزان سپرده‌ها طی سالهای ۷۳-۱۳۷۴ کاهش را نشان می‌دهد. نتیجه دیگر آنکه، تمامی بانکهای تجاری رقیب بانک کشاورزی محسوب می‌گردند. مقایسه اطلاعات پس‌اندازی بیضاء و

فیروزآباد نشان می‌دهد که (۱) روستاییان بیضاء تنها در بانکهای کشاورزی، ملت، صادرات و ملی پس انداز می‌نمایند. زیرا تنها این ۴ بانک در منطقه حضور گسترده دارند. در حالی که در فیروزآباد، بانکهای تجارت و مسکن و سپه نیز فعالیت دارند. (۲) در سال ۱۳۷۴، میزان سپرده‌های روستاییان بیضاء در بانکهای ملی، کشاورزی، ملت و صادرات بیش از فیروزآباد بوده است و در سایر بانکها در فیروزآباد بالاتر بوده است. (۳) در سال

۱۳۷۳، میزان سپرده‌های بانکهای کشاورزی و ملی در بیضاء بیش از فیروزآباد و در سایر بانکها در فیروزآباد بیش از بیضاء بوده است. (۴) روستاییان هر ساله، بخش ثابتی از درآمدهای خود را پس‌انداز می‌نمایند. جدول نشان می‌دهد که میانگین پس‌انداز روستاییان طی سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، به ترتیب $۱۹۸۶۹۸۶/۳$ و $۱۸۵۸۰۱۵/۸$ ریال بوده است که رقم قابل توجهی می‌باشد. میزان آن برای سال ۱۳۷۴ در بانک کشاورزی، $۱۳۰۴/۳$ ریال تعیین گردیده است.

ج) نگرشی بر دیدگاه روستاییان در ارتباط با دلایل پس‌انداز در بانکهای تجاری

دیدگاه روستاییان در باره دلایل سپرده گذاری در بانکهای تجاری در جدول (۸) ارائه گردیده است. بر اساس این جدول در بیضاء و فیروزآباد، قوی بودن خدمات بانکی بانکهای تجاری، به عنوان مهمترین دلیل سپرده گذاری مطرح گردیده است. در بیضاء پرداخت زودتر وام، را حتی پرداخت وام، پرداخت وامهای بلندمدت به عنوان دلایل بعدی مطرح گردیده است. در حالیکه در فیروزآباد، سرعت بالای عملیات بانکی اعطای وامهای بلندمدت، اعتبار بالا در شبکه بانکی به عنوان عوامل مهم بعدی عنوان شده‌اند.

اطلاعات مربوط به کل روستاییان تحت بررسی نشان می‌دهد که عواملی همانند قوی بودن خدمات بانکی (۱۶ درصد)، اعتبار بالا در شبکه بانکی (۹/۱ درصد)، سرعت بالای عملیات بانکی (۸/۹ درصد)، اعطای وامهای بلندمدت (۸ درصد) و برخورد مناسب با مشتری (۷/۲ درصد) جزو مهمترین عوامل مؤثر بر گرایش حساب و سپرده گذاری در بانکهای تجاری عنوان گردیده است. سایر عوامل از درجه اهمیت کمتری برخوردار می‌باشند. نتایج این بخش، می‌تواند راهنمای مناسبی برای بانک کشاورزی باشد تا با در نظر گرفتن این عوامل، میزان جذب سپرده‌های روستایی را افزایش دهد.

■ خلاصه و نتیجه گیری

با هدف بررسی ساختار ظرفیت پس‌انداز روستایی، مطالعه‌ای بر روی ۲۰۲ سپرده‌گذار روستایی استان فارس در سال ۱۳۷۵ صورت پذیرفت. نتایج بدست آمده از این بررسی نشان می‌دهد که در استان فارس (۱) مردم

حدود ۲۸/۴ درصد از درآمد خود را در بانکها و نهادهای مالی پس‌انداز کرده‌اند. (۲) با افزایش درآمد، ظرفیت پس‌انداز در بانکها افزایش نمی‌یابد. (۳) در هر گروه درآمدی با افزایش تنوع شغلی، ظرفیت پس‌انداز افزایش نمی‌یابد. (۴) رابطه مستقیمی بین ظرفیت پس‌انداز و اندازه مزرعه وجود دارد. (۵) کشاورزان تمایل بیشتری به پس‌انداز در بانکهای تجاری دارند.

با توجه به ظرفیت پس‌انداز بالا در روستاهای فارس، بانک کشاورزی باید با انجام برنامه ریزی های اصولی در جهت جذب این پس‌اندازها و تشویق سپرده‌گذاران به پس‌انداز در بانک کشاورزی (و در واقع تغییر گرایش آنها از سمت بانکهای تجاری به سمت بانکهای کشاورزی) اقدام نماید تا در نهایت، پس‌انداز روستاییان صرف توسعه روستا و بخش کشاورزی گردد. پاره‌ای از این اقدامات عبارتند از:

- ۱) افزایش نرخ سود سپرده بانکی حداقل ۱ تا ۲ درصد بالاتر از نرخ سود بانکهای تجاری بویژه برای شعب روستایی به منظور جلوگیری از مهاجرت پس‌انداز روستاییان به شهر و جذب آن توسط بانکهای تجاری
- ۲) بانک کشاورزی برای جذب بیشتر سپرده‌های مردمی، می‌تواند از برنامه‌های زیر استفاده نماید:
- الف) ایجاد شعبه‌های سیار روستایی
- ب) تعیین "روز پس‌انداز" در هر سال برای روستاییان به همراه پادشاهی ویژه
- ج) تسریع در عملیات بانکی
- د) پرداخت وامهای بالا و بلندمدت
- ه) افزایش تعداد شعبه‌های روستایی
- و) برخورد مناسب با مشتریان
- ز) ارائه خدمات نوین بانکی به مشتریان
- ۳) از جمله سیاستهایی که بانک می‌تواند با ایجاد انگیزه در کارکنان خود تعقیب نماید، تعیین سقف پس‌انداز برای شعب مختلف هر استان می‌باشد. به این صورت که، هر ساله سقفی را برای این شعب تعیین نموده و در صورت تجاوز از آن، کارکنان شعبه های مورد نظر در استانها از طریق پادشاهی ویژه مورد تشویق قرار گیرند.

۴) با توجه به رابطه مثبت بین سطح زیر کشت و ظرفیت پس‌انداز روستاییان، برای کاهش هزینه‌های تولید، افزایش درآمد و پس از آن افزایش پس‌انداز، یکپارچه سازی اراضی و ایجاد تعاونیهای تولید کشاورزی توصیه

می‌گردد.

۵) با توجه به بالا بودن ظرفیت پس‌انداز در گروههای شغلی کشاورزی، کشاورزی دامداری و کشاورزی - صنایع دستی توصیه می‌گردد برنامه های آینده ترویج بر محورهای گفته شده بالا متمرکز گردد، تا پس‌انداز، بتواند به عنوان ابزار توسعه عمل نماید.

■ منابع

- ۱- قربانی، محمد. (۱۳۷۵). ظرفیت پس‌انداز و سازه‌های مؤثر بر پس‌انداز روستاییان در استان فارس. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- ۲- قربانی، محمد. (۱۳۷۶). کارایی اعطای وام به کشاورزان: هزینه های پنهان وام. جهاد، شماره ۲۰۳-۲۰۲، ۵۰-۵۶.
- 3- Ahn, C.Y., D.W. Adams and Y.K.Rao. (19/9); Rural household saving in the republic of Korea, 1962-76, "Journal of development economics", 4:53-75.
- 4- Burney, N.A. and M. Akmal (1991), "Food Demand in Pakistan: An application of the extended linear expenditure system", Journal of Agricultural economics", 42: 94-185.
- 5- Desai, B.M. and O.K. Desai (1971). "Potentializites for mobilizing investible funds in developing agriculture", Unpublished study Ahmedabad center for management in agriculture, Indian Institute of Managemetrn.
- 6- Diwan, R.K. (1968). "The effect of price on savings", Economic development and cultural change, 16: 432-39.
- 7- Goldberger, A.S. (1964). "Econometric theory", NewYork: J. Wiley and sons.
- 8- Igben, M.S. and S.O. Akande, (1988), "Propensity to save among nigerians: The rural-urban dichotomy and its implication for rural-urban migration phenomenon", Saving and development, 1:5-87.
- 9- Kahlon, A.S. and H. Singh Bal. (1971), "Factors associated with farm and family investment pattern in Ludhinan (Punjab) and Hissar (Haryana) Districts", 1966-67 through 1967-70,

جدول شماره (۷): میانگین سپرده‌های روستاییان در بانکهای مختلف

رتبه	کل				فیروزآباد				بیضاء			
	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۳
۷	۸۵۹۲۱۷/۶۲	۸۴۴۷۶/۴۸	۲۰۷۴۲۳/۸	۲۰۳۹۳۳/۸	۷	۷	۳	۲	۱۳۰۱۳۰۴/۴	۱۲۷۹۳۹۱/۹	۲	۱۲۷۹۳۹۱/۹
۱	۱۵۹۲۸۵۲/۹	۱۴۱۶۶۷/۴	۱۳۹۸۸۸۸/۹	۲۲۷۷۷۷/۸	۲	۱	۱۶۶۲۶۸۰	۱۱۲۴۶۸۱/۳	۳	۱۱۲۴۶۸۱/۳	۳	۱۱۲۴۶۸۱/۳
۵	۱۱۳۳۲۱۴/۳	۱۴۴۹۰۴۷/۶	۸۸۷۵۰۰	۱۶۳۴۴۴/۴	۶	۵	۱۳۰۰۰۰۰	۱۳۱۰۰۰۰	۴	۱۳۱۰۰۰۰	۱	۱۳۱۰۰۰۰
۶	۱۱۰۰۵۸۹/۷	۱۳۲۰۰۰۰	۹۲۷۳۶۸/۲۲	۹۰۷۸۹۴/۷۴	۵	۶	۱۴۵۰۰۰۰	۲۱۰۳۰۰۳	۳	۱۴۵۰۰۰۰	۴	۲۱۰۳۰۰۳
۴	۱۴۶۶۵۰	۱۸۲۶۵۰	۱۴۶۶۵۰	۱۸۲۶۵۰	۳	۳	-	-	-	-	-	-
۲	۱۵۱۷۳۰۷/۷	۱۷۸۰۰۰۰	۱۵۱۷۳۰۷/۷	۱۷۸۰۰۰۰	۱	۴	-	-	-	-	-	-
۳	۱۵۰۸۵۷۱/۴	۲۴۴۲۸۵۷/۱	۱۵۰۸۵۷۱/۴	۲۴۴۲۸۵۷/۱	۲	۱	-	-	-	-	-	-
میانگین	۱۸۵۸۰۱۵/۸	۱۹۸۶۹۸۶/۳	۱۴۸۲۹۱۹/۵	۱۹۰۰۱۸۳/۹	۲۱۷۹۰۷۱/۹	۲۰۸۸۹۳/۵						

منبع: داده‌های بررسی

Unpublished report ludhiana, department of economics and sociology, Punjab agricultural university, n.d. p.116.

10- Kelly, A.C. (1976). "Saving, demographic change and economic development", Economic development and cultural change, 24: 830-40.

11- Lee, H.L.(1971), "Household saving in west Malaysia and the problem of financing economic development", Monograph series on Malaysian economic affairs, (Kuala Lumpur: Faculty of economic and administration, university of Malayas), 15: 54-7.

12- Liuch, C. and R.A. Powel (1977), "Patterns in household demand and saving", Oxford university press, NewYork.

13- Liuch, C., R.A. Powel and R.A. Williams. (1973), Consumer Demand system and aggregate, "Consumption in the U.S.A.: an application of the extended linear expenditure system", Canadian Journal of economics", 8:25-9.

14- Noda, T. (1970), "Saving of farm household", Agriculture and economic growth, Tokyo: University of Tokyo press.

15- Ong, M.M.L., D.W. Adams and L.G. Singh. (1976), "Voluntary rural saving capacities in Taiwan, 1960-70", American Journal of agricultural economic, 58:578-82.

16- Snyder, D.W. (1974), "Econometric studies of household saving behavior in developing countries: A survey", Journal of development studies, 10: 139-53.

extensionn: Problems and future strategies". Journal of rural development and administration. 26:4.

6- Muhammed, Amir(1983). "Research and development in Pakistan agriculture". Islamabad Pakistan: Agricultural research council.

7- Quresh, Mohamad H.S (1980). "Pakistan farmer education and extension services in selected Asian Countries". Tokyo, Japan: Asian productivity organization.

پی نوشتها:

۱- وقار ملک (کارشناس بانک جهانی)، کارگاه آموزشی آبان ۷۶ در کرج، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج

Adaptive Research - ۲

۳- علیزاده شایق، جمیل (۱۳۶۰). "سمینار ترویج کشاورزی در پاکستان". گزارش منتشر نشده دی ماه ۱۳۶۰. سازمان ترویج کشاورزی. (ماشین شده).

1- Ahmed, AH (1994). "Experience with agricultural extension in the ESCWA regin. Agriculture and development in western Asia No.16, 24."

2- Amman, Jordan: United nations economic and social commission for wesern Asia.

3- Malik, Waqar. (1990)." A system paradigm: A study of agricultural knowledge system in Pakistan". Islamabad Pakistan: Leo books.

4- Ministry of Food, Agriculture and Cooperatives (1988). "Agriculture in Pakistan". Islamabad Pakistan. 5- Mohamad, Idrees(1994). "Agricultural

و جایگاهی برای نظام ترویج در بخش پژوهش در نظر بگیرد.

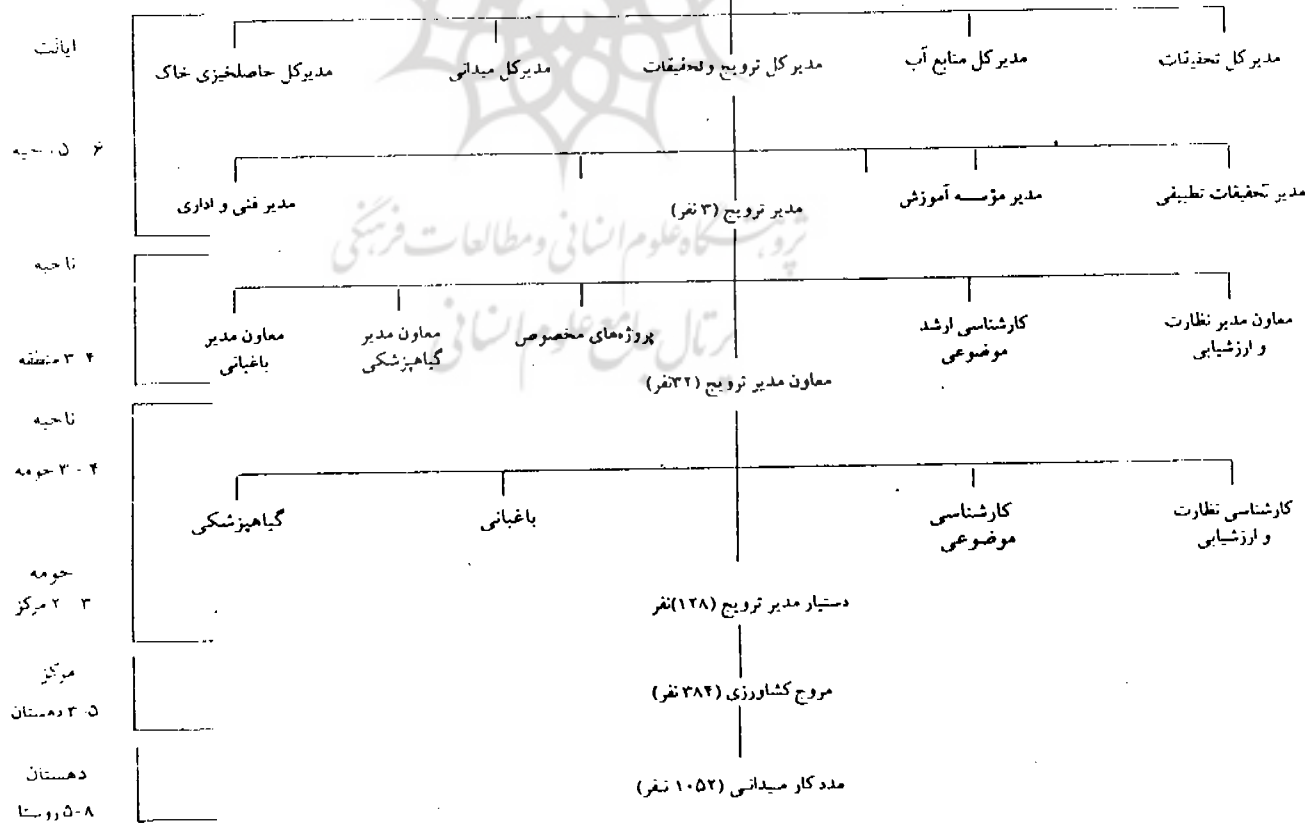
۵) به نظر می رسد که اگر رهیافت T&V مورد بررسی قرار گیرد و با توجه به شرایط مناطق مختلف در جاهای مناسب به کار گرفته شود، باعث تقویت نظام ترویجی کشاورزی و توسعه کشاورزی کشور شود.

منابع:

۱- چاوداری، خالدالمسعود (۱۹۹۳). "موضوعات و پیشنهادات پیرامون نظام ترویج کشاورزی در پاکستان". گزارش منتشر نشده اجلاس بررسی نظامهای ترویج کشاورزی و وسایل و امکانات تقویت آنها در کشورهای خاور نزدیک. ترجمه و تنظیم دفتر تولید برنامه‌ها و انتشارات فنی سازمان تات. ماشین شده.

۲- پیشوائی، حسین و فرحزاد، هوشنگ (۱۳۶۶). "مأموریت به پاکستان در جهت بازدید از نظام ترویج کشاورزی پاکستان". گزارش منتشر نشده خرداد و تیر ماه ۱۳۶۶. سازمان ترویج کشاورزی. (پلی کپی شده)

وزیر کشاورزی



تدارک مالی صنایع کوچک روستایی

گردآوری توسط «آلستر هیکز»: مقصدی ارشد مهندسی کشاورزی منطقه‌ای و صنایع زراعی

برای سمینار سازمان بهره‌وری آسیایی در خصوص ترویج صنایع کوچک روستایی

(۲۶ ژوئن تا ۲ جولای؛ تهران - ایران)

(قسمت دوم)

مترجم: غلامحسین صالح‌نسب

توسط منابع تأمین کننده از جمله مشکلاتی است که این واحدها غالباً با آنها روبه‌رو هستند. اگرچه تأمین‌کنندگان مواد اولیه، عموماً تشکیلاتی دولتی هستند، ولی موادی که عرضه می‌کنند، قابل اطمینان نیستند.

۳-۴. شرایط کار: بیشتر واحدهای اقتصادی کوچک در روستاها توسط اعضای خانواده اداره می‌شوند و فقط تعداد بسیار اندکی، از نیروی کار غیرخانوادگی استفاده می‌کنند. بیشتر واحدهای کوچک در بخشهای تولید و خدمات، دستمزد کارگران را بر اساس ساعت کار محاسبه می‌کنند.

میزان دستمزد کارگران بر پایه روابط اجتماعی تعیین می‌شوند و قوانین و مقررات در این مورد دخالتی ندارد. هیچ قانونی در زمینه مرخصی گرفتن و برخورداری از حق بیمه اشتغال وجود ندارد. کمبود نیروی ماهر و باتجربه، بحران جدی به شمار می‌آید و اغلب کارفرمایان به مهارت شخصی خودشان اتکا دارند؛ هر چند که برخی از آنان برای رفع نیازهای خود به پاره‌ای مهارت‌های خاص، از وجود کارگران

تجار عرضه می‌کنند، باید مدت طولانی منتظر دریافت پول خود بمانند. از این رو، بسیاری از واحدهای اقتصادی کوچک، به دلیل کمبود سرمایه در گردش، تعطیل می‌شوند. سلطه فروشندگان نهایی بر بازار و عدم قدرت تبلیغ کالا به دلیل بالا بودن هزینه‌ها و غیررسمی بودن این عمل، عوامل اصلی این مشکل به شمار می‌آیند. واحدهایی که اقدام به تولید کالاهای وارداتی مشابه می‌کنند، چه از لحاظ قیمت و چه از نظر کیفیت و مرغوبیت، با رقابت شدید کالاهای ساخت هند در بازار روبه‌رو می‌شوند. صنایع فرش، منسوجات، البسه و هنرهای دستی برای بازاریابی محصولات خود ناچارند به بخشهای رسمی متوسل شوند. خریداران این کالاها را بیشتر تجارتخانه‌های بزرگ، سازمانهای غیردولتی و یک اداره دولتی تشکیل می‌دهند.

۳-۳. کمک به تأمین مواد خام: تقریباً تمام مواد اولیه مورد نیاز واحدهای اقتصادی کوچک توسط بخشهای رسمی تأمین می‌شود. بازار انحصاری کمبود مواد، افزایش قیمت و نامرغوب بودن مواد عرضه شده

۳- ویژگیهای صنایع کوچک روستایی در نیال

همان‌طور که از موارد مذکور برمی‌آید، صنایع کوچک روستایی نقش عمده‌ای در اقتصاد نیال دارند. ویژگیها و خصوصیات این صنایع به شرح زیر است:

۱-۳. سطح تحصيلات کارفرمایان: کارفرمایان در این بخش از صنایع، دارای درجه‌ای از سواد و تحصيل هستند، لیکن بسیاری از آنها کم‌سوادند. اکثر این افراد، مهارت و قابلیت حرفه‌ای خود را در خانواده و تعدادی این قابلیت را از طریق تجربه‌اندوزی حاصل از فعالیت در سایر مشاغل، به دست می‌آورند. این کارفرمایان از آموزش مدیریتی بسیار پایینی برخوردارند. این امر مانع افزایش کارایی فنی و مدیریتی آنان و در نتیجه موجب کاهش درجه رشد و خلاقیت در واحدهای اقتصادی می‌گردد.

۲-۳. بازاریابی: بخش اعظم صنایع کوچک روستایی در خدمت بازار قرار دارند. رقابت این صنایع در قیمت‌گذاری، کاهش کیفیت تولیدات و خدمات را به دنبال داشته است. واحدهایی که تولیدات خود را به

هندی استفاده می‌کنند.

۳-۵- سطح فن‌آوری: اکثر فن‌آرهای مورد استفاده در این صنایع، بسیار ساده و سنتی است؛ به طوری که تجهیزات آنها عمدتاً با دست کار می‌کنند. واحدهای کوچک، این تجهیزات را از بازارهای محلی تهیه می‌کنند. هندوستان، اصلی‌ترین منبع عرضه‌کننده ابزارهای جدید به شمار می‌آید. هیچ نهاد موفق و معتبری وجود ندارد که اطلاعاتی در خصوص فن‌آوری جدید و یا خدمات مربوط به فن‌آوری در اختیار بهره‌برداران قرار دهد. واحدهای اقتصادی هم برای واردکردن تجهیزات جدید از خارج، با موانع قانونی عذبه‌های روبه‌رو هستند.

۳-۶- سرمایه‌گذاری ثابت: بیشتر واحدهای اقتصادی کوچک روستایی، کار خود را با سرمایه شخصی شروع می‌کنند. برخی نیز از بانکها و کانالهای رسمی، وام می‌گیرند. وام‌های اعطایی توسط بانکها با نرخ‌های یارانه‌ای عرضه می‌شود؛ ولی بسیاری از واحدهای اقتصادی، ترجیح می‌دهند از وام‌های غیررسمی - به دلیل پایین بودن نرخ کارمزد و امکان دسترسی سریعتر به پول - استفاده کنند. گروه‌های خودیاری رسمی و غیررسمی نیز به اعضای خود وام اعطا می‌کنند.

۳-۷- علل تشکیل: بسیاری از واحدهای اقتصادی کوچک صرفاً برای مقاصد معیشتی تشکیل می‌شوند. بیشتر صاحبان این واحدها، کسب و کار را تنها راه دسترسی به شغل می‌دانند؛ چون با توجه به سطح تحصیلات، فرصتهای شغلی مناسبی برای آنان در بازار وجود ندارد و اکثر آنان به تاسی از اعضای خانواده خود، به این کار روی می‌آورند. به همین دلیل، فرهنگ کاری خانواده، نقش بسیار مهمی در روی آوردن افراد به تشکیل واحدهای اقتصادی ایفا می‌کند.

۳-۸- طول عمر واحدهای اقتصادی: بسیاری از واحدهای اقتصادی کوچک، عمر کوتاهی دارند، ولی پایان یافتن عمر بعضی از آنها صرفاً جنبه ظاهری و سطحی دارد، زیرا بسیاری از واحدهای اقتصادی قدیمی، برای رهایی از دست مالیات و حق ثبت، عنوان شغل و نام صاحبان خود را عوض می‌کنند. کارفرمایان موفق ترجیح می‌دهند همچنان به عنوان صاحبان صنایع کوچک باقی بمانند؛

چون بدین ترتیب می‌توانند کسب و کار خود را با تشکیل شعبه‌های اقتصادی جدید در مناطق دیگر، گسترش دهند. صاحبان برخی از واحدهای پروتق، اقدام به تشکیل واحدهای موازی می‌کنند، لذا هرگز به سطحی نمی‌رسند که نیاز به تخصص و یا صرفه‌جوییها مقیاس^(۹) داشته باشند.

۴- برنامه ترویج صنایع روستایی کوچک در نپال

وزارت صنایع نپال، برنامه ترویج صنایع روستایی کوچک را از طریق پروژه‌ها و سازمانهای وابسته، در سراسر کشور به اجرا درمی‌آورد. افزون بر این، وزارت کار و وزارت توسعه محلی نیز در امر توسعه فعالیتهای اقتصادی کوچک، مشارکت دارند. این کار در قالب ترویج و گسترش فعالیتهای درآمدزا^(۱۰) از طریق اجرای برنامه‌های مهارت آموزی و اعتباری در مناطق روستایی، انجام می‌شود. تعدادی از سازمانهای غیردولتی و بین‌المللی، و محلی نیز هستند که چنین برنامه‌هایی را اجرا می‌کنند. برنامه‌های ترویج فعالیتهای اقتصادی کوچک، توسط سازمانهای وابسته به وزارت صنایع، اجرا می‌شوند.

۴-۱- برنامه دولت

هیئت توسعه صنایع کوچک و خانگی (روستایی) و اداره صنایع کوچک و خانگی (روستایی) که مسئولیت اجرای فعالیتهای اداری و ترویجی را در کل کشور به عهده دارند، جزو سازمانهای تابعه وزارت صنایع هستند و براساس مسئولیتهای اجرایی و اداری خود، کار ثبت و صدور پروانه برای صنایع کوچک و انجام توصیه‌های لازم در خصوص مقررات مربوط به چگونگی دسترسی واحدهای ثبت شده به تسهیلات قانونی را در اختیار آنان قرار می‌دهند. در برنامه پنجساله هشتم (۱۹۹۷-۹۲) تأسیس و ثبت ۲۵ هزار واحد صنعت خانگی و هزار واحد صنایع کوچک توسط اداره صنایع کوچک خانگی، پیش‌بینی شده بود. قرار بود این طرح با همکاری برنامه کمک خارجی، از طریق راه‌اندازی انواع برنامه‌های ترویج فعالیتهای اقتصادی کوچک^(۱۱) در سراسر نپال به مورد اجرا گذارده شود. همچنین قرار بود برنامه‌های آموزشی یک هفته‌ای تا ۶ ماهه در زمینه توسعه مهارتهای مختلف برای ۱۲ هزار نفر و برنامه‌های آموزشی در

خصوص تربیت کارفرمایان برای ۲۵۵۰ نفر، توسط هیئت توسعه صنایع کوچک و خانگی، اجرا شود. تأمین کمکهای فنی برای ۳ هزار واحد صنعتی، تهیه ۴۵۰۰ برنامه پروژه‌ای، ارائه خدمات مشاوره‌ای به ۱۵۰۰ واحد صنعتی و تأمین سرمایه اولیه برای ۷۵۰ کارگر در دستور کار این سازمان قرار دارد.

هیئت توسعه صنایع کوچک و خانگی، خدمات مسورد نیاز طرحهای صنعتی درخصوص اطلاع‌رسانی و مشاوره صنعتی را تأمین کرده، واحدهای صنعتی کوچک را از قوانین و مقررات صنعتی و نیز چگونگی دسترسی به تسهیلات قانونی و حقوقی، آگاه ساخته و نسبت به برپایی نمایشگاههای صنعتی، اقدام می‌کند.

۴-۲- برنامه‌های کمک خارجی وزارت صنایع

پروژه ترویج فعالیتهای اقتصادی کوچک (SBPP)، یکی از پروژه‌های مشترک GTZ آلمان و وزارت صنایع نپال است. قرار است این پروژه در برنامه هشتم، دوره آزمایشی تربیت کارفرما را برای ۱۷۲۵ نفر و برنامه خدمات مشاوره صنعتی را برای ۲۶۰۰ واحد صنعتی به مورد اجرا درآورد. این تشکیل، همچنین کار تربیت مربیان و مشاورانی که مسئولیت اجرای برنامه ترویج واحدهای اقتصادی کوچک را در سایر سازمانها بر عهده داشتند، انجام می‌داد و بر آن بود که در خلال برنامه هشتم، برای این منظور، ۷۵ مربی و ۱۲۰ مشاور تربیت کند. این پروژه، همچنین کار آموزش دفترداری و مدیریت فعالیتهای اقتصادی کوچک را بر عهده داشته و خدمات مشاوره‌ای لازم را در اختیار واحدهای اقتصادی کوچک، قرار می‌داد. لازم به ذکر است که برنامه‌های مذکور، در برنامه هشتم اجرا نشده‌اند و پروژه مذکور نیز دیگر وجود ندارد، زیرا مسئولیت آن به سازمان جدیدی با عنوان «مرکز توسعه واحدهای اقتصادی صنعتی» (IEDC)، که وابسته به یک سازمان حمایتی^(۱۲) است، واگذار شده است. این مرکز، به دو برنامه جدید، موسوم به پروژه پارک فن‌آوری^(۱۳) (TPP) و مرکز انتقال و توسعه فن‌آوری^(۱۴) (TTDC) تقسیم شده است؛ که اولی در صدد توسعه سخت‌افزار و نرم‌افزار کامپیوتری و دومی، در پی توسعه و اشاعه فن‌آوری مناسب و مهارتهای فنی است.

آموزش برای اشتغال روستایی (۱۵)
(*TRE*) یکی از برنامه‌هایی بود که با کمک و همکاری برنامه توسعه ملل متحد و سازمان جهانی کار، راه‌اندازی و توسط *DCSI* و *SIDB*، به اجرا درآمد. هدف این برنامه، ترویج فعالیتهای اقتصادی کوچک و خانگی، از طریق توسعه مهارتهای عمومی در مناطق روستایی بود. این برنامه، در پایان سال ۱۹۹۷، خاتمه یافته است.

وزارت صنایع، همچنین چند برنامه و پروژه تولیدی را در دست اجرا دارد. پروژه ترویجی کاربری سرمایه، قبلاً توسط *GTZ* آلمان از طریق مهارت‌آموزی، اطلاع‌رسانی، تأمین نهاده و توسعه زنجیره‌های ارتباطی، پشتیبانی می‌شد. سازمانی نیز با عنوان واحد هماهنگ‌سازی فعالیتهای صنعت چرم سازی وجود دارد که هدفش توسعه صنایع کوچک و خانگی وابسته به چرم از طریق مهارت‌آموزی در جهت تولید چرم مرغوب است. فعالیتهای این واحد از طریق کمکهای بانک جهانی و برنامه توسعه بین‌المللی، پشتیبانی می‌شود. پروژه تولید پوشاک آماده و کاغذ دست‌ساز نپال نیز با کمک *JAICA* که یک پروژه ژاپنی است راه‌اندازی شده است. هدف اصلی این پروژه، آموزش مهارتهای خیاطی در زمینه طراحی لباسهای دوخته شده و نیز، تولید کاغذهای دست‌ساز مخصوص کشور نپال است.

۳-۴- برنامه‌های سازمانهای غیردولتی
مرکز واحدهای اقتصادی کشاورزی، با کمک *USAID* و با هدف ترویج واحدهای اقتصادی مبتنی بر کشاورزی، تشکیل شده است. این مرکز، با اتاقهای بازرگانی نواحی و انجمن واحدهای اقتصادی کوچک، همکاری دارد و آموزشهایی در زمینه مهارتهای مربوط به فعالیتهای کشاورزی، کار ترویج واحدهای اقتصادی کشاورزی در نپال را نیز برعهده دارد. پروژه مشترک *ZDH-TA* که با کمک فدراسیون فعالیتهای اقتصادی کوچک آلمان *ZDH*، شبکه فنی آسیا (*Technonet Asia*) با حمایت *SEQUA* و *BMZ* آلمان راه‌اندازی شده است، با اتاقهای بازرگانی و انجمنهای واحدهای اقتصادی کوچک، همکاری می‌کند. هدف اصلی این پروژه، توسعه انجمنهای واحدهای اقتصادی کوچک است تا آنان را قادر سازد خدمات ترویجی را در اختیار واحدهای اقتصادی کوچک قرار دهند. این پروژه با هدف توسعه

امور زیربنایی سازمانی و هدایت و اجرای دوره‌های آموزشی مرتبط با فعالیتهای اقتصادی، به انجمنهای مذکور کمک می‌کند. مطالعه‌ای در باب اتاقها و انجمنهای واحدهای اقتصادی کوچک انجام گرفته است که براساس نشان داده شده است که ۷۸ درصد خدمات ارائه شده توسط آنها در اختیار واحدهای اقتصادی کوچک و خانگی قرار می‌گیرد.

۵- برنامه اعتباری برای ترویج صنایع کوچک روستایی

از سال ۱۹۷۰ به بعد، دولت نپال، برنامه‌های اعتباری متعددی را برای توسعه صنایع کوچک روستایی از طریق بخشهای رسمی و غیررسمی، به موجب برنامه‌های وام ترجیحی، به اجرا در آورده است. دو بانک عمده تجاری، یک بانک نیمه‌دولتی (۱۱) و یک بانک دولتی (۱۷)، اعتبارات خود را در اختیار بخش صنایع کوچک در سراسر نپال، قرار می‌دهند. این برنامه‌ها، به برنامه اعتبارات نظارت شده بخش کوچک (۱۸)، برنامه اعتبارات بخش ترجیحی (۱۹) و برنامه بانکی متمرکز، (۲۰) شهرت دارند. بانک توسعه کشاورزی نیز که یک بانک با اهداف توسعه‌ای است به بخش صنایع کوچک در کل کشور وام می‌دهد. این وام ترجیحی به دلیل بالا بودن میزان طلبهای غیرقابل وصول، دارای هزینه بسیار بالایی است. از آنجایی که این برنامه می‌تواند سپرده‌های بیشتری را به نسبت سایر وامهای سوآور جذب کند، شمار سپرده‌گذاران در این برنامه، بیشتر از وام‌گیرندگان است. برنامه‌ای هم با عنوان توسعه کشاورزان کوچک در نپال وجود دارد که به موجب برنامه نیمه رسمی، اعطای وامهای ترجیحی، اعتبارات مورد نیاز را در اختیار واحدهای صنعتی یا اقتصادی کوچک قرار می‌دهد. اگرچه در این برنامه، وامهای درخواستی، با ضمانت گروه در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد، ولی ساختار آن به گونه‌ای است که گروههای خودیاری محلی نمی‌توانند از خدمات آن بهره‌مند شوند. بانک توسعه روستایی، به صنایع کوچک روستایی نیز وام می‌دهد. در نپال، نظام مالی غیررسمی کاربرد گسترده‌ای دارد. بسیاری از وام‌دهندگان در بخش غیررسمی، با وجود رواج و گسترش

آنها، در افکار عمومی به عنوان استعمارگر تلقی می‌شوند. انجمنهای اعتبار و پس‌انداز در گردش که حکم واسطه‌های مالی محلی را دارند، یک نظام اعتباری بسیار موفق و رایج به شمار می‌آیند. بعضی از این نظامهای اعتباری، به ابتکار واحدهای اقتصادی کوچک، تبدیل به نظامهای مالی رسمی شده‌اند. در نپال، نوعی گروه خودیاری مالی رواج دارد که براساس برنامه اعتبار و پس‌انداز غیرگردشی عمل می‌کند.

۶- حمایت و تشویق

در خط مشی جاری صنعتی، به منظور ترویج صنایع کوچک روستایی، حمایتها و مشوقهایی برای این صنایع در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از:

۱-۶- برای تأسیس، گسترش و نوین‌سازی صنایع، جز در مواردی که به امور دفاعی، سلامت عمومی جامعه و محیط‌زیست مربوط می‌شود، هیچ نیازی به اخذ مجوز وجود ندارد. صنایع خانگی می‌توانند تا شش ماه پس از آغاز به کار، اقدام به ثبت فعالیت خود نمایند؛ در حالی که سایر صنایع باید قبل از آغاز عملیات واحد خود را به ثبت رسانند.

۲-۶- صنایع خانگی سنتی از انواع مالیاتهای غیرمستقیم و نیز مالیات بر درآمد و فروش، معاف می‌باشند.

۳-۶- کلیه صنایع ترجیحی ملی از ۵۰ درصد مالیات، معاف هستند.

۴-۶- کلیه صنایعی که ۸۰ درصد مواد اولیه مورد نیاز را از منابع محلی و ۱۰۰ درصد نیروی کار مورد نیاز خود را از منابع انسانی داخلی تأمین کنند، مشمول ۱۰ درصد بخشودگی مالیاتی می‌باشند؛ به استثنای صنایع تولیدکننده انواع سیگار، تنباکو، مشروبات الکلی، اره، بادام زمینی، بیدی (۲۱) و انواع فرآورده‌های دخانی که جزء اصلی آنها تنباکو باشد.

۵-۶- کلیه صنایعی که در مناطق دورافتاده و توسعه نیافته کشور فعالیت داشته باشند (به استثنای صنایع تولیدکننده سیگار، تنباکو و مشروبات الکلی) به تناسب نوع فعالیت از ۱۰ - ۳۰ درصد بخشودگی مالیاتی برخوردار می‌باشند.

۶-۶- فعالیتهای صنعتی در مناطق توسعه نیافته و در حال توسعه، به تناسب نوع فعالیت، مشمول ۱۰-۳۵ درصد



بخشودگی مالیاتهای غیرمستقیم می‌باشند.
۷-۶- حمایت صنایع در مقابل حقوق گمرکی، تضمین می‌شود.
۸-۶- صنایع تأمین شده توسط بخش خصوصی، جزو صنایع ملی شده تلقی نخواهند شد.

۹-۶- صنایع خانگی و کوچک، منحصر در اختیار شهروندان نپالی می‌باشند؛ ولی انتقال تکنولوژی به این صنایع، مجاز می‌باشد.
مقررات مذکور در خصوص مالیات، حقوق گمرکی، مالیات بر فروش و مالیات غیرمستقیم، دقیقاً در جهت ترویج صنایع وضع شده است و با مقررات اصلی، تفاوت‌های بسیار زیادی دارد. دولت نپال همواره از این مقررات آزاد، پشتیبانی کرده و تأکید فزاینده بر منطقی‌کردن صنعت را گامی قطعی به سوی صنعتی‌کردن مناطق روستایی تلقی می‌نماید.

۷- دستاوردها

پس از وضع مقررات مذکور در خصوص تشویق و حمایت از صنایع در طول برنامه هشتم، مجموعاً ۴۰۷۹۴ مورد صنایع کوچک و خانگی به ثبت رسید. حدود ۵ هزار نفر برای کسب مهارت‌های لازم جهت اداره کردن این صنایع، تحت آموزش قرار گرفتند و برای بیش از ۹۰ هزار نیز فرصت شغلی انسانی ایجاد شد. حدود ۲ هزار واحد زیرپوشش کمکه‌های فنی قرار گرفتند و ۱۲۰۰ طرح نیز تهیه گردید.
طبق نمودار پیشرفت صنعتی از ابتدای برنامه تا پایان مارس ۱۹۹۵، که توسط اداره کل صنایع خانگی و کوچک، انتشار یافته است، جمعاً ۸۳۲۱۳ واحد صنایع کوچک و خانگی با سرمایه‌ای بالغ بر ۲۶۶۰/۸۶ کروور، با ظرفیت تولید اسمی ۶۹۲۳/۲۲ کروور و فرصت شغلی اسمی معادل ۸۷۴۲۲۳ مورد، به ثبت رسیده است.

۸- راهبردها

به موجب خط مشی صنعتی جاری مصوب ۱۹۹۲، راهبردهای مورد استفاده برای ترویج و پیشبرد صنایع کوچک و خانگی، به قرار زیر است:
۱-۸- سیاست آزادسازی و ساده کردن رویه‌ها و مقررات برای تأسیس، گسترش و نوسازی صنایع،
۲-۸- تأمین کلیه خدمات مورد نیاز بخش

صنعت از طریق یک نظام واحد،

۳-۸- تأکید بر توسعه صنایع رقیب واردت صنعتی در داخل کشور، به منظور کاهش فشار وارده بر اقتصاد ملی به واسطه واردکردن کالاهای مصرفی روزانه و مصالح ساختمانی،

۴-۸- ساده‌سازی و شفاف‌نمودن نظام تولید صنعتی،

۵-۸- تشویق در جهت سرمایه‌گذاری صنعتی در مناطق توسعه نیافته به منظور تحقق توسعه متوازن و همه جانبه در کشور،

۶-۸- اتخاذ ترتیبات لازم در جهت رفع هرچه بیشتر احتیاجات بخش صنعت به نیروی انسانی ماهر در داخل کشور و اجرا و هدایت کلیه برنامه‌های آموزشی و پژوهشی مورد نیاز، به شکلی یکپارچه و منسجم.

۷-۸- ایجاد انگیزه‌های لازم در کارفرمایان و صاحبان صنایع برای به‌کارگیری مجدد درآمدهای حاصل از فعالیت‌های خود در صنایع مربوطه و یا در سایر صنایع ذی‌ربط،
۸-۸- اجرای برنامه‌های بازسازی به منظور راه‌اندازی مجدد صنایع توسعه نیافته، پس از بررسی شرایط این گونه صنایع،

۹-۸- اتخاذ ترتیبات نهادی لازم برای ارتقای سطح بهره‌وری از طریق بهبود دانش فنی و افزایش کارایی صنایع به منظور قادر ساختن تولیدات صنعتی نپال به رقابت در بازارهای جهانی،

۱۰-۸- انجام اقدامات لازم در جهت کمینه کردن اثرات منفی بر محیط زیست به موازات تأسیس، گسترش و متنوع‌کردن واحدهای صنعتی،

۱۱-۸- اجرای برنامه‌های مهارت‌زا، به منظور

ترتیب نیروی انسانی ماهر،

۱۲-۸- منحصر کردن صنایع کوچک و خانگی به شهروندان نپالی؛ با محفوظ نگه‌داشتن حق انتقال تکنولوژی به این صنایع،

۱۳-۸- تدوین و اجرای مرحله به مرحله شیوه‌نامه‌های مربوط به آلودگی و محیط زیست، به منظور کنترل و کاهش تأثیرات ناشی از آلودگی صنعتی بر محیط زیست، مناطق مسکونی، میراث ملی و ...

در برنامه پنجساله (برنامه آتی)، اقدامات مشروحه زیر جهت ترویج صنایع کوچک و خانگی روستایی، پیشنهاد شده است:

الف: جهت حصول اطمینان از دسترسی صنایع کوچک و خانگی به خدمات مورد نیاز به نحو شایسته، برنامه‌های یکپارچه‌ای تهیه و ترویج خواهد شد.

ب: جهت حمایت از صنایع کوچک و خانگی، روشهایی در مورد محدودیتهای تجاری وضع خواهد شد.

ج: با اجرای نهضت صنعتی‌سازی مناطق روستایی، حداقل یک روستا در هر منطقه به عنوان روستای صنعتی نمونه، توسعه خواهد یافت.

د: نسبت به تأسیس صنایع کوچک و خانگی در هر یک از مناطق VDC، عملاً توجه خاصی اعمال خواهد گردید.

ه: خدمات و امکانات مورد نیاز آن دسته از صنایع بزرگ ملی و بین‌المللی به پیشبرد روند توسعه صنایع کوچک و خانگی کمک‌کننده از سوی دولت تأمین خواهد شد.

۹- نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

اصلاحات به عمل آمده در خط مشی کنونی صنعت نپال را می‌توان نوعی تغییر جهت در خط مشی مبتنی بر حمایت و کنترل دانست که منجر به سوق دادن این خط مشی به سمت بازار آزاد و صادرات می‌گردد. افزایش ارتباط بین بخشهای صنعتی و کشاورزی، تقویت انگیزه در نیروی کار محلی، تشکیل واحدهای صنعتی صادرات گرا به منظور ایجاد درآمد و اشتغال در کشور، از جمله اهداف اصولی و اولیه خط مشی جاری به شمار می‌آیند. ارزیابی چارچوب این خط مشی، زمینه ترویج و پیشبرد واحدهای اقتصادی کوچک را در نپال فراهم می‌آورد.

۱-۹ اصلاحات به عمل آمده در خط‌مشی جاری که بر آزادسازی اقتصادی تأکید دارد باید با ایجاد آمادگی قبلی کافی در واحدهای اقتصادی کوچک صورت می‌گرفت تا به آنها امکان دهد خود را با شرایط جدید در بازار وفق دهند. سیاست مبتنی بر انتقال سریع به بازار آزاد، که با عدم حمایت نیز توأم است، بسیاری از واحدهای اقتصادی کوچک را به تعطیلی کشانده است و خسبیلی از این واحدها به دلیل عدم برخورداری از ظرفیتهای لازم، سودی از بابت اصلاحات جدید نخواهند برد.

۲-۹ واحدهای اقتصادی کوچک که فاقد شرایط ذکرشده در خط مشی صنعتی مبتنی بر صادرات باشند نمی‌توانند در عرصه صادرات حضور یابند. این امر در حالی است که تمهیدات کافی و لازم برای بازاریابی فرآورده‌های صادراتی واحدهای اقتصادی کوچک در نظر گرفته نشده است. علاوه بر این، هیچ‌گونه تمهیداتی برای برقراری تعامل بین واحدهای اقتصادی کوچک و بزرگ در جهت تقویت نظام عقد قراردادهای فرعی و جانبی، اندیشیده نشده است.

مقررات جاری در خصوص مشوقهای مالیاتی و آزادی صادرات توسط واحدهای اقتصادی، بدون توجه به بزرگ بودن یا کوچک بودن آنها، باعث کاهش قدرت واحدهای کوچک برای حضور در عرصه صادرات شده است؛ زیرا مقررات اداری که برای اجرای تعهدات تشویقی در قبال این واحدها وضع گردیده، بسیار پیچیده است.

۳-۹ به دلیل پایین بودن نرخ رشد تولید

و بهره‌دهی در بخش کشاورزی، افزایشی در قدرت خرید اکثریت مردم به وجود نیامده است. این امر در نهایت موجب کاهش امکان ترویج و بهبود واحدهای اقتصادی کوچک خواهد شد. از این رو، امکان تحقق خط مشی جاری در خصوص تولید درآمد مازاد و ایجاد اشتغال برای اکثر افراد جامعه از طریق ترویج واحدهای اقتصادی کوچک، وجود نخواهد داشت.

۴-۹ علاوه بر مدت در نظر گرفته شده در خط مشی اقتصادی جدید به عنوان دوره گذار یا انتقال، یک مرحله گذار سیاسی نیز در مورد احیای دموکراسی چند حزبی در سالهای دهه ۹۰، تدارک دیده شده است. این دوره، شاهد تحركات و تغییرات سیاسی زیادی در دولت نبوده است. این تغییر و تحولات، نه تنها باعث تقویت حس بی‌ثبات بودن شرایط اقتصادی در نپال شده، بلکه روند ترویج و بهسازی واحدهای اقتصادی کوچک نیز تحت تأثیر قرار داده است.

۵-۹ سازمانهای اداری و ترویجی عهده‌دار ترویج واحدهای اقتصادی کوچک، نظیر *DCSI* و *CSIDB*، بیشترین نقش را در توسعه واحدهای اقتصادی کوچک نپال بر عهده دارند. ولی این سازمانها، شدیداً با مشکل کمبود منابع روبه‌رو هستند.

به طور خلاصه، اصلاح خط مشی جاری از طریق اجرای اقدامات اصلاحی کلی به منظور فراهم کردن فضایی صنعتی عاری از انحراف در نپال، برای تحقق اهداف خود با کمبودهایی روبه‌رو می‌باشد. این کمبودها را می‌توان ناشی از نبود تمهیدات و مقررات لازم در جهت ایجاد فرصتهای سودآور در بازار برای واحدهای اقتصادی کوچک از طریق افزایش ارتباط با واحدهای بزرگ و نیز فقدان برنامه‌های ترویجی نهادی در هموارسازی روند رشد تدریجی واحدهای اقتصادی کوچک، دانست. شرایط

حاکم بر دوره گذار اقتصادی و سیاسی، پایین بودن نرخ رشد کشاورزی و به‌طور کلی، عقب‌افتادگی اقتصادی کشور، مشکلات ناشی از کمبودهای مذکور را دامن زده است. اگرچه پس از اجرای خط مشی اقتصادی جاری، نرخ رشد سالانه تولید، ناخالص داخلی فقط با اندکی افزایش از ۴/۶ درصد در دهه ۱۹۸۰ - ۱۹۹۰ به ۴/۹ درصد در دهه ۱۹۹۰-۱۹۹۴ روبه‌رو بوده است، لیکن

نمی‌توان انتظار داشت که این خط مشی از اهداف خود مبنی بر افزایش سطح درآمد و ایجاد اشتغال بیشتر، صرف نظر کند.

با وجود این، دوره گذار نکات جدیدی را برای بهبود روند برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه صنعتی کشور در آینده با ما خواهد آموخت. از این رو امید می‌رود در برنامه نهم (۱۹۹۸-۲۰۰۲) اقدامات اصلاحی بیشتری برای ترویج فعالیتهای اقتصادی کوچک، در خط مشی‌ها و برنامه‌ها منظور شده باشد؛ اقداماتی که با شرایط اجتماعی - سیاسی و اقتصادی نپال، سازگاری بیشتری داشته باشند و روند اجرای برنامه را هرچه بیشتر تقویت کنند.

پی‌نوشت‌ها:

- 1 - Small Enterprises
- 2 - Small - Scale Entrepreneurs
- 3 - Pawnbrokers
- 4 - Rotating savings and Credit associations
- 5 - Wholesalers
- 6 - Self - Help Organizations (SHOS)
- 7 - Mutual support Groups
- 8 - Department Of Cottage In Dustries
- 9 - Economies of scale
- 10 - Income Generating Activities
- 11 - Small Businesses
- 12 - Umbrella Organization
- 13 - Technology Park Project
- 14 - Technology Transfer Development Center
- 15 - Training For Rural Employment
- 16 - Nepal Bank LTD
- 17 - Rastriya Banijya Bank
- 18 - Small sector supervised Credit
- 19 - Priority Sector Credit
- 20 - Intensive banking Program
- 21 - Bidi



اینترنت و قابلیت‌های استفاده در جهاد سازندگی

علیرضا استعلاجی

دانشجوی دکترای برنامه ریزی روستایی ناحیه‌ای

مقدمه

شبکه اینترنت که در چند سال اخیر رشد چشمگیری داشته است، مجموعه‌ای از میلیون‌ها کامپیوتر می باشد که در سراسر جهان گسترده شده‌اند.

اینترنت به میلیون‌ها نفر در سرتاسر جهان اجازه می‌دهد تا باهم به تبادل آراء پرداخته و از نظرات یکدیگر آگاه شوند. از طریق اینترنت افراد بیشماری از کشورها و فرهنگهای مختلف با همدیگر آشنا می‌شوند. استفاده از اینترنت بسیار ساده شده و حتی اشخاص بدون مهارتهای کامپیوتری نیز، می‌توانند به راحتی از آن بهره‌گیرند. اکنون می‌توان تصاویر و عکسهای رنگی، صدا و حتی فیلم را نیز در اینترنت نمایش داد. طولی نمی‌کشد تا حضور اینترنت به عنوان ضروری‌ترین وسیله ارتباطی در تمامی امور مطرح شود.

تعریف اینترنت

اینترنت شبکه‌ای از شبکه هاست که مجموعه پروتکل‌های TCP/IP را اجرا می‌کند. TCP یعنی پروتکل کنترل انتشار و IP مسئول آدرس دهی شبکه است. (۲)

تاریخچه پیدایش اینترنت

اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۵۷، فضایی‌های اسپوتنیک را به فضا فرستاد. به این ترتیب، نشان داد که می‌تواند

شبکه ارتباطی آمریکا را توسط موشکهای بالستیک و دوربرد از بین ببرد. در پاسخ به این اقدام، آمریکا مؤسسه طرحهای پیشرفته یا ARPA را ایجاد کرد. مأموریت اصلی آن مؤسسه، پژوهش و آزمایش اتصال کامپیوترهای دانشگاه و مراکز نظامی از طریق خط تلفن به روشی بود که چندین کاربر بتوانند در یک خط ارتباطی باهم شریک شوند. هدف از آن، ایجاد شبکه‌هایی بود که در آن داده‌ها به صورت اتوماتیک (حتی در صورت انهدام بخشی از مسیرها) و از کارافتادن برخی از کامپیوترها بین مبدأ و مقصد جابجا شوند.

دولت آمریکا در سال ۱۹۶۹، چهار کامپیوتر را با استفاده از فن‌آوریهای موجود به یکدیگر متصل ساخت. این شبکه کوچک خوب کار کرد و این طرح آرپانت^۱ نام گرفت. آنها آرپانت را به عنوان هسته انتخاب کردند و شروع به ارسال اطلاعات به یکدیگر از طریق خطوط تلفن ویژه استیجاری نمودند. (۴) در واقع چنین می‌توان نتیجه گرفت که پیدایش اینترنت مربوط به طرحهای نظامی آمریکا بوده است.

راههای اتصال به اینترنت

با توجه به وجود یا عدم وجود نرم‌افزار پروتکل TCP/IP روی کامپیوتر کاربر، روشهای اتصال به اینترنت را می‌توان به صورت دیگری نیز تقسیم بندی کرد:

- ۱) اتصال مستقیم به صورت یک میزبان.

۲) اتصال غیرمستقیم به صورت یک ترمینال. در اتصال مستقیم به صورت میزبان، کامپیوتر یک قسمت از شبکه اینترنت محسوب می‌شود که به طور مستقیم به آن وصل است و آدرس الکترونیکی ویژه خود را دارد. در این حالت، کامپیوتر می‌تواند منابع نرم افزاری و سخت افزاری خود را در اختیار دیگر کاربران اینترنت قرار دهد و با دیگر کامپیوترهای میزبان روی اینترنت ارتباط دوطرفه برقرار کند. اما در اتصال به شکل ترمینال، کامپیوتر به صورت یک ترمینال برای یک کامپیوتر میزبان عمل می‌کند و از طریق آن به صورت غیرمستقیم به اینترنت وصل می‌شود. در این حالت، این کامپیوتر میزبان است که پردازش‌های مورد نظر را انجام می‌دهد.

جهت اتصال به اینترنت به شکل ترمینالی و غیرمستقیم به موارد زیر نیاز است:

- ۱) یک خط تلفن، یک کامپیوتر مودم دار، یک نرم افزار ارتباطی، داشتن شماره تلفن متصل به مودم یک کامپیوتر میزبان و آدرس کامپیوتر میزبان.

مراکزی که در ایران به شکل ترمینالی امکان اتصال به اینترنت را فراهم می‌کنند عبارتند از:

- ۱) مرکز پژوهشهای فیزیک نظری و ریاضیات (اتصال به اینترنت از طریق دانشگاه وین)
- ۲) مرکز ارتباطات دیتا (از طریق کامپیوتر میزبان در کانادا)

۳) شرکت نندارایانه (از طریق مرکز پژوهشهای فیزیک نظری و ریاضیات)
 ۴) بعضی از دانشگاهها (از طریق مرکز پژوهشهای فیزیک نظری و ریاضیات)
 ۵) شرکتها و سازمانهایی مانند پارس سوپاله یا سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی و مانند آنها که از طریق ارتباط با سرویسهای Online به اینترنت متصل هستند.

جهت اتصال به اینترنت به صورت مستقیم و به عنوان یک کامپیوتر میزبان به موارد زیر احتیاج است: یک خط ارتباط دائم با کامپیوتر میزبان از قبیل خط دائمی استیجاری خطوط ماهواره‌ای، خط X25 یا یک کانال بیسیم، یک کامپیوتر مودم دار، تماس با یک مهندس دسترس‌ی به اینترنت جهت دریافت مجموعه آدرس، نرم افزار TCP/IP و یوتیلیته‌های (برنامه‌های کمکی) مربوطه.

مراکز که در ایران به شکل میزبانی اتصال به اینترنت را ارائه می‌کنند، عبارتند از: مرکز پژوهشهای فیزیک نظری و ریاضیات (۱) که نماینده ایران در شبکه EARN نیز می‌باشد و همکاری مؤسسه اتریشی RIPE (که در محدوده کشورهای اروپایی و خاورمیانه مدیریت فنی آدرس دهی به اعضای اینترنت را به عهده دارد) مجموعه آدرس اینترنت را به دیگر سازمانها و نهادهای متقاضی از قبیل دانشگاهها و نهادهای آموزشی و غیردانشگاهی نندارایانه (وابسته به شهرداری تهران) ارائه می‌دهد.

۲) مرکز ارتباطات دیتا که وابسته به شرکت مخابرات می‌باشد و از طریق خطوط X25 امکان ارتباط با کامپیوتر میزبان در کانادا را فراهم می‌سازد. (۱۲)

جمعیت و جامعه:

اینترنت از حدود سال ۱۹۸۸، تاکنون ۱۰۰ درصد رشد داشته است. این رشد هم از نظر تعداد کاربران و هم از نظر کامپیوترهای مرکزی (host) و هم از لحاظ شبکه‌های محلی است. تعداد کامپیوترهای مرکزی تا ژولای سال ۱۹۹۳، حدود ۱۷۷۶۰۰۰ بوده است. که اگر نسبت به ۵ تا ۱۰ کاربر برای هر یک در نظر گرفته شود، به رقمی حدود ۸/۹ تا ۱۷/۸ میلیون کاربر جدید اینترنت در هر سال در سراسر جهان می‌رسیم. آماری که در خود اینترنت برای کامپیوترهای مرکزی (host) در سال ۱۹۹۵ ارائه شده است، حدود ۱۰ میلیون است. یعنی از ژولای ۱۹۹۳ تا ژولای ۱۹۹۵،

حدود ۵/۵ برابر افزایش داشته است. تب اینترنت در آسیا نیز در سالهای اخیر بالا گرفته است. به طوریکه از اوایل دهه ۱۹۹۰، بسیاری از کشورهای آسیایی شروع به طرح‌ریزی شبکه‌های اطلاعاتی گسترده خود نمودند. جدول شماره (۱) کل کاربران اینترنت را در کشورهای آسیایی نشان می‌دهد. (۷)
 جدول شماره (۱): کل کاربران اینترنت در آسیا به هزار نفر

کشور	۱۹۹۵	۱۹۹۷
ژاپن	۱۸۰۰	۳۵۰۰
کره جنوبی	۱۰۰	۵۲۵
مالزی	۱۰۰	۴۹۶
سنگاپور	۱۰۰	۴۹۵
تایوان	۷۰	۴۸۰
تایلند	۳۵	۱۴۰
هنگ کنگ	۳۲	۴۲۳
فیلیپین	۲۰	۱۵
اندونزی	۱۰	۱۰۰
چین	۱۵	۲۰۰

مأخذ: منبع شماره ۱۰۷

معایب اینترنت

۱) عدم امنیت اینترنت:

سارقین اطلاعات اینترنت^۲ افرادی هستند که در بین آنها، می‌توان استادان کامپیوتر و نوابغ نرم افزار را نیز پیدا کرد. این مغزهای نابغه با تیزهوشی خارق‌العاده خود از طریق اینترنت وارد سوپرکامپیوترهایی در آن سوی جهان می‌شوند و با شکستن دیوارهای حفاظتی به محرمانه‌ترین اطلاعات آن کامپیوترها دست می‌یابند. نکته جالب در کار بیشتر این سارقین این است که روش نفوذ خود را منتشر می‌کنند و با کمال رضایت اعلام می‌کنند که وجود آنها برای کشف حفره‌ها و نقاط ضعف سیستم عامل و شبکه‌های کامپیوتری یک ضرورت است. (۳)

۲) اینترنت و تهاجم فرهنگی

می‌توان گفت که در جهان تمام امور نسبی می‌باشد. یعنی هر فعل یا هر جسمی، می‌تواند از دو دیدگاه خوب یا بد تفسیر شود. شبکه‌های کامپیوتری نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگر درست از آن استفاده شود؛ فواید زیاد و در صورت استفاده نادرست در بدترین شکل ممکن باعث فساد می‌شود. بسیار کورکورانه است اگر تصور شود که تمام

امکانات و وسایل اطلاعاتی را ابرقدرتها تنها برای پیشبرد علم در جهان سوم به کار می‌برند. زیرا بارها توسط آمریکا- ایجادکننده این شبکه‌ها- بسیج همگانی در صنعت مخابرات و انفورماتیک برای ایجاد زیرساختار ابربزرگراه اطلاعاتی برای تسلط جهانی مطرح شده است. (۶) با گذری بر شبکه‌های جهانی مانند اینترنت دیده می‌شود که حجم اطلاعات فرهنگی از نوع غربی در آن صدها بار بیشتر از اطلاعات علمی و فنی است.

اینترنت بالقوه و بالفعل وسیله‌ای برای تهاجم فرهنگی سازندگان آن است. از این جهت نه تنها جهان سوم نگران این تهاجم فرهنگی اطلاعاتی است؛ بلکه کشورهای اروپایی و کانادا نیز خود به صدا درآمده‌اند. هر روز و هر ساعت میلیونها اطلاعات صحیح و غلط علمی و غیرعلمی، بدون هیچ کنترلی وارد شبکه اینترنت می‌شود.

قابلیتهای استفاده از اینترنت در جهاد سازندگی

۱) استفاده از پست الکترونیک

این سرویس عمده‌ترین و اساسی‌ترین سرویس موجود در شبکه اینترنت بوده و پایه کلیه سرویسهای دیگر به حساب می‌آید. پست الکترونیک به عنوان یکی از ده تکنولوژی (فن‌آوری) برتر عصر حاضر شناخته شده است. در این سرویس، متن یا هر پرونده کامپیوتری دیگری، توسط یک دستور به آدرس مورد نظر فرستاده می‌شود و ظرف چند ثانیه به هر نقطه‌ای از دنیا و به هر نوع کامپیوتر ارسال می‌گردد.

امروزه اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه بر کسی پوشیده نیست. تحقق این امر مهم بیش از هر چیز در گرو توسعه منابع انسانی است و توسعه منابع انسانی نیز، مستلزم بهره‌گیری از روشهای ارتباطات و اطلاع رسانی می‌باشد. آگاهی از نتایج پژوهشها و بررسیهای انجام گرفته به صورت مختلف در زمینه توسعه روستایی در تمامی نقاط جهان راهگشای ورود به عرصه پژوهش و پژوهشگری است که زمینه را برای گسترش دیدگاه صاحبزنان و مجریان هموار کرده و موجبات دگرگونی در جهت بهره‌وری بیشتر و توسعه پایدار روستایی را فراهم می‌آورد. لذا با استفاده از

نظام و سیستم پست الکترونیک اینترنت، می‌توان با کمترین زمان و هزینه از رهیافتهای علمی و تجربیات مفید کشورهای دیگر در زمینه توسعه روستایی آگاهی یافته و متناسب با نیاز و شرایط هماهنگ با بستر جغرافیایی و شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور از آنها بهره‌مند گردید.

۲) استفاده از خدمات فنی - مشاوره‌ای

در جهاد سازندگی می‌توان از طریق اینترنت، آگهی‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در طرح‌های گوناگون روستایی را ارائه داده و پیام‌های ویژه‌ای را متناسب با اهداف و زمان مورد نظر به خارج از کشور فرستاد. علاوه بر آن، می‌توان آگهی مورد نظر را برای شرکت در همایش‌های داخلی و خارجی، برگزاری نمایشگاه‌ها و ... ارائه داد و به اطلاعات ارائه شده از طرف کشورهای مختلف آگاهی یافت. همچنین می‌توان از اطلاعات و نظرات مشاوره‌ای پژوهشگران و صاحب‌نظران مسائل روستایی بدون حضور در ایران بهره‌مند گردید.

۳) استفاده از اینترنت به منظور دسترسی به بانکهای اطلاعاتی روستایی

در وزارت جهاد سازندگی، توسط اتصال به شبکه اینترنت، می‌توان به همه بانکهای اطلاعاتی روستایی از جمله پژوهشگران، مراکز علمی و پژوهشی و دانشگاهی، استادان رشته‌های مرتبط با مسائل روستایی، اسناد و مدارک و تجربیات بررسی‌های انجام گرفته در باره مسائل روستایی و ... دسترسی پیدا کرد. به این ترتیب، خواندن متون و اسناد از سوی کامپیوتر در هر نقطه‌ای از جهان امکان پذیر می‌باشد که همین امکان، استفاده از یک کتابخانه مجازی را ممکن می‌سازد. همچنین، به هنگام درآوردن عملکردها و جهت‌گیریها از طریق بررسی، مقایسه سازمانهای مشابه در سطح جهان نیز امکان پذیر می‌گردد.

همچنین، دسترسی به تمام مجلات، کتب و نشریات روستایی بر روی شبکه و قابلیت کاوش بر روی آنها از امکانات و وسایل بسیار ارزشمند اتصال به شبکه می‌باشد.

۴) استفاده از دوره‌های آموزشی از راه دور

با توجه به قابلیت امکان شرکت در دوره‌های متنوع آموزشی از راه دور، دگرگونیهای محسوسی در نحوه آموزش به وجود می‌آید و همچنین، محرک فعالی در آموزش و پژوهشها می‌باشد. در ضمن، صرفه‌جویی ارزی زیادی را به دنبال دارد. چرا که دیگر نیاز به حضور استادان و یا دانش پژوهان در یک مکان خاص نیست. (۹)

به منظور برگزاری دوره آموزشی کوتاه‌مدت، بالا بردن توان علمی کارشناسان، پژوهشگران و مروجان کشاورزی در جهاد سازندگی می‌توان از این قابلیت استفاده نمود. همچنین، سرویس پست الکترونیک، ثبت نام و اسم نویسی برای دوره‌های آموزش از راه دور را نیز میسر می‌سازد. افراد می‌توانند از طریق کامپیوترهای شخصی یا اداری خود جهت ثبت نام اقدام نمایند.

۵) استفاده از اینترنت به منظور عضو شدن در گروههای تخصصی و فنی

امکان عضو شدن در یک گروه تخصصی، موجب می‌گردد افرادی که به یک موضوع ویژه در زمینه رشته‌ها و مسائل مرتبط با روستا علاقه‌مند هستند به راحتی اطلاعات خود را ردوبدل نمایند و به آخرین دستاوردها در زمینه موضوع مورد علاقه خود دست یافته و همچنین، مشکلات احتمالی خود را از دیگر اعضا و با کمک نظرات مشاوره‌ای حل کنند و سطح تخصصی و فنی خود را بالا ببرند. همچنین در صورت وجود زمینه‌های تازه، می‌توان یک گروه تخصصی و فنی را ایجاد کرد.

۶) استفاده از اینترنت برای کمک به توسعه اقتصادی مولدان کشاورزی

جوامع کشاورزی و مولدان کشاورزی خرده‌پا از اقتصاد جهانی و نیروهای سیاسی و پیرامونی متأثر می‌شوند. این مولدان، بدون کامپیوتر و خط تلفن می‌توانند از اینترنت سود ببرند؛ چرا که کارکنان مراکز اطلاع رسانی، می‌توانند اطلاعات مربوط به قیمت‌های بازار را به محل کار کشاورزان پست کنند و یا از طریق ایستگاههای رادیویی محلی، روزنامه، شبکه ارتباطی بین فردی، آگهی نامه و پوستر مردم را آگاه سازند. (۸)

۷) استفاده از اینترنت برای کمک به

عمران اجتماعی

به طور کلی، اینترنت در تقویت روابط پژوهشی و یادگیری بین پژوهشگران، دانشگاهیان، دانش‌آموزان سراسر جهان توان بالقوه مهمی دارد. نمایندگان سازمانهایی نظیر فائو در به رسمیت شناختن و ارائه دیپلم و استوارنامه به کسانی که در برنامه‌های ویژه یادگیری الکترونیکی از طریق اینترنت شرکت می‌کنند، نقش مهمی به عهده دارد. برای مثال بخش توسعه پایدار فائو، برنامه‌های توسعه برنامه‌ریزان و آموزش را دارد که موضوع آن، ارتباط و توسعه آموزش مروجان می‌باشد. مواد فرایندهایی که در این طرحها تولید می‌شود برای آموزش از راه دور از طریق اینترنت سازگار می‌باشد. (۸)

۸) استفاده از اینترنت در توسعه عملکردهای اقتصادی خرد و متوسط

بازرگانان بخش خصوصی خرد و کلان از اینترنت برای دستیابی به بازارهای جدید و جهانی کردن محصولات و خدمات خویش و دستیابی به اطلاعات سرنوشت‌ساز سازمانی و تجاری استفاده می‌کنند. (۸)

۹) استفاده از اینترنت در دسترسی به اخبار مورد نیاز

از طریق اینترنت در جهاد سازندگی می‌توان به اخبار مورد نیاز در سریعترین زمان دسترسی پیدا کرد. به عنوان مثال، اخبار مجله اقلیمی (World Climate News) از شماره دهم در شبکه اینترنت پخش می‌شود. در صورت دسترسی به این شبکه، می‌توان در قسمت <http://www.wmo.ch> به کاتالوگ انتشارات سازمان هواشناسی به اخبار اقلیمی دسترسی پیدا کرد و همچنین، اطلاعات مربوط به پایش سامانه محیط زیست جهانی^۳ بر روی شبکه اینترنت موجود بوده و کسانی که این شبکه را در اختیار دارند، می‌توانند اطلاعات یاد شده را از طریق <http://www.cciw.ca/gems> دریافت نمایند.

۱۰) استفاده از اینترنت به منظور انجام کارهای پژوهشی

استفاده از پست الکترونیک شبکه اینترنت این قابلیت را دارد که به منظور انجام کارهای پژوهشی در مسائل مختلف روستایی، بتوان یک پرسشنامه را به صورت فرم درآورده

و پس از پرکردن پرسشنامه ها، عملیات تجزیه و تحلیل را روی آنها انجام داده و سپس اطلاعات را در بانکهای اطلاعاتی ذخیره کرد.

نتیجه گیری

هر چند شبکه اینترنت خدمات مختلفی را ارائه می دهد، ولی بیشتر آنها را می توان در یکی از دسته های هفتگانه زیر قرار داد که قابلیت های استفاده از آن در جهاد سازندگی وجود دارد که عبارتند از:

- ۱- پست الکترونیک
- ۲- سرویس دسترسی به بانک اطلاعاتی
- ۳- سرویس انتقال پرونده های کامپیوتری
- ۴- سرویس گروه های تخصصی - فنی
- ۵- سرویس کنفرانس الکترونیکی
- ۶- سرویس دسترسی به کامپیوتر از راه دور
- ۷- سرویس خبری

در مبارزه با هر خطر، بهترین راه، شناختن دقیقتر آن خطر می باشد. با بالا رفتن سطح آگاهی و طرز استفاده صحیح از اطلاعات و همچنین شناساندن بهتر فرهنگ غنی خود، می توان از مسائل انحرافی اینترنت جلوگیری کرد. اگر درست از آن استفاده شود، فواید زیاد و در صورت استفاده نادرست، در بدترین شکل ممکن، باعث فساد می شود. این امر مستلزم کار بیشتر اندیشمندان است و باید پس از بالا رفتن فرهنگ استفاده از شبکه ها، درهای استفاده از شبکه جهانی را گشود. با توجه به روش های موجود در اتصال به اینترنت که توضیح داده شد، معاونت های

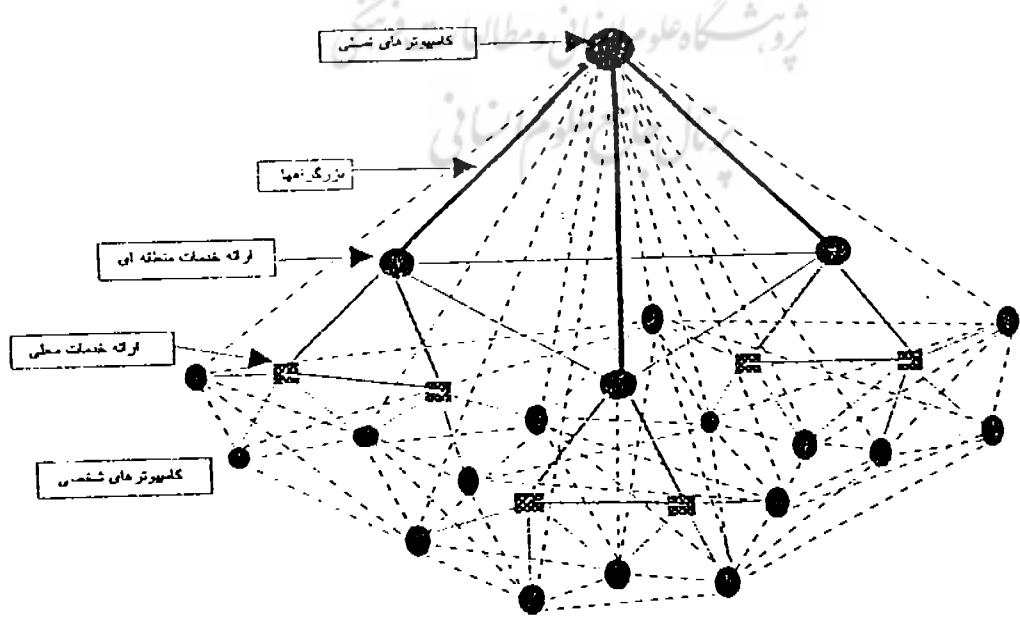
جهاد سازندگی، می توانند از روش اتصال غیرمستقیم به صورت یک پایانه از طریق مراکز اطلاع رسانی وزارت جهاد سازندگی از مزایای علمی اینترنت استفاده کنند. در اتصال به شکل پایانه، کامپیوتر به صورت یک پایانه برای یک کامپیوتر میزبان عمل می کند و از طریق آن به صورت غیرمستقیم به اینترنت وصل می شود. در این حالت، این کامپیوتر میزبان است که پردازش های مورد نظر را انجام می دهد و اطلاعات مورد نیاز را ارائه می دهد و با توجه به این روند جنبه های علمی و فرهنگی استفاده از اینترنت نیز مدنظر قرار گرفته و متناسب با نیاز از مزایای علمی آن استفاده می گردد.

منابع و مآخذ

- ۱- «آدرس روی اینترنت»، عصمت کوشکی، رایانه، سال هفتم، مهر و آبان ۱۳۷۵.
- ۲- «آدرسهای مربوط به ایران روی اینترنت»، رایانه، سال هفتم، مهر و آبان ۱۳۷۵.
- ۳- «امنیت اینترنت»، فرامرز کوثری، رایانه، سال هفتم، مرداد ۱۳۷۵.
- ۴- «اینترنت از آغاز تاکنون»، فرامرز کوثری، سال هفتم، مرداد ۱۳۷۵.
- ۵- «اینترنت، سفر به دنیای سبیرنیک»، پیام بونسکو، آذر ماه ۱۳۷۴.
- ۶- «اینترنت و حذف اصالت فرهنگی»، غلامرضا دهقانپور، رایانه، سال هفتم، مرداد ۱۳۷۵.
- ۷- «اینترنت، ناحیه ای بدون مرز»، فاطمه

ونسوقی، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی. زمستان ۱۳۷۵.

- ۸- «اینترنت و عسمران روستایی»، دن ربچاردسون، ترجمه مهرداد اطروش، جهاد، سال هفدهم، تیر و مرداد ۱۳۷۶.
 - ۹- «تاروبود اینترنت»، فریبا برخوردار، رسانه، سال ششم، زمستان ۱۳۷۴.
 - ۱۰- «تب اینترنت در آسیا»، فرامرز کوثری، رایانه، سال هفتم، مرداد ۱۳۷۵.
 - ۱۱- تافلر، الوین. «تغییر ماهیت قدرت»، مترجمان حسن نوایی بیدخت و شاهرخ بهار، مرکز ترجمه و نشر کتاب، بهار ۱۳۷۴.
 - ۱۲- «راه های اتصال به اینترنت»، رایانه، سال ششم، فروردین ۱۳۷۵.
 - ۱۳- «لیست های پستی روی اینترنت»، عصمت کوشکی، سال هفتم، مهر و آبان ۱۳۷۵.
 - ۱۴- گافین، آدم. «خودآموز استفاده از اینترنت»، ترجمه خرسند، نشر آروین، تهران، ۱۳۷۴.
 - ۱۵- «بوزنت روی اینترنت»، رایانه، سال هفتم، مهر و آبان ۱۳۷۵.
 - 16- Stevenson, R. (1994). "Global communication in the twenty-first century. NewYork, NY: Longman.
 - 17- National center for climatology. Newsletter, No. 9- Feb. 1998.
 - 18- Steve Mizrach. "Lost in syberspace: A cltural geography of cyberspace." <http://www.geog.vcl.oc.uk/casa/martin/geography-of-cyberspace.html>.
- مآخذ: منبع شماره ۷



اهمیت پوست و الیاف دامی در اقتصاد کشور

● مهندس ماشاء... خشنود

● مهندس جمشید پیشکار

پیشرفته خط تولید سنتی و بافت شالهای کشمیر در کشور را به فراموشی سپرده است.^۳ به منظور ارتقای ارزش افزوده این ماده اولیه که از جمله کالاهای صادراتی مهم کشور است و همچنین جهت افزایش بهره وری در صنایع داخلی، ضروری است در جهت گسترش علم اصلاح نژاد و تقویت مراکز پرورش دام و تجهیز کارخانجات ریسندگی کرک و استفاده از محققان و متخصصان ذی ربط در زمینه ارتباط مراکز آموزش و صنعت، گامهای مؤثری برداشته شود.

از هنرهای اصیل ایرانی می توان قالی دستبافت را نام برد که در طول تاریخ ایران همیشه نشاندهنده ظرافت و ذوق هنرمندان ایرانی بوده است. حفظ این هنر ملی و تداوم درآمد ارزی حاصله از آن از طریق توسعه کمی و کیفی پشم گوسفندان بومی ایران میسر خواهد بود. پشم گوسفندان ایرانی ضخیم می باشد و برای بافت قالی بسیار مناسب است. پشمهای مقرایی که از روی بدن حیوان چیده می شوند، بهترین نوع پشم جهت بافت قالی می باشند. برخی از کشورهای اروپایی اخیراً اقدام به بافت قالی از طریق دست نموده اند که اکثراً از نقشه ها و روشهای ایرانی استفاده نموده و با اهمیت خاصی که نسبت به پشم جهت قالیبافی قابل می باشند، به زودی رقابتی مقتدر و سرسختی برای قالی دستبافت

موفقیت آمیز نبوده و تولیدی در خور ملاحظه نخواهد داشت. با گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی در زمینه مواد اولیه ای همچون الیاف دامی و پوست می توان به افزایش اشتغال و صدور محصولات نهایی که ارزش افزوده بالاتری دارند، دست یافت.

سالنامه آماری کشور (۱۳۷۴) بیانگر آن است که در سال ۱۳۷۳ درآمد حاصله از صادرات ۳۰۹۲ تن پشم، کرک و مو، به مبلغ ۵۶۳۹۲ میلیون ریال بوده است. (کرک پشم بسیار لطیفی است که در انتهای موی بز و شتر، بر پوست چسبیده و دامداران بعد از چیدن الیاف بزها و شترها، موی را از کرک جدا می کنند و از کرک شال و عباهای بسیار ظریف می بافند که از مخمل لطیفتر است.)

با توجه به تاریخ شالبافی در ایران که بیش از هزار سال قدمت دارد (تاریخ تمدن اسلام، جراحی زیدان، ۳۳۰ هجری) طبیعتاً تاریخ پرورش بزهای کرکی و تولید کرک بر آن سبقت خواهد داشت. در حال حاضر که تولید این الیاف به صورت تارهای تولید کننده ارز تلقی می شود، از قرار هر کیلو ۲۲ الی ۷۵ دلار (کرک خام، موکشی شده سفید) صادر می شود. عدم امکان تولید نخ کرکی در شرایط حاضر کشور موجب عدم توفیق در کسب ارزش افزوده لازم از این ماده اولیه می باشد. توسعه تکنولوژی ریسندگی و بافندگی در کشورهای

در بین تولیدات عمده دام، پشم، کرک و پوست از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند. با توجه به متناسب بودن پوست دامهای ایران برای مصارف زیستی، تهیه چرم، جیر، سالامبور و همچنین پشم و کرک گوسفندان و بزهای ایرانی برای بافت قالی، گلیم، جاجیم، شال، تن پوشهای مناسب و ... نیاز به افزایش کمی و کیفی این محصولات دامی روز به روز بیشتر می شود و باید تولید و فرآوری اولیه آن و کاهش ضایعات این محصولات از لحاظ تقویت بنیه مالی کشور و ازدیاد ثروت ملی، همپایه صنایع مهم و ارزنده مورد توجه قرار گیرد.

تعداد ۶۵۰۳۵۳۶ نفر در کل کشور با صنعت تولید قالی، قالیچه، گلیم و زیلو در ارتباط می باشند و تاکنون ۲۸۳۸۳ تن پوست و چرم به ارزش ۲۳۳۲۷۳ میلیون ریال به خارج از کشور صادر شده است.^۱ نگاهی اجمالی به آمار میزان صدور پروانه بهره برداری و سرمایه گذاری در صنایع پوست و چرم نشانگر آن است که در سال ۱۳۷۴ تنها ۴۹۲ فقره پروانه بهره برداری صادر و ۷۹۲۴۳۵ میلیون ریال سرمایه گذاری شده است.^۲ این امر موید این است که تولید هیچ فرآورده دامی در داخل کشور، بدون حمایت همه جانبه و هماهنگ و تأیید از لحاظ اقتصادی، فنی، خدماتی و آموزشی

ایران خواهند بود. با توجه به نیاز کشور به پشم در زمینه مصرف قالیبافی و با توجه به استعداد کشور در زمینه افزایش تولید فرآورده مذکور می‌توان در ردیف صادرکنندگان قرار گرفت. بنابراین اقدام نسبت به افزایش کمی و کیفی فرآورده پشم باعث می‌شود تا صنعت فرش دستبافت ایران روز به روز شکوفاتر گردد.

با وجود دارا بودن بیش از ۵۰ میلیون رأس گوسفند^۴ در کشور، متأسفانه گوسفندداران ایرانی اغلب از روشهای صحیح نگهداری، تغذیه و تکنولوژی پیشرفته پشم‌چینی بی‌اطلاع بوده و همین امر باعث می‌شود تا کمیت و کیفیت این محصول به حد مطلوب و ایده آل نرسد.

عوامل متعددی در مرغوبیت پوست تأثیر دارند. این عوامل عبارت‌اند از بهداشت دام و محل نگهداری آن، تغذیه، نحوه پشم‌چینی، داغ زدن و نحوه پوست‌کشی بعد از کشتار و ... شستشو و حمام دادن باعث تأمین سلامت دام و همچنین بهبود پوست و مقاوم شدن آن می‌شود. قرینه بودن چرم در چرمسازی از اهمیت خاصی برخوردار است و ناهمگون بودن کیفیت چرم از قیمت آن به مقدار زیادی می‌کاهد. آلوده بودن و رطوبت بیش از حد محل نگهداری دام و تماس مداوم پوست بدن با این محلها، مخصوصاً به هنگام خوابیدن باعث می‌شود تا سفتی پوست کم شده و مرغوبیت خود را از دست بدهد.

تغذیه نامناسب باعث می‌شود تا پوست خشک شده و خاصیت ارتجاعی خود را از دست بدهد. اصولاً تغذیه با علوفه سبز و تازه باعث می‌شود تا پوست مرغوب، لطیف و نرم شده و چرم تولید شده از این پوست مغزدار بوده و به آسانی با دست چین بخورد.

خراشها و جراحات حاصله به هنگام استفاده از وسایل پشم‌چینی موجب می‌شود تا پوست مرغوبیت خود را از دست بدهد، همچنین ترسیدن دام به هنگام عملیات پشم‌چینی، ترشح آدرنالین را افزایش داده و پوست کم‌خون و رنگ‌پریده می‌شود و پس از استحصال، پوست شکننده و نامرغوب خواهد بود.

دامداران از داغ زدن به منظور علامت‌گذاری دامهای خود استفاده می‌نمایند که باعث می‌شود پوست، دارای سطحی ناهموار و بسیار کم مقاومت شده و به راحتی پاره شود. داغ زدن از عملیاتی است که باید

حتی‌الامکان از آن احتراز نموده و یا فقط در محلهای مناسب روی بدن دام صورت پذیرد. عدم رعایت اصول صحیح پوست‌کشی پس از کشتار، باعث می‌شود جراحاتی از قبیل خراش، سوراخ شدن و پارگی بر روی پوست حاصل شود. این گونه جراحات موجب کم ارزش شدن پوست خواهد شد.

تربیت نیروی انسانی متخصص در زمینه تولید و فرآوری پوست و الیاف دامی و مشاهده ویژگیهای ضروری این محصولات در قالب استاندارد و مطالعه خط تکنولوژی در ابعاد خاص، اتخاذ تصمیم در انتخاب راه بهینه کردن مواد اولیه و بهره‌وری از توسعه تکنولوژی را میسر می‌سازد. توجیه اقتصادی امر در مقاطع مختلف آموزشی و پژوهشی در صورت تحقق مبانی استدلالی آن فرصت اشاعه فرهنگ صحیح فرآوری و امکان رشد و توسعه این بخش را در آینده فراهم آورده و موارد بیم و امید را روشن می‌سازد.

از مهمترین عواملی که پیشرفت در هر فعالیت تولیدی و اقتصادی را تضمین می‌کند، تلفیق دانسته‌های علمی با امکانات عملی است و این امر در فرآوری پوست و الیاف دامی ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. رشد و توسعه فرآوری پوست و الیاف دامی بدون عامل نیروی انسانی متخصص، امکان‌پذیر نمی‌باشد و شرایط لازم جهت توسعه این رشته مستلزم آموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد می‌باشد. در این زمینه اخیراً وزارت جهاد سازندگی در قالب آموزشهای علمی - کاربردی یک دوره‌کاردانی تدوین نموده است تا با ارائه روشهای نوین، شرایط را جهت توسعه کمی و کیفی این بخش فراهم آورد.

پی‌نوشتها:

- ۱- سالنامه آماری کشور ۱۳۷۴
- ۲- سالنامه آمارهای صنعتی ۱۳۷۴
- ۳- زاخری، ج. (۱۳۷۴)، تحلیل ویژگیهای عمده‌کری
- ۴- FAO, Rome, 1993

بقیه از صفحه ۷۰

دارد. دارندگان مدرک دیپلم و بالاتر، کمتر از خود "بدبینی" نشان می‌دهند و به نظر می‌رسد برداشت واقعی‌تری از زندگی شهری دارند. بی‌سوادان و دارندگان مدرک ابتدایی بیش از افراد دیگر به زندگی در شهر "بدبینانه" می‌نگرند.

* بین "بدبینی به زندگی در شهر" و "وضعیت فعالیت اقتصادی روستاییان جوان" رابطه وجود دارد. دانشجویان، سربازان و خانه‌داران کمترین میزان بدبینی و شاغلان بیشترین میزان بدبینی را داشته‌اند.

* بیش از نیمی از جوانان روستایی شاغل در مناطق مورد بررسی، رضایتی از شغل کنونی خویش نداشتند. آنها مهمترین علت این امر را درآمد ناچیز، دشواری شرایط کار و فقدان مشاغل دیگر ذکر کرده‌اند.

* در میان شاغلان، تنها ۲۲/۱ درصد از قالیبافان، ۲۱/۵ درصد از کشاورزان و ... از مشاغل کنونی خود را مطلوب و ایده‌آل دانسته‌اند. مابقی علل گرایش خود به مشاغل دیگر را درآمد زیاد و مناسب، راحتی شرایط کار، ثبات شغلی و ... بیان نموده‌اند.

* جوانان از میان مشاغل مختلف، به مشاغلی چون آموزگاری، خیاطی، طبابت، کارمندی، پرستاری، بهیاری و آرایشگری اظهار تمایل نموده و این مشاغل را به عنوان مشاغل مطلوب و ایده‌آل خود مطرح کردند. آنها در بیان علل این گرایش، علاقه زیاد به این مشاغل، خدمت به دیگران، پیشرفت خویش و درآمد زیاد را عنوان کرده‌اند.

* بین مهارتهای جوانان روستایی و مشاغل ایده‌آل و دلخواه آنان تفاوت چشمگیری دیده می‌شود. جوانان روستایی از طریق "تحول شغلی" به دنبال "تحرك اجتماعی" و "تغییر پایگاه اجتماعی" خویش هستند تا حدی که واقع‌نگری را فراموش کرده و آرمان‌گرایانه می‌اندیشند.

۱- Industrialization

۲- Modernization

خلاصه گزارش تحقیقی:

بررسی دافعه های روستایی و سنجش نگرش جوانان روستایی نسبت به شهر و زندگی شهری

● حسین قهاری

● دفتر مطالعات و بررسیها

شده و در بخشهای نوین و نوپای صنعت و سپس خدمات به کار گرفته می‌شود. به این ترتیب همزمان با صنعتی شدن^۱ و نوین سازی^۲، نیروی کار لازم برای شکوفایی و رونق بخشهای اخیر به سهولت در دسترس قرار می‌گرفت.

اکسون پیامدهای ناگوار مهاجرت‌های توده‌وار روستاییان به شهرها در بهره‌وری روستایی، توزیع درآمد، نابرابری اجتماعی و... این خیال خوشبینانه را دچار تردید کرده است.

۱- مطالعات بسیاری در کشورهای در حال توسعه نشان‌دهنده این است که تعداد قابل توجهی از مهاجران روستایی افرادی جوان، تحصیلکرده، ماجراجو و اکثراً خواهان موفقیت‌اند. این مسئله به منزله تهی شدن مناطق روستایی از سرمایه های انسانی کارآمد می باشد.

۲- از نظر تقاضا، ایجاد مشاغل شهری به

فراوان، در کنار بخش کشاورزی سنتی مناطق روستایی در حال رونق و گسترش می باشد. این همزیستی منشأ فرایندی شده است که طی آن توسعه صنعتی - خدماتی (وابسته) در شهرها، منجر به نابودی و از هم پاشیدگی ساختار اقتصادی - اجتماعی نواحی روستایی گردیده است.

نواحی روستایی نیز با مهاجرت توده‌وار به شهرها، بیکاری توده‌وار را پدید آورده‌اند که این امر به نوبه خود به اداره ناپذیری شهرها خواهد انجامید.

بیان مسئله

تا مدتهای مدید، مهاجرت داخلی بخصوص مهاجرت از روستا به شهر پدیده‌ای مطلوب و خوشایند تلقی می‌گردید. به گونه‌ای که مهاجرت داخلی شتابان، فرایند سودمندی بود که طی آن مازاد نیروی کار روستایی بتدریج از بخش کشاورزی سنتی معیشتی جدا

مقدمه

فقر و نابرابری، از پیامدهای بینش سوگیرانه به "توسعه" است که آرمانهای مساوات طلبانه توسعه متوازن و درونزا، می‌تواند موجب کاهش و نابودی آن شود. بی‌شک، چنانچه سیاستگذاران صرفاً به رشد اقتصادی و شکوفایی صنعتی (آن هم با الگوی سرمایه‌داری) بها دهند، از اهداف عدالت جوینانه غافل مانده و تنها سهم اندکی از آحاد ملت از مزایای چنین توسعه‌ای بهره‌مند خواهند شد.

یکی از گرایشهای ناسالم و ویرانگر در همه کشورهای در حال توسعه، مسئله "دوگانگی اقتصادی" در شهرها و حاشیه آنهاست که هر روز نیز شدت بیشتری می‌یابد. بخش نوین صنعتی - خدماتی با به‌کارگیری فن‌آوری پیشرفته، تمرکز سرمایه و امکانات زیرساختی به تولید انبوه و سمت‌گیری به سوی بازار منجر شده است که با سودآوری

مراتب مشکلتر و گرانتر از مشاغل روستایی هستند، لذا هزینه اشتغال زایی نیز افزایش می یابد. با توجه به شرایط مذکور، می توان دریافت که "مهاجرت"، عامل مهمی در شدت بخشیدن به نابرابریهای ساختاری شهر نسبت به روستاست. از این رو بررسی موشکافانه باورهای روستاییان نسبت به مهاجرت و پیامدهای آن می تواند ما را در شناخت و درک روشنی از پدیده مهاجرت روستا- شهری یاری دهد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی از انجام این پژوهش، شناخت و درک عمیق ماهیت شهرگرایی- روستاگرایی و منشأ آن است. بدین منظور، در این تحقیق اهداف زیر به تفکیک مد نظر قرار گرفته است:

- ۱- بررسی ملاکها و معیارهای پاسخگو برای مقایسه شهر و روستا
 - ۲- گردآوری مسائل و مشکلاتی که موجب آزار روستاییان است.
 - ۳- شناخت موضع و داوری جوان روستایی برای مقایسه شهر و روستا
 - ۴- خواسته ها و انتظارات روستاییان برای بهبود زندگی روستایی و شناخت کمبودها
 - ۵- اندازه گیری نگرش جوانان روستایی به شهر و زندگی شهری
- با توجه به اینکه بخشی از مطالعه حاضر مبتنی بر نگرش سنجی است، لذا در این رویکرد بر سه عامل تکیه شده است:
- الف - نیات و اطلاعات فرد
 - ب- استعدادها و گرایشهای روانی اجتماعی موجود
 - ج - روابط فرد با دیگران

روش بررسی

در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده و برای جمع آوری اطلاعات نیز ضمن بهره گیری از روشهای اسنادی- کتابخانه ای، از روش میدانی به کمک ابزار پرسشنامه، توأم با مصاحبه هدایت شده استفاده گردیده است.

در بخش دوم تحقیق که موضوع اندازه گیری نگرش جوانان روستایی نسبت به مهاجران روستایی است، از مقیاس افتراق معنایی استفاده شده است. برای سنجش نگرش و نظرات پاسخگویان، مقیاس لیکرت (با انتخاب ۳۰ گویه) به کار گرفته شده است. تجزیه و تحلیل داده ها نیز بر مبنای نظریه های

روان شناسی اجتماعی انجام شده است. همچنین از محاسبات آماری از طریق آزمون کای اسکور²(X²) و ضریب گاما برای بررسی عمیق موضوعات تحقیق کمک گرفته شده است.

جامعه نمونه

از آنجا که واحد تحلیل، جوانان روستایی هستند و موضوع تحقیق نیز تا حد زیادی با مهاجرت روستا به شهر مرتبط است، لذا پژوهشگر با احتساب وضعیت تغییرات جمعیتی روستاهای وابسته به شهرستانهای تبریز (با رشد مثبت ۲/۰۵ درصد)، مرند (با رشد منفی ناچیز ۰/۶۱-) و میانه (با رشد منفی ۳/۵۳-) را به عنوان نمونه برگزید و با بهره گیری از فرمولهای تعیین حجم نمونه، از میان افراد واقع در گروه سنی ۱۵-۲۹ سال، در مجموع ۲۰ نفر را به عنوان جامعه نمونه انتخاب کرد.

یافته های تحقیق

الف - ویژگیهای فردی - اجتماعی
اولین گام برای بررسی و شناخت جامعه مورد نظر، کسب اطلاعات لازم در زمینه شرایط و خصوصیات فردی - اجتماعی آن جامعه می باشد. زیرا اولین ویژگیهایی که موجب تمایز و تفکیک افکار، ایده ها، رفتارها و نظرات اعضای جامعه می شوند عبارتند از: سن، جنس، میزان تحصیلات، نوع شغل، محل تولد، محل سکونت، وضع تأهل و ...
در پژوهش حاضر، اطلاعات و آمار به دست آمده حاکی از آن است که جامعه نمونه، شامل ۵۵ درصد مرد و ۴۵ درصد زن بوده است.

از لحاظ محل تولد و سکونت نیز داده های آماری نشاندهنده این است که تعداد ۵۷۰ نفر از پاسخگویان (۹۳ درصد) در محل اقامت کنونی خویش و ۴/۲ درصد آنها در شهر به دنیا آمده اند. همچنین ۲/۵ درصد افراد نیز در سایر روستاها (مکانی متفاوت از سکونتگاه فعلی شان) متولد شده اند.

بر اساس نتایج و اطلاعات بدست آمده، ۴۰ درصد افراد متأهل، ۰/۳ درصد افراد بی همسر بر اثر طلاق و ۵۷ درصد نیز مجرد (ازدواج نکرده) بوده اند. طبق اطلاعات موجود از لحاظ وضع سواد پاسخگویان، نیمی از آنها دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۳/۹ درصد راهنمایی و ۱۸/۷ درصد دبیرستان و

دیپلمه بوده اند. تنها ۳/۸ درصد پاسخگویان از تحصیلات بالای دیپلم برخوردارند و ۶/۵ درصد نیز بیسواد هستند.

ب - سنجش نگرش جوانان روستایی
در بخش دوم گزارش، تلاش و هم پژوهشگر معطوف به اخذ پاسخ سؤالاتی در زمینه نظرات و برداشت جوانان از زندگی شهری و روستایی، باور آنها نسبت به آینده و قضاوتشان نسبت به زندگی مهاجران و همچنین ویژگیهای روستای دلخواه آنها و بالاخره مهمترین کاستیهای زندگی در روستای محرومتر یا برخوردارتر بوده است. حاصل نظرسنجی و یافته های بخش دوم تحقیق به طور مختصر و تفکیک شده حاوی نکات و مسائل زیر بوده است:

* در روستاها محرومتر میزان "روستاگرایی" در میان جوانان افزایش داشته است. در این قبیل روستاها، رشد جمعیتی مثبت وجود دارد. در روستاهای محرومتر از یک سو مسئله تراکم جمعیت و محدودیت منابع تولید و از سوی دیگر هنجار شدن ترک روستا، عامل مهمی در شدت آهنگ مهاجرت بوده و می باشد. در روستاهای برخوردارتر، ماندگاری در روستا به هنجار تبدیل شده و روند مهاجرت به شهر را نیز کندتر کرده است.

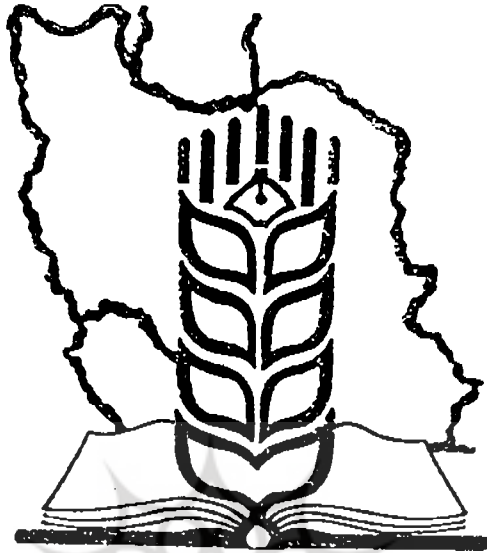
* بین میزان "روستاگرایی" جوانان و رضایت از وضعیت کنونی محل زندگی آنها رابطه وجود دارد. با افزایش "روستاگرایی"، از میزان رضایت جوانان کاسته شده است.

* روستاگرایی در میان مردان بیش از زنان دیده می شود. مردان تمایل بیشتری به ترک روستا و مهاجرت به شهر از خود نشان می دهند.

* بین میزان "روستاگرایی" و وضعیت فعالیت اقتصادی ارتباط وجود دارد. "روستاگرایی" در میان شاغلان بیش از همه و در میان محصلان، دانشجویان و سرایزان کمتر از دیگران است. به بیان دیگر شاغلان بیشتر از خانه داران (زنان)، محصلان و .. تمایل به ترک روستا دارند.

* هر چه "بدبینی به زندگی در شهر" شدیدتر شود، جوانان احساس کمبود کمتری می کنند. به عبارت دیگر خوشبینان (شیفتگان) به زندگی در شهر نسبت به بدبینان از کمبودهای بیشتری در "روستا" سخن می گویند.

* بین "بدبینی به زندگی در شهر" و "میزان تحصیلات جوانان روستایی" ارتباط وجود



مجموعه مقالات

ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران

پرتال جامع علوم انسانی

پیشگفتار

همانگونه که خوانندگان استحضار دارند، ماهنامه علمی جهاد از نیمه دوم سال ۱۳۷۶ درصد برآمدند تا با استفاده از گزارشات منتشر شده طرح‌های مطالعاتی، پژوهشی "ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی" مقالاتی را بصورت سلسله‌وار در هر شماره مجله بچاپ رساند، که این امر تاکنون با فراز و نشیب‌هایی در پنج شماره قبلی مجله تحقق پذیرفته و مورد استقبال مراکز و محافل علمی نیز قرار گرفته است.

در این شماره نیز به پیروی از همین سیاست، سه مقاله با عناوین و مشخصات ذیل بچاپ رسیده که امید است مورد استفاده و عنایت عموم صاحب‌نظران و علاقمندان قرارگیرد.

۱- بررسی سوابق و عملکرد ترویج کشاورزی در ایران پس از انقلاب اسلامی (قسمت ششم)

تلخیص شده از گزارش پروژه ۵، طرح ۶، که توسط آقای مهندس محمد هادی امیرانی تهیه و تدوین گردیده‌است.

۲- سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار توسعه روستایی در ایران (قسمت دوم)
تلخیص شده از گزارش پروژه ۷، طرح ۱، که توسط آقای دکتر مصطفی ازکیا تهیه و تدوین گردیده‌است.

۳- مروری با سوابق محتوای برنامه‌ها و عرصه فعالیت‌های ترویج کشاورزی در ایران که با بهره‌گیری از مجموعه پروژه‌های طرح ۲ توسط آقای مهندس محمد هادی امیرانی تهیه و تدوین گشته‌است.

■ مقدمه

اگر با نگرشی سیستمی به ترویج کشاورزی نگاه کنیم، مشاهده خواهیم نمود که ترویج، سیستمی پیچیده است که عوامل و عناصر متعددی با آن مرادده دارند. سیستم نظام ترویج یا ارکان نظام ترویجی از خرده سیستمهایی به شرح زیر تشکیل یافته است:

- ۱- اصول، زیربنا و مبانی نظری ترویج
- ۲- بهره‌وران نظام ترویج
- ۳- محتوا و عرصه نظام ترویج
- ۴- مدیریت و سازماندهی در نظام ترویج
- ۵- فرایند نشر در نظام ترویج
- ۶- عاملین اجرایی در نظام ترویج
- ۷- عوامل پیرامونی مؤثر بر نظام ترویج

هر یک از خرده سیستمهای فوق به عنوان سیستم فرعی مطرح و به نوبه خود به عنوان یک سیستم پیچیده تلقی می‌شوند. یکی از ارکان نظام ترویج، "محتوا و عرصه" این نظام می‌باشد که در حقیقت چارچوبی برای ایفای نقش نظام ترویج است. محتوای نظام ترویج منبعت از اهداف توسعه کشور است که دربردارنده هدفهایی برای توسعه بخش کشاورزی و روستایی، انتقال تکنولوژی، آموزش کشاورزان و توسعه نهادی می‌باشد. محتوای نظام ترویج در هر جامعه‌ای متأثر از چندین عامل تعیین کننده عمده می‌باشد که مهمترین آنها عبارت‌اند از: اهداف اجتماعی، اقتصادی، اهداف توسعه، رفیافت ترویج و همچنین ساختار نهاد و بخش ترویج

کشاورزی.

این امر را نباید از نظر دور داشت که نیازها، علایق و خصوصیات فرهنگی و اجتماعی، ویژگیهای اقلیمی و اقتصادی مناطق روستایی و دیگر خصوصیات روستا و روستاییان می‌تواند بر محتوای نظام ترویج تأثیر مهمی داشته باشد.

ضمناً نوآوریهای علمی و تکنولوژیک، تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور، به نوبه خود بخش کشاورزی و روستایی و به تبع آن ترویج را در ابعاد و صور گوناگون آن تحت تأثیر و تغییر قرار می‌دهند و در این مسیر عرصه فعالیتها و برنامه‌های ترویج را دچار تغییر و دگرگونی می‌کنند.

لذا محتوای نظام ترویج در حالتی پویا همواره در معرض تحول و دگرگونی است و مرور کلی بر سیر تکوینی آن در ایران و جهان مبین این واقعیت است که این نظام، پیوسته در گذشته و حال، در حال تغییر و تحول بوده و اهداف، مفاهیم، محتوا، زمینه‌های مورد عمل و ... هم در سطح جهانی و هم در سطح داخلی و محلی، بارها مورد تجدید نظر و بازتعریف قرار گرفته است.

در این مقاله سعی بر این است با نگاهی جامع، سیر تحولات و تغییرات در زمینه‌ها و عرصه‌های برنامه ترویج کشاورزی در ایران، مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

مروری بر سوابق

محتوای برنامه‌ها و عرصه فعالیتهای ترویج کشاورزی در ایران

■ ترویج اساساً نشر و اشاعه است و

رسالت اصلی آن، انتقال، اشاعه و تنفیذ نوآوریهای علمی و تکنولوژیک در میان جوامع روستایی است. لذا مکتب ترویج می‌تواند و باید در خدمت اشاعه بسیاری از زمینه‌های ذی‌مدخل در فرایند توسعه قرار داشته باشد.

اصولاً ترویج به عنوان وسیله‌ای برای کمک در حل مسائل و انتشار اصول نوین کشاورزی و کشاورزی نوین اشتهار یافته است و امروزه نیز به عنوان یک مکتب آموزشی، عمدتاً در زمینه‌های مرتبط با کشاورزی در اکثر کشورهای جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد. لیکن با توسعه اصول کشاورزی نوین و به تبع آن افزایش میزان عملکرد تولید محصولات کشاورزی و ارتقاء سطح زندگی روستاییان، ضرورتهایی برای تحول در سایر جنبه‌های زندگی روستایی نیز پدیدار می‌گردد.

همچنین مستعد شدن روستاییان برای افزایش تولید با کیفیت بهتر، مستلزم آگاهیهای بیشتری در جنبه‌های متنوعی از زندگی و اشتغال در روستاست.

تعیین زمینه‌های مورد عمل و عرصه‌های فعالیت ترویج، در حقیقت تعیین چارچوبی است که مکتب ترویج در آن محدود به ایفای نقش خواهد پرداخت. تعیین این چارچوب در هر جامعه‌ای به عهده سیاستگذاران و برنامه‌ریزان آن جامعه است که با توجه به سیاستها و استراتژیهای توسعه و

همچنین شرایط و ویژگیهای محلی، منطقه‌ای، ملی و حتی بین‌المللی، به گونه‌های مختلف طرح و اجرا می‌شود.

از طرفی بر اساس آراء نظریه پردازان علم ترویج، نظام ترویج کشاورزی متشکل از ارکان مختلف و متعددی است که یکی از مهمترین آنها، "محتوا و عرصه" نظام ترویج می‌باشد و هر کشوری که از یک نظام ترویجی پویا و خاص برخوردار باشد، زمینه‌های مورد عمل و عرصه‌های فعالیت ترویج، به صورتی مشخص، تعیین و تدوین گردیده است. البته این نکته مهم را نیز نباید از نظر دور داشت که محتوای نظام ترویج هرگز حالتی ایستا ندارد، بلکه با توجه به تغییر و تحولاتی که در سیاستها و استراتژیهای توسعه، شرایط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و... صورت می‌گیرد، زمینه‌های مورد عمل در ترویج به شکلی "پویا" دچار تحول می‌گردد.

بررسی سوابق مربوط به محتوا و عرصه‌های برنامه‌های ترویج کشاورزی در ایران و شناخت نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها و فعالیتهایی که تاکنون در این زمینه طرح و اجرا شده است و مطالعه سیر تحولات و تغییراتی که در این خصوص به وقوع پیوسته، یکی از ضروریات مهم در راستای تهیه و تدوین عرصه‌های نظام ترویج کشاورزی در کشور می‌باشد که می‌تواند در طراحی الگوی نظام ترویج ایران مورد استفاده واقع شود. در طول مدت زمانی بالغ بر نیم قرن که از سابقه فعالیت ترویج کشاورزی در ایران می‌گذرد، فراز و نشیبهای فراوانی از نظر برنامه‌ریزی، سازماندهی، اجرا و همچنین زمینه‌های مورد عمل بر این حرکت اصیل عارض گردیده است.

در این مقاله سعی بر این است تا سوابق مربوط به محتوا و عرصه برنامه‌های ترویج کشاورزی در کشور مورد کنکاش قرار گرفته و ضمن بررسی این عرصه‌ها زمینه‌های تأثیرگذار بر این امر نیز مورد توجه واقع شود. بدیهی است که محتوای این مقاله پژوهشی، مرحله‌ای زیرساخت جهت طراحی الگوی نظام ترویج کشاورزی محسوب می‌شود و به همراه سایر طرحهای مطالعاتی در این زمینه، می‌تواند تکمیل‌کننده اطلاعات مورد نیاز در این خصوص باشد. عمده‌ترین روش کسب اطلاعات در این تحقیق، رجوع به منابع اطلاعاتی و کتابخانه‌ای موجود در ذخایر تاریخی، انتشاراتی و استفاده از نظرهای

صاحب نظران و دست‌اندرکاران قدیمی ترویج - که امکان دسترسی به آنها وجود داشت - بوده است.

نظر به اینکه این مقاله سعی دارد با نگاهی جامع، سوابق عرصه‌های فعالیت ترویج در کشور را بررسی کند، لذا جهت سهولت این امر، دوره تاریخی این تحقیق، به سه دوره عمده بشرح زیر تقسیم شده است:

■ دوره اول: بررسی سوابق مربوط به محتوا و عرصه‌های برنامه‌های ترویج کشاورزی در کشور از ابتدا تا سال ۱۳۳۲ (ایجاد تشکیلات رسمی ترویج کشاورزی)

بررسی سوابق و تاریخچه ترویج کشاورزی در کشور، نشان‌دهنده این امر است که تا قبل از تأسیس و راه‌اندازی تشکیلاتی رسمی و متمرکز جهت اداره امور کشاورزی کشور، ترویج کشاورزی در ایران موقعیت اجرایی خاصی نداشته است. یعنی تا سال ۱۲۹۶ (ه.ش) که مصادف با تأسیس "اداره کل فلاح" است، اقدامات مؤثر و مستمری در زمینه ترویج کشاورزی در کشور صورت نمی‌گرفته است. تا قبل از این تاریخ به علت سلطه مناسبات فنودالی و بزرگ‌مالکی بر بخش کشاورزی کشور، شاغلین این بخش دچار یک نوع جهل و فقر علمی و فرهنگی بوده‌اند و افراد با طبقه حاکم بر بخش روستایی کشور، اصولاً به کاربرد شیوه‌های نوین و ابزار و ادوات پیشرفته کشاورزی هیچ‌گونه تمایل و علاقه‌ای از خود نشان نمی‌دادند و حاکمیت خود را صرفاً بر پایه استعمار هر چه بیشتر روستاییان بنا نهاده بودند.

در این مقطع تاریخی، بخش کشاورزی کشور تأمین‌کننده عمده درآمدهای دولتی بوده و اخذ مالیاتهای سنگین از روستاییان و بهره‌کشی حکام دولتی و محلی از کشاورزان، باعث شده بود که شرایط بسیار نامساعد و نامطلوبی به روستاییان تحمیل شود و آنها در یک جو بی‌خبری، ناآگاهی، فقر علمی، مادی و فرهنگی بسر برند. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که در این مقطع تاریخی افرادی آگاه، دلسوز و مصلح - چه از طبقات هیئت حاکمه و چه افرادی خارج از مسئولیتها و مناصب دولتی - تلاشهای فراوانی نمودند تا غبار جهل و بیخبری را از چهره صدیق اقشار زحمتکش روستایی پاک

کنند.

در این مورد می‌توان به فعالیتهای اصلاح‌طلبانه "میرزا تقی خان امیرکبیر"، صدراعظم لایق و کارداران ناصرالدین‌شاه، اشاره نمود که ضمن بهبود نحوه اخذ مالیات از روستاییان، فعالیتهای وسیعی را در جهت ترویج زراعتهای نوین در کشور بعمل آورد. در این زمینه می‌توان به ترویج زراعت پنبه امریکایی، ترویج و توسعه کشت نیشکر با اصول علمی نوین آن زمان، ترویج و توسعه صنایع دستی روستایی و ... اشاره نمود. در زمان صدارت امیرکبیر، اصول علمی نوین در خصوص زراعتهای جدید، در روزنامه‌ای به نام "وقایع اتفاقیه"^۱ چاپ شده و همه روزه در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گرفت. اما این فعالیتهای مترقیانه و اصلاح طلبانه، پس از شهادت وی ناتمام ماند و استمرار پیدا نکرد و مملکت از ثمرات ارزشمند آن محروم ماند. (۲، ص ۲۰)

به غیر از افراد دلسوز و آگاه در سطح مقامات دولتی، افرادی نیز در جامعه بودند که با تلاشهای آگاه‌ساز خود به مبارزه علیه فقر علمی و فرهنگی در روستاهای کشور می‌پرداختند. تدوین و تألیف متون قدیمه کشاورزی که حاوی اطلاعات جالب و مفیدی برای شاغلین بخش کشاورزی بود، از دیگر اقدامات در جهت آگاه‌سازی اقشار روستاییان در این مقطع تاریخی می‌باشد. برای مثال در این زمینه می‌توان به موارد مهم زیر اشاره نمود:

- تألیف کتاب "علم فلاح و زراعت"، اولین کتاب ترویجی در زمینه کشاورزی (سال ۷۰۰ تا ۸۰۰ هجری)
- تألیف کتاب "قواعد پیوند و اعمال آن به طریقه اهل فرنگ"، اولین کتاب ترجمه شده به زبان فارسی در زمینه باغبانی (سال ۸۰۰ تا ۹۰۰ هجری)
- تألیف کتاب "ارشاد الزراعه" توسط فاضل هروی در سال ۹۲۱ هجری (۱، ص ۱۲)

پس از تأسیس اداره کل فلاح در سال ۱۲۹۶ (ه.ش)، تأسیس و راه‌اندازی مراکز آموزش رسمی کشاورزی در کشور آغاز شد و اقدامات نسبتاً دامنه‌داری در زمینه بهبود فعالیتهای تولیدی در بخش کشاورزی از طریق ارائه آموزشهای ترویجی از سوی کارگزاران دولتی به عمل آمد. به این منظور افرادی آموزش دیده با عنوان "مبشرین دهات"

رهسپار روستاها شدند تا اصول نوین علمی در زمینه کشاورزی را به روستاییان آموزش دهند.

این اقدامات در مجموع جهت بهبود بخش کشاورزی و روستایی کشور و به منظور افزایش کمی و کیفی محصولات کشاورزی، بالاخص محصولات کشاورزی که قابل صدور به کشورهای خارجی بودند، صورت می‌گرفت. زیرا که این اقدامات موجب افزایش درآمد دولت می‌گردید. لازم به ذکر است که در آن ایام حدود ۸۰ درصد درآمد دولت از بخش کشاورزی تأمین می‌شد. لذا فعالیتهای ترویج کشاورزی در این مقطع، عمدتاً بر روی محصولات نوین کشاورزی که قابل صدور به کشورهای خارجی بودند تمرکز داشت. این محصولات عبارت بودند از: پنبه، نیشکر، زعفران، پرورش نوغان (کرم ابریشم) و ... البته قسمت عمده این تحول تحت تأثیر گسترش فعالیتهای اقتصادی کشورهای صنعتی، بالاخص کشورهای مغرب زمین قرار داشت و غالباً با فشار سیاسی از جانب آنان صورت می‌گرفت، که در نتیجه این اقدامات، بخش روستایی کشور در شبکه‌ای از بازرگانی داخلی و خارجی ادغام شد و بخش کشاورزی کشور در جهت نظام سرمایه‌داری تغییر پیدا کرد و در روستاها مبادلات پولی اهمیت بیشتری یافته و جای مبادلات کالایی را گرفت. لذا تولید محصولاتی که معامله نقدی را تشویق می‌نمود، توسعه و گسترش پیدا کرد. در اینجا نمونه‌هایی تاریخی در این زمینه مطرح می‌شود:

الف) چارلز عیسوی، نویسنده "تاریخ اقتصادی ایران" در این خصوص، می‌نویسد: "... در تولید گندم و برنج نیز افزایشی رخ داد، زیرا یا به خارج صادر می‌شد یا اینکه برای تأمین نیازمندیهای شهروندان به شهرها فرستاده می‌شد. محصولاتی چون ابریشم، تریاک (خشخاش)، پنبه، تنباکو که معامله نقدی را تشویق می‌نمود، در حال توسعه و گسترش بود. چرا که این محصولات در روستاها تولید شده و در خارج از آنها به فروش می‌رسید." (۸)

وی سپس در ادامه می‌نویسد: "این تحولات سه نتیجه عمده در روستاها داشته است:

۱- نیاز دهقانان و روستاییان به اعتبار (سرمایه) افزایش یافت.

۲- حکومت دولتی و مالکان ترجیح می‌دادند که مالیات و بهره مالکانه را به صورت نقدی از روستاییان دریافت دارند.

۳- سرمایه‌گذاری مستقیم در امر کشت و زرع متداول گردید. (همان منبع)

بنابراین در روستاها تغییراتی ساختاری پدید آمد که عبارت از حرکت به سوی اقتصاد بازار (Market Economy) بود، که نتیجه آن توسعه و ازدیاد "محصولات فروشی" و در نهایت زوال اقتصاد خودکفایی روستاها بود." (همان منبع)

ب) براساس شواهد متعددی که از قرن نوزدهم میلادی موجود است، در زمانی که ایران به صورت یک نیمه مستعمره برای قدرتهای روس و انگلیس درآمد، بخش روستایی کشور عهده دار مسئولیت تازه‌ای شد که آن تولید مواد خام برای کشورهای قدرتمند صنعتی بود.

در این دوران بخش روستایی کشور از راه شبکه‌ای از مناسبات بازرگانی به بازار گسترده‌تر ناحیه‌ای و مملکتی کشانده شد و از آن طریق در نهایت با بازار جهانی پیوند می‌یافت. در طی این دوران تاجران ایرانی و روسی، کاشت پنبه آمریکایی را از راه تأمین بذر و نقدینه به کشاورزان شمال کشور و خراسان تشویق می‌نمودند و همچنین تولید غلات برای صدور به خارج از کشور توسعه می‌یافت...."

ج) سودآوری تولید محصولات معین زراعی، تأثیر مستقیمی بر روی تصمیم‌گیریهای دهقانان در خصوص فعالیتهای زراعی داشته است. به عنوان مثال در سال ۱۸۹۱ در یکی از گزارشهای کنسول انگلیس در مشهد آمده است که اهالی تربت حیدریه به کشت زعفران علاقه زیادی نشان می‌دهند، چون متوجه شده‌اند که عایدی آن بیشتر از پنبه است. نشانه دیگری از واکنش دهقانان نسبت به تقاضای بازار، تولید توتون در گیلان می‌باشد که تولید آن تا سال ۱۸۹۱ رشدی بیش از ده برابر داشته است. (۱۵)

با توجه به الگوی تولیدات کشاورزی در ایران در این مقطع تاریخی، چشمگیرترین تغییر در رشد "محصولات نقدی" صورت گرفت. در این خصوص علاوه بر محصولاتی که به آن اشاره شد، می‌توان به تولید محصولاتی چون زیتون و جای - که درآمد نقدی برای کشاورزان به ارمغان می‌آوردند- نیز توجه نمود. زیرا کشورهای خارجی در

خصوص خرید این نوع محصولات از ایران، فعال بوده‌اند. (همان منبع)

براساس آنچه ذکر شد، نتیجه گرفته می‌شود که در این دوره تاریخی خاص، که بخش کشاورزی کشور برای تأمین درآمدهای دولتی، جایگاه خاصی داشته است، اقدامات دولت در جهت توسعه بخش کشاورزی و ترویج اطلاعات نوین و مهارتهای جدید کشاورزی به این بخش، صرفاً به منظور افزایش درآمدهای ملی صورت می‌گرفت.

با توجه به اهمیت که بخش کشاورزی در زمینه کسب عایدات دولتی داشته است و از طرفی به علت حاکمیت یک نوع فقر، جهل و بی‌خبری بر این بخش، دولت در صدد برآمد تا با تأسیس دستگاههای اجرایی و با تشکیل و راه‌اندازی مدارس کشاورزی، نسبت به توسعه بخش کشاورزی کشور اقدام نماید.

همچنین با تأسیس اداره کل فلاحات، برای اولین بار نشریه‌ای به نام "مجله فلاحات و تجارت" نیز از سوی آن اداره کل منتشر گردید که حاوی اطلاعات مفید و نوینی در خصوص تولید محصولات زراعی، دامی و باغی بوده است. از طرفی ترادف دو کلمه "تجارت" و "فلاحات" که در عنوان اداره کل و ضمناً در عنوان وزارتخانه متبوع (وزارت تجارت، فلاحات و فواید عامه) در آن زمان به چشم می‌خورد، حاکی از نزدیکی فشرده‌ای بین فعالیتهای کشاورزی و فعالیتهای تجاری در مملکت می‌باشد.

مدارس کشاورزی آن زمان نیز عهده‌دار آموزش و تربیت افرادی با عنوان "مبشر دهات" بوده‌اند که این افراد را پس از فارغ‌التحصیل شدن به روستاهای کشور اعزام می‌کردند تا کشاورزان را نسبت به اصول صحیح و نوین کشاورزی آشنا نمایند. مدرسین این مدارس کشاورزی، عمدتاً کارشناسان خارجی یا کارشناسان داخلی فارغ‌التحصیل کشورهای غربی (بالاخص فرانسه) بودند. موضوعات تحصیلی در این مدارس عبارت بودند از: گیاه‌شناسی، زراعت کلیه نباتات مفید، پرورش اشجار مثمر، دامپروری، جوشناسی (هواشناسی)، فیزیک، تغذیه حیوانات، آباد کردن زمین، کود، ماشینهای فلاحتی، پرورش زنبور عسل، تربیت جنگلگاه، ساختن ابنیه دهاتی، سیاق و دفترداری مختصر فلاحتی، نقشه‌برداری، فارسی و شعر، اقتصاد روستایی، قوانین جاریه روستایی.

حساب و هندسه، لینیات (فرآورده‌های شیری) و شناسایی زمین: (۱۰) البته به مرور زمان با توسعه و گسترش مراکز آموزش کشاورزی، موضوعات تحصیلی کشاورزی نیز در جهت تخصصی شدن، گسترش نسبی یافت. پس از زوال حکومت قاجار و روی کار آمدن حکومت پهلوی، در برنامه دولت حکومت رضاخان (اولین کابینه حکومت رضاخان به ریاست مستوفی‌الممالک) توجه و تأکید فراوانی به ترویج کشاورزی و بهبود بخش کشاورزی مبذول گردید. به طوری که در بند ۳ برنامه کابینه مستوفی‌الممالک چنین آمده است: "اهتمام در ترویج و ترقی زراعت و مخصوصاً سعی در تکثیر محصولات قابل صدور از قبیل پنبه و ابریشم و امثال آن و بستن سدها برای آبیاری اراضی قابل زرع".

با تصویب این برنامه در مجلس شورای ملی وقت، فعالیت‌های ترویجی کشاورزی در کشور توان تازه‌ای یافت و اقدامات نسبتاً دامنه‌داری در جهت مبارزه با عقب‌ماندگی‌های فنی در بخش روستایی کشور به عمل آمد. همچنین تشکیلات اجرایی اداره کل فلاح، توسعه و گسترش بیشتری یافت و شعبات خود را در سراسر کشور مستقر نمود.

عرصه فعالیت‌های ترویج کشاورزی که در این دوران توسط اداره کل فلاح و پس از آن اداره کل کشاورزی، تا قبل از تأسیس وزارت کشاورزی (شهریور ۱۳۲۰)، صورت می‌گرفت به قرار زیر بوده است: (۲، ص ۳۱)

۱- اصول صحیح زراعت محصولات کشاورزی، بخصوص محصولات قابل صدور و آموزش روش‌های نوین زراعتی در این مورد.

۲- نوسازی وسایل و ادوات کشاورزی و ترویج ماشینی کردن فلاح
۳- ترویج بذر اصلاح شده محصولات زراعی و نهالهای اصلاح شده درختان مثمر و غیرمثمر

۴- نحوه استفاده صحیح از کود دامی و ترویج کودهای شیمیایی و آموزش نحوه صحیح استفاده از آن

۵- ترویج صنایع دستی و روستایی
۶- تشویق کشاورزان به برپایی نمایشگاه‌های کشاورزی و نمایش محصولات تولیدی

۷- ترویج حفظ، احیا و بهره‌برداری اصولی از منابع طبیعی

۸- انجام فعالیت‌های تحقیقاتی در زمینه اصلاح نژاد دام و طیور توسط اداره کل فلاح و مدرسه عالی فلاح کرج و ترویج نژادهای اصلاح شده در بخش روستایی از طریق بنگاه‌های فلاحی

۹- ترویج و اشاعه اصول صحیح مبارزه علمی و عملی با آفات و بیماری‌های گیاهی و دامی

۱۰- ترویج اصول صحیح پرورش دام و طیور

۱۱- نحوه دایر کردن اراضی بایر و موات

۱۲- تشویق دهقانان به استفاده از کلاسهای اکابر (سوادآموزی)

۱۳- اقدام در لایروبی قنوات و رسیدگی به منابع تأمین آب زراعت در بخش کشاورزی

۱۴- اصلاح منازل و ابنیه دهات

۱۵- تشویق دهقانان به تشریک مساعی و مشارکت و همیاری در زمینه‌های آباد کردن انهار و قنوات و همچنین مبارزه با آفات نباتی و حیوانی و اقدام در زمینه خشک کردن باتلاقها و دایر نمودن اراضی بایر.

دوره دوم: عرصه‌های فعالیت ترویج کشاورزی از سال ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷)، دوران ایجاد تشکیلاتی رسمی و مستقل جهت ترویج کشاورزی

با توجه به تحولات و دگرگونی‌های مطلوب و مثمر ثمری که فعالیتها و اقدامات ترویجی در بخش کشاورزی به جای گذاشت و عملکرد مؤثری که بالاخص از سال ۱۳۰۵ تا سال ۱۳۳۲ در زمینه اصلاح و بهبود روند تولید محصولات کشاورزی و بازسازی بخش کشاورزی از قبل فعالیت‌های ترویجی بروز نمود، بتدریج ایده تشکیل و راه‌اندازی نهادی رسمی و مستقل جهت کانالیزه نمودن و هدایت کلیه فعالیت‌های ترویجی در بخش کشاورزی در اذهان برنامه‌ریزان و سیاستگذاران مملکتی شکل گرفت. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که سازمان‌های بین‌المللی نظیر اداره اصل ۴ (Point 4)، بنیاد خاور نزدیک، سازمان خواربار و کشاورزی، سازمان خواربار جنگی در تقویت این اندیشه و همکاری مؤثر در زمینه

ایجاد و گسترش تشکیلات رسمی ترویج کشاورزی نقش مهم و سازنده‌ای را ایفا نمودند.

در همین ایام ترویج و توسعه کشاورزی به گونه‌ای فعال و پرتحرک درآمد، به نحوی که گسترش ابعاد و تشکیلات آن غیرقابل اجتناب می‌نمود، لذا مقرر گردید دست‌اندرکاران ترویج و سایر افراد علاقمند که به عنوان کارشناس در وزارت کشاورزی مشغول به کار بودند، جهت ارائه مؤثر خدمات ترویجی کارایی لازم را کسب نمایند و این امر با هماهنگی سازمان‌های بین‌المللی و کارشناسان خارجی آن سازمانها، طی موافقت‌نامه‌های متعددی که با وزارت کشاورزی امضا می‌شد، به مرحله اجرا درآمد. (۹، ص ۲۵)

بدین ترتیب از ابتدای سال ۱۳۳۲، کار ترویج با همکاری متخصصان و کارشناسان امریکایی در چارچوب یک سازمان مستقل ارشادی و رسمی با نظارت وزارت کشاورزی شروع شد و به سرعت توسعه پیدا کرد و شامل اکثر روستاهای کشور گردید.

عرصه‌های فعالیت‌های ترویج کشاورزی تا سال ۱۳۳۸ - که تغییرات سازمانی و تشکیلاتی در آن به وقوع پیوست - شامل موارد زیر بود:

۱- ترویج و توسعه استفاده از بذر اصلاح شده نباتی، نهالهای اصلاح شده و واریته‌های مرغوب درختان مثمر و غیرمثمر

۲- ترویج و اشاعه کودهای شیمیایی، سموم شیمیایی دفع آفات نباتی و حیوانی و آموزش نحوه استفاده صحیح از آنها

۳- تهیه، توزیع و تدارک نهاده‌های کشاورزی در بین روستاییان

۴- ترویج و اشاعه ماشین‌آلات و ابزارآلات جدید کشاورزی در روستاها

۵- ترویج و اشاعه نژادهای اصیل و اصلاح شده دام و طیور

۶- انجام عملیات نمایی، آموزشی و تبلیغاتی برای مبارزه علیه آفات مهم نباتات زراعی و درختان میوه

۷- طبع و توزیع نشریات، جزوات و مقاله‌های مفید علمی که در داخل و یا خارج از کشور تهیه شده و حاوی اطلاعات مفیدی در زمینه کشاورزی و علوم مرتبط با آن بوده است. این نشریات توسط اداره نگارش، آموزش و تبلیغات اداره کل ترویج تهیه و در

اختیار علاقمندان قرار می‌گرفت.

۸- نحوه مبارزه علمی و عملی با آفات و بیماریهای دام و طیور و نحوه جلوگیری از بیماریهای دامی

۹- ترویج روشهای علمی و عملی حفظ آب و خاک و آموزش اصول نوین زراعتی که از نهادهای تحقیقاتی اخذ شده بود. عرصه‌های فعالیتهای ترویجی در حوزه منابع طبیعی وزارت کشاورزی نیز شامل موارد زیر بود:

۱- روشهای اصلاح و ازدیاد طبیعی جنگلها
۲- اصول صحیح علمی بهره‌برداری از جنگلها
۳- ازدیاد طبیعی گیاهان مرتعی و روشهای اصلاح مراتع، تطبیق طرح مرتعداری با تعداد دام در هر منطقه (۱۱)

در سال ۱۳۳۸ به دنبال گسترش فعالیتهای ترویجی، اداره کل ترویج کشاورزی به سازمان ترویج کشاورزی تبدیل گردید و در سال ۱۳۴۰ تشکیلات اداری آن وسیعتر و در تقسیمات داخلی آن نیز تغییراتی بوجود آمد.

عرصه‌های فعالیت در زمینه‌های کشاورزی (زراعت، دامپروری و باغبانی) عمدتاً همان مواردی بود که به آن اشاره شد. ضمن اینکه این فعالیتها بتدریج در اکثر نقاط روستایی کشور گسترش می‌یافت.

از سال ۱۳۴۰ به بعد ترویج خانه‌داری به فعالیتهای ترویجی افزوده شد. در این عرصه موارد زیر مورد توجه قرار می‌گرفت:

۱- بهداشت خانه و محل زندگی و نحوه نظافت منازل و محیط زندگی

۲- اقتصاد خانه

۳- تغذیه اصولی و بهداشتی و ذخیره خواربار (ذخیره سبزیجات، میوه و سایر مواد خوراکی)

۴- آموزش خیاطی

۵- نحوه سمپاشی محل زندگی، درختان میوه و غیرمثمر و ...

۶- آموزش آشپزی برخی غذاها، مرباجات، ترشیجات و انواع خوراکیها

۷- تغذیه و بهداشت نوزاد و نحوه صحیح و اصولی مراقبت از نوزاد

۸- تنظیم خانواده

۹- مدیریت مزرعه و خانه

۱۰- سبزیکاری در منازل

۱۱- مرغداری، دامپروری و تهیه لبنیات

۱۲- پرستاری در خانه و کمکهای اولیه

۱۳- فلسفه ترویج و روشهای آن، علم‌الاجتماع، تعلیمات فرهنگی و مذهبی. (۲، ص ۶۵)

در سال ۱۳۴۶، وظایف مشخص و تعیین شده‌ای برای سازمان ترویج کشاورزی در نظر گرفته شد. این وظایف در زمینه آموزش و تعلیم اصول و مبانی نوین کشاورزی، شامل موارد ذیل بود:

۱- آموزش کشاورزان و دامپروران به وسیله مروجان کشاورزی و سپاهیان ترویج و آبادانی

۲- آموزش کشاورزی سربازان زراعت پیشه در پادگانهای نظامی کشور

۳- آموزش کشاورزی و دامپروری نوین جوانان روستایی به منظور پرورش استعدادها و تأمین کشاورز ماهر از طریق تشکیل باشگاههای جوانان روستایی

۴- تربیت تکنسین و کارگر ماهر کشاورزی

۵- تهیه، چاپ و انتشار نشریات ترویجی

۶- اجرای برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی روستا به منظور آموزش کشاورزان و کلیه علاقمندان

۷- اجرای طرحهای افزایش تولید محصول گندم، دانه‌های روغنی، علوفه، موکاری و سبب زمینی

۸- اجرای طرحهای دهات نمونه به منظور تلفیق و هماهنگ نمودن کلیه خدمات کارشناسی، فنی و اجرایی سازمانهای مختلف وزارت کشاورزی و منابع طبیعی

۹- تشکیل نمایشگاههای کشاورزی به منظور شناساندن پیشرفتهای کشاورزی، دامپروری، ترویج و تعلیم بذور اصلاح شده محصولات

زراعتی، نژادهای اصیل دام و طیور، ماشین‌آلات و صنایع کشاورزی، سموم و مواد شیمیایی دفع آفات نباتی و حیوانی و حشره‌کشها

۱۰- آموزش و تجهیز کادر فنی و اداری سازمان ترویج در رشته‌های مربوطه به منظور افزایش کارایی افراد در جهت اجرای آن برنامه‌ها و همچنین آموزش قبل از خدمت کلیه کارکنان به منظور آماده نمودن آنها برای انجام مطلوب وظایف و مسئولیتهای محوله (۹، ص ۷۷)

بررسی سوابق و تاریخچه ترویج کشاورزی در ایران نشان می‌دهد که در مقطع زمانی (۱۳۳۲-۱۳۴۱) در اثر فعالیتهای ترویجی، تحولی بسیار مثبت در روستاها و بخش کشاورزی کشور صورت گرفت.

در پایان سال ۱۳۴۰ تعداد مروجان کشاورزی به بیش از ۲ هزار نفر رسیده که طی این ده سال متحصراً به وظایف و مسئولیتهای آموزشی خود عمل می‌کردند و از طرف نهادها و مراکز تحقیقاتی نیز به خوبی حمایت و پشتیبانی می‌شدند. لذا قسمت عمده تغییرات و پیشرفتهایی که در بخش کشاورزی و در زمینه‌های توسعه باغهای میوه، سبزیکاری، مبارزه با آفات و بیماریهای گیاهی، استفاده از ارقام اصلاح شده بذور محصولات زراعتی، استفاده از کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی، توسعه دامداریها و مرغداریها، کشت غلات و علوفه، توسعه مکانیزاسیون کشاورزی و ... حاصل گردید، مرسوم فعالیت‌های مروجان کشاورزی و کارشناسانی است که در طی آن سالها در روستاهای مملکت مقیم بوده و به آموزش کشاورزی مبادرت داشته‌اند. (۱، ص ۲۶)

ولی متأسفانه آغاز اصلاحات ارضی در کشور و درگیر شدن پرسنل و امکانات سازمان ترویج در امور اجرایی اصلاحات ارضی، نهاد ترویج را از اهداف و رسالت اصلی خود دور کرد و آن را به انحراف کشاند و ضایعاتی که در این خصوص به ترویج کشاورزی کشور تحمیل شد، حتی تا سالهای متمادی پس از انقلاب اسلامی ایران نیز کاملاً ترمیم و برطرف نگردید.

بنابراین، مقطع زمانی "۱۳۴۱-۱۳۵۷" سالهای ناگواری برای نهاد ترویج و فعالیتهای ترویجی در ایران محسوب می‌شود. عمده تحولات این دوره عبارت بودند از:

۱- شروع اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ و محول نمودن امور اجرایی آن به سازمان ترویج

۲- تشکیل سپاه ترویج و آبادانی و سپاه بهداشت در سال ۱۳۴۳

۳- واگذاری طرحهای افزایش تولید به سازمان ترویج در سال ۱۳۵۲

۴- انتزاع اداره ترویج خانه‌داری از سازمان ترویج و الحاق آن به وزارت آبادانی و مسکن در سال ۱۳۴۶

لذا این دوره تاریخی را می‌توان دوره "آغاز فعالیتهای غیرترویجی" سازمان ترویج نام نهاد. (۲، ص ۵۱)

■ شروع طرحهای افزایش تولید

طرحهای افزایش تولید در سال

۱۳۴۳، ابتدا در زمینه افزایش تولیدات برنج در استانهای گیلان و مازندران و در سطح ۳۰ هزار هکتار از شالیزارهای استانهای فوق مورد تصویب قرار گرفت و با استفاده از اعتبارات مالی سال ۱۳۴۶، مقدمات اجرای آن فراهم و عملاً از سال ۱۳۴۷ به مرحله اجرا درآمد.

طرحهای افزایش تولید گندم، علوفه، حبوبات و نظایر آن درسالهای بعد آغاز و از سال ۱۳۵۲ به بعد، کلیه این طرحها به سازمان ترویج کشاورزی واگذار گردید. (۱، ص ۲۵) منظور از طرحهای افزایش تولید "تلفیق فن، اعتبار و نهادهای کشاورزی" بود. بدین معنا که ارائه دانش و فنون نوین مربوط به تولید محصولات کشاورزی به همراه نهادهای مورد نیاز (بذر، کود، سم و ...) و تأمین وام برای کشاورزان، برنامه‌های بود که جهت افزایش تولید محصولات کشاورزی طراحی گردید و اجرای آن به سازمان ترویج کشاورزی واگذار شد.

فعالتهای مربوط به اجرای طرحهای افزایش تولید که عملیات اجرایی آن درسال ۱۳۵۲ به بعد به کارکنان سازمان ترویج محول گردید، پیامدهای منفی برای نهاد ترویج کشاورزی کشور به دنبال داشت. زیرا در عمل عمده فعالیت کارکنان ترویج و انرژی نیروی انسانی آن سازمان، صرف فعالتهای غیرترویجی نظیر تهیه و تدارک نهادهای کشاورزی، تأمین وام و وصول آن از کشاورزان، نگهداری حسابها، انبارداری، حمل و توزیع نهادهای کشاورزی و ... می‌گردید. (همان منبع، ص ۳۱)

پیامدهای منفی ناشی از احاله وظایف و مسئولیتهای غیرترویجی به پرسنل سازمان ترویج و درگیر شدن این سازمان به فعالیتهای اموری که از اهداف و رسالت راستین مکتب ترویج کشاورزی فاصله زیادی داشت، بتدریج باعث گردید که مسئولین و برنامه‌ریزان مملکتی از امور آموزش کشاورزی و برنامه‌های ترویجی که نتایج آن در درازمدت آشکار می‌شود، غافل مانده و امور اجرایی زودبازده و به ظاهر محسوس و ملموس را به سازمان ترویج محول نمایند.

درگیر شدن منابع انسانی و مادی سازمان ترویج در امور غیرترویجی مانند اصلاحات ارضی، طرحهای افزایش تولید، امور خدماتی غیرترویجی و فعالیتهای اجرایی غیرمرتبط با اهداف اصلی ترویج باعث تغییر ذهنیت برنامه‌ریزان و مسئولان مملکتی در

زمینه ترویج گردید، به طوری که در این مقطع زمانی (۱۳۴۱-۱۳۵۷) و حتی سالهای پس از آن، انتظار مردم و مسئولین از ترویج همان امور تأمین و تدارک و توزیع نهادهای کشاورزی و انجام خدمات جنبی و تأمین نیازمندیهای روستاییان در این خصوص شناخته شد و کمتر کسی از ترویج توقع و انتظار ارائه و احیای برنامه‌های آموزشی، ارشادی به معنای واقعی را داشت. لذا کشاورزان و روستاییان نیز چنین برداشتی از ترویج را در ذهن خود جای داده و مروج کشاورزی را در چهره و سیمای یک مأمور اجرایی دولتی می‌دیدند نه به صورت یک نفر آموزشگر و ارشاد کننده.

چنان که در اواخر این مقطع زمانی بخصوص طی سالهای ۱۳۵۳ به بعد، سازمان ترویج به حدی از وظایف و اهداف اصلی خود دور شده بود که به جای اینکه این نهاد تمام هم و غم خود را مصروف آموزش کشاورزان و توسعه سطح فکر و زندگی روستاییان نماید، به امور بازرگانی، خدماتی و اجرایی روی آورد که نیاز چندانی به تخصصهای کشاورزی نداشت.

پیامدهای منفی ناشی از احاله فعالیتهای غیرمرتبط با اهداف ترویج کشاورزی به سازمان ترویج، حتی تا سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیتهای نسبتاً دامنه‌داری از سوی افراد آگاه صورت گرفت تا آثار باقیمانده از این پیامدهای منفی برطرف گردد.

در یک جمع‌بندی کلی از فعالیتهای سازمان ترویج در این مقطع زمانی، عرصه‌ها و محتوای فعالیتهای ترویجی در این دوره را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

- انجام امور اجرایی اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی مزروعی بین کشاورزان
- احداث مزارع ترویج بذور اصلاح شده محصولات زراعی
- احداث مزارع ترویج کودهای شیمیایی
- مبارزه با آفات مزارع و ضدعفونی نمودن بذور قبل از کاشت (به صورت نمایی)
- احداث باغهای آموزشی جدید با رعایت نکات فنی و اصلاح باغهای قدیمی
- احداث قلمستان و خزانه درختان مثمر
- ضدعفونی نمودن مرغاریها و دامداریها
- اصلاح اصطبل و مرغاریهای بهداشتی
- مبارزه با طاعون گاوی

- مبارزه با کرم خاردار پنبه
- مبارزه با کرم ساقه خوار برنج
- تعویض کندوهای قدیمی پرورش زنبور
- عمل و ترویج کندوهای جدید
- خرید گندم مازاد کشاورزان
- توزیع جو و خوراک دام
- توزیع بذر و نهال میان کشاورزان و باغداران
- تأمین وام و اعتبارات لازم جهت اجرای طرحهای افزایش تولید به وسیله کشاورزان
- شروع طرحهای افزایش تولید (سال ۱۳۴۶)
- وصول مطالبات از کشاورزان و نگهداری حسابها
- توزیع نهادهای کشاورزی از قبیل بذر، کود شیمیایی، سموم دفع آفات و ... بین کشاورزان
- انبارداری نهادهای کشاورزی، ابزار و ادوات و وسایل و ... (۱، ص ۲۸)

دوره سوم: بررسی سوابق مربوط به محتوا و عرصه‌های برنامه‌های ترویج کشاورزی در کشور از سال ۱۳۵۷ تاکنون

همان گونه که در قسمتهای قبل ذکر گردید، طی سالهای "۱۳۴۱-۱۳۵۷" و بالاخص در اواخر این دوره زمانی، بر اثر احاله وظایف و مسئولیتهای اجرایی غیرمرتبط با اهداف و رسالت اصلی ترویج، انحرافی در اصول اساسی این نهاد پیش آمد که طی آن ترویج کشاورزی کشور از رسالت اصیل و راستین خود فاصله گرفت. در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران ترویج کشاورزی یک الگوی وارداتی تسلیقی گردید که ره‌آورد کشورهای غربی، بخصوص ایالات متحده آمریکا، محسوب می‌شد و همچنین به دلیل احاله امور خدماتی و اجرایی به آن، ترویج کشاورزی کشور ابتدا مورد بی‌مهری مسئولین و برنامه‌ریزان مملکتی قرار گرفت و حتی رشته تحصیلی آن از میان رشته‌های دانشگاهی حذف گردید. اما این امر دوام چندانی نیاورد و پس از مدت کوتاهی، مسئولان و سیاستگذاران کشاورزی کشور به اهمیت و جایگاه واقعی ترویج در روند رشد و توسعه کشاورزی واقف گردیده و ترویج را حرکتی اصیل و ریشه‌دار در فرهنگ ملی و اسلامی معرفی نمودند که باید مورد بازنگری و بازسازی قرار گیرد.

در این مقطع زمانی، تلاشهای فراوانی از سوی صاحبزنان و دست‌اندرکاران مربوطه به عمل آمد تا ترویج را به مسیر اصلی

خود هدایت نموده و آن را به جایگاه بااهمیت، حساس و باارزش آن نزدیک نمایند. این مقطع زمانی شامل سه دوره به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- سال ۱۳۵۷-۱۳۶۲ (دوره رکود و وقفه نسبی بر فعالیتهای ترویج کشاورزی)
- ۲- سال ۱۳۶۲-۱۳۶۸ (دوره تجدید حیات و بازسازی ترویج کشاورزی در کشور)
- ۳- سال ۱۳۶۸ تاکنون (دوره توسعه و گسترش فعالیتهای ترویجی)

■ فعالیتهای سازمان ترویج کشاورزی در دوره رکود فعالیتهای ترویجی (۱۳۵۷-۱۳۶۲) عبارت بود از:

- تشکیل کلاسهای کوتاه مدت در زمینه‌های باغبانی، حفظ نباتات، دامپزشکی و دامپروری
- بازدید از مزارع و منازل کشاورزان و ارائه راهنماییهای فنی انفرادی
- اجرای نمایشهای طریقه‌ای و نتیجه‌ای
- ترویج نحوه و اکسیناسیون دام و طیور
- چاپ و توزیع نشریات ترویجی
- نمایش فیلمهای آموزشی
- راهنمایی کشاورزان
- تشکیل کلاسهای ترویجی
- انجام فعالیتهای خدماتی
- قبول مسئولیت در مراکز خدمات کشاورزی
- توزیع لوازم ساختمانی
- کرایه ماشین‌آلات کشاورزی
- تهیه، تدارک و توزیع نهاده‌های کشاورزی
- وصول مطالبات و نگهداری حسابها و انبارداری

از سال ۱۳۶۲ به بعد که از آن می‌توان به عنوان دوران "تجدید حیات ترویج و آموزش کشاورزی" و هدایت به مسیر اصلی یاد کرد، بسیاری از افراد متخصص، آگاه و مستعد - اعم از اساتید دانشگاهها، صاحبانظران، کارشناسان و مروجان علاقه‌مند به توسعه کشاورزی - اقدامات مؤثری را در جهت بازنگری فعالیتهای ترویجی و احراز جایگاه بااهمیت آن در روند توسعه کشاورزی به عمل آوردند. در این مقطع زمانی رشته تخصصی ترویج و آموزش کشاورزی مجدداً در دانشگاههای کشور راهاندازی شد و مقاطع تحصیلی بالاتری را نیز به خود اختصاص داد. همچنین برگزاری سمینارهای علمی ترویج کشاورزی در کشور، زمینه‌های ارتقای سطح علمی این رشته را فراهم آورد و بر اثر این اقدامات و اقدامات مشابه دیگر و نیز حمایت

مستولان طراز اول مملکتی از این حرکت، ترویج کشاورزی نسبت به گذشته، جایگاه و اهمیت والاتری را به خود اختصاص داد، به طوری که هم اکنون از آن به عنوان "زیربنای توسعه کشاورزی" یاد می‌شود.

فعالیتهای سازمان ترویج در مقطع زمانی ۱۳۶۲-۱۳۷۰ نیز به طور فهرست وار، به شرح زیر بوده است:

- ایجاد مراکز خدمات با شاخه ترویج
- شروع اجرای برنامه پنجساله توسعه و آغاز برنامه پنجساله ترویج کشاورزی
- اجرای طرحهای جامع ترویج کشاورزی
- اجرای طرحهای تحقیقی - ترویجی
- اجرای طرح محوری گندم
- انتخاب کارشناس، مروج و کشاورز نمونه در محصولات گوناگون

- برگزاری سالیانه هفته ترویج کشاورزی (که از سال ۱۳۷۲ به هفته کشاورزی تبدیل شد)

- تخصصی نمودن فعالیتهای کشاورزان
- همکاری در اجرای برنامه شبکه روستایی
- سیمای جمهوری اسلامی ایران
- تهیه و انتشار نشریه‌ها، جزوه‌ها، پوسترها و اسلایدهای آموزشی
- برگزاری سلسله سمینارهای علمی ترویج کشاورزی
- اجرای طرحهای ارزشیابی
- برگزاری روز مزرعه
- تأسیس دفتر همکاری مشترک سازمان

ترویج با گروه ترویج کشاورزی دانشگاه تهران - ایجاد نمایشگاههای کشاورزی

- آموزش جوانان روستایی
- آموزش زنان روستایی
- طرح انتخاب مددکاران ترویجی از میان کشاورزان

از ویژگیهای مهم این مقطع زمانی، که تحول اساسی در عرصه‌ها و زمینه‌های فعالیت ترویج کشاورزی را به دنبال داشت، تفکیک وظایف بین وزارتخانه‌های کشاورزی و جهاد سازندگی بود که در سال ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و طبق آن امور دام، منابع طبیعی، شیلات و آبزیان به وزارت جهاد سازندگی محول شد و بقیه امور مربوط به کشاورزی چون امور زراعی، باغبانی، آفات و بیماریهای گیاهی و ... به وزارت کشاورزی

احاله گردید. این تحول باعث شد تا عرصه‌ها و محتوای فعالیتهای نهادهای ترویج در هر دو وزارتخانه فوق در قالبهای معینی ریخته شود

و از آن تاریخ به بعد سازمان ترویج کشاورزی در عرصه‌های امور زراعی، باغبانی، آفات بیماریهای گیاهی، ماشین‌آلات کشاورزی (مکانیزاسیون کشاورزی) و سایر امور مربوطه فعال بوده است.

در وزارت جهاد سازندگی نیز علاوه بر فعالیتهای فوق، "معاونت ترویج و مشارکت مردمی" به فعالیتهایی در زمینه‌های عمران روستایی، صنایع دستی و روستایی و آموزش زنان روستایی مبادرت داشته است.

عرصه‌ها و زمینه‌های فعالیتهای سازمان ترویج کشاورزی از سال ۱۳۵۷ تاکنون - در دو مقطع زمانی قبل از تفکیک وظایف با وزارت جهاد سازندگی و بعد از آن - در جدول شماره (۲) آورده شده است.

■ عرصه‌های فعالیتهای ترویج در سازمانهای بین‌المللی مأمور در ایران

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بخصوص در مقطع زمانی "۱۳۲۰-۱۳۵۷"، سازمانهای بین‌المللی متعددی در زمینه‌های ترویج و توسعه روستایی در ایران فعال بوده‌اند. در اینجا بدون اینکه در خصوص موفقیت یا عدم موفقیت این سازمانها در زمینه توسعه روستایی در ایران قضاوتی صورت گیرد، صرفاً به بیان عرصه‌ها و محتوای آموزشی و اجرایی آنها اکتفا می‌شود:

● الف - بنیاد خاور نزدیک

بنیاد خاور نزدیک از جمله مؤسسات امریکایی بود که در نقاطی از جهان به فعالیتهای عمرانی اشتغال داشت. تاریخچه فعالیتهای بنیاد خاور نزدیک در ایران به سال ۱۳۲۵ (ه.ش.) باز می‌گردد. این بنیاد بعد از ورود به ایران، فعالیتهای خود را در منطقه ورامین متمرکز نموده و امور ترویجی خود را در زمینه:

- ۱- انتقال اطلاعات و تکنولوژی نوین به مناطق و جوامع روستایی
 - ۲- سازماندهی کشاورزان در قالب تعاونی و عمران و رساندن نهاده‌های کشاورزی مورد نیاز به آنها دنبال نمود.
- روش به کار گرفته شده توسط بنیاد خاور نزدیک در ایران راه، می‌توان یک ترویج چند منظوره (Multy Purpose) دانست که در ابتدا با رهیافت آموزش و دیدار (Training and Visiting) همراه بود، اما با توسعه نهضت

تعاونی به "امداد اجتماعی" (Social Facilitating) سوق داده شد.

برنامه‌های بنیاد خاور نزدیک در منطقه روستایی مامازن ورامین عبارت بودند از:

- ۱- احداث مزارع نمونه
- ۲- تأسیس کلاسهای شبانه سوادآموزی برای سالمندان
- ۳- اجرای برنامه‌های ترویج کشاورزی
- ۴- اجرای برنامه‌های بهداشت روستا
- ۵- تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی
- ۶- ایجاد مرغداریهای نمونه
- ۷- تهیه آب آشامیدنی بهداشتی
- ۸- تأسیس و راه‌اندازی مرکز آموزش کشاورزی
- ۹- تأسیس و راه‌اندازی آموزشگاه بهداشت
- ۱۰- برنامه‌های خانه داری و تدبیر منزل
- ۱۱- تأسیس مدرسه تربیت معلم روستایی دختران
- ۱۲- اجرای برنامه‌های ساختمانی روستایی (احداث خانه‌های روستایی با روشهای اصولی) (۶)

● سایر فعالیتهای بنیاد خاور نزدیک

- از دیگر فعالیتهای بنیاد می‌توان موارد زیر را برشمرد:
- احداث خانه‌های ارزان قیمت بهداشتی در روستاها
 - احداث مستراحهای بهداشتی
 - ضدعفونی و بهداشتی نمودن محیط روستا (منازل، اصطبلها و ...)
 - دور نمودن حیوانات اهلی از محل سکونت روستاییان و احداث اصطبلهای بهداشتی
 - ترویج و اشاعه نژادهای پربازده دام و طیور (۶)
- در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت فعالیتهای بنیاد خاور نزدیک در ایران، تشکلی از اجزای زیر بوده است:
- انتقال تکنولوژی + امکان دسترسی به نهاده‌ها + عمران اجتماعی در قالب تشکیل تعاونیها + عمران روستایی + توسعه بهداشت (۵)

● ب - اداره اصل ۴ (Point 4) یا اداره همکاریهای فنی آمریکا

اصل ۴ یا برنامه همکاریهای تکنیکی ایالات متحده آمریکا با دیگر کشورهای جهان، عنوان طرحی بود که هری ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۴۹ میلادی به

کنگره آمریکا پیشنهاد نمود. به موجب این طرح، گروههای صلح و خدمات فنی آمریکایی به کشورهای مختلف جهان اعزام می‌گردیدند. ایران اولین کشوری بود که موافقتنامه مربوطه را در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ میلادی (۱۳۲۹ ه.ش.) با آمریکا امضا نمود. در فعالیتهای و برنامه‌های اصل ۴، توجهی خاص به بهبود وضعیت روستاهای ایران مبذول گردید و دولتهای ایران و آمریکا برای حصول اطمینان در این خصوص و رسیدگی لازم به مسائل کشاورزان و روستاییان در زمینه‌های کشاورزی، بهداشت و فرهنگ، کمیسیون مشترکی را جهت بهبود امور روستایی ایران تشکیل دادند. وظیفه این کمیسیون کمک به توسعه و تطبیق روشها و برنامه‌های بهبود امور روستایی ایران بوده است.

● برنامه‌های اداره همکاریهای فنی آمریکا در ایران

- ۱- ارائه کمکهای مالی و فنی به توسعه برنامه‌های آموزشی دانشکده کشاورزی کرج
- ۲- کمک به وزارت کشور برای انجام اولین سرشماری کشاورزی در ایران
- ۳- ارائه کمک جهت پیشرفت و بهبود زراعت چغندرند
- ۴- بهبود نژاد دام و طیور در ایران
- ۵- کارورزی و نمایش به منظور ترویج روشهای نوین در عملیات کشاورزی
- ۶- طرح راهنمایی، خرید و توزیع بذر غلات و بهبود زراعت غلات
- ۷- اصلاح و بهبود زراعت پنبه
- ۸- کارورزی و نمایش در زمینه روشهای نوین تولید بذر و سبزیجات
- ۹- اصلاح محصولات علوفه‌ای و احیای چراگاهها (اصلاح مراتع)
- ۱۰- اصلاح آبیاری مزارع و سایر امورات مربوط به آبیاری
- ۱۱- کارورزی و نمایش در خصوص دفع آفات، بخصوص آفات عمومی نظیر ملخ
- ۱۲- ایجاد شرکتهای تعاونی ماشین‌آلات کشاورزی
- ۱۳- ایجاد مراکز کارورزی جهت استفاده صحیح از ماشینهای کشاورزی
- ۱۴- کارورزی و نمایش ایجاد جنگل، بهبود زمین و نگهداری رطوبت و همچنین کمک فنی به توسعه انواع کوره‌های ذغالهای جنگل و آموزش جنگلبانی صحیح

● تأثیر نگرشهای نوین به محتوای نظام ترویج

محتوا و عرصه فعالیتها و برنامه‌های ترویج کشاورزی هرگز حالتی "ایستا" ندارد، بلکه بر اثر پیشرفتهای علمی و تکنولوژیک که در نتیجه فعالیتهای تحقیقاتی پدید می‌آید و همچنین بر اثر تغییر و تحول در استراتژیهای توسعه و شرایط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، زمینه‌های مورد عمل در ترویج کشاورزی نیز دچار تحول می‌شود. بنابراین عرصه‌های نظام ترویج و محتوای آموزشی این نظام در حالتی دینامیک و پویا، در روندی تکامل گونه دچار تحول و دگرگونی می‌شود.

این تحول و دگرگونی گاه در نظریه‌پردازیهای جدیدی که پیرامون استراتژیهای نوین توسعه از سوی صاحب‌نظران ابراز می‌شود، متجلی است و این امر خواه ناخواه بایه‌های جدید را بر روی زمینه‌های مورد عمل در ترویج، خواهد گشود.

از طرفی "توسعه" پدیده‌ای است پویا که به صورتی تنگاتنگ با عواملی که منجر به تغییرات و تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و ... می‌شوند، در ارتباط است. کلیه جوامع در حال تغییر می‌باشند و ترویج سعی دارد تا تحولات مثبت و نوین را به نحوی مؤثر و مطلوب به مجامع روستایی منتقل نماید.

ارائه نظریه‌های نوین در زمینه استراتژیهای توسعه مناطق روستایی که در سالهای اخیر توسط سازمانهای بین‌المللی (بالاخص سازمان F.A.O) مطرح می‌شود، نگرشهای نوینی را در خصوص اهداف و وظایف نهاد ترویج مطرح می‌نماید که این امر، بدون تردید، تأثیر بسزایی را بر محتوا و عرصه‌های نظام ترویج از خود به جای خواهد گذاشت.

از مهمترین نظریات جدید می‌توان به "توسعه پایدار کشاورزی" (Sustainable development in agriculture) و توسعه جامع روستایی (Integrated rural development) یا IRD اشاره کرد.

در توسعه پایدار کشاورزی، این امر مورد تأکید است که بخش کشاورزی ضمن داشتن کارایی لازم جهت پاسخگویی به نیازهای روزافزون و رو به تزاید جمعیت به مواد غذایی، صدماتی به محیط زیست و منابع طبیعی وارد نیارد و آن را برای استفاده

نسلهای آینده سالم نگه دارد. نهضت کشاورزی با ملاحظات محیط زیست، حرکت جوانی است که در جهت دگرگون سازی کشاورزی متکی بر مواد شیمیایی و تکنولوژی نامناسب (chemo - Technical- Agri) به وجود آمده است و بر آن تأکید دارد که فعالیتهای کشاورزی به گونه‌ای سازماندهی شود که به محیط زیست صدمه‌ای وارد نیاید و در جریان تولید از فرایندهای طبیعی بیولوژیک حداکثر بهره گرفته شود.

به نظر صاحب‌نظران، نظام کشاورزی پایدار، نظامی است که از لحاظ زیست محیطی، بی خطر، از نظر اقتصادی کارا و از دیدگاه انسانی و اخلاقی، شایسته جامعه بشری باشد.

پایداری، باید محتوا و عرصه خاصی برای فعالیتها و برنامه‌های ترویجی در نظر گرفته شود که پرداختن به آن از حوصله این مقاله خارج است و باید طی مقاله جداگانه‌ای به آن پرداخته شود.

توسعه جامع روستایی (IRD) از دیگر راهبردهای جدید است که از سوی سازمانهای بین‌المللی جهت توسعه مناطق روستایی معرفی شده است. اهم مطالب مورد نظر در این نظریه عبارتند از:

- توسعه جامع روستایی شامل معرفی عقاید جدید در یک سیستم اجتماعی به منظور ارتقای سطح سازمان اجتماع و بین‌انگداری امکانات لازم برای توسعه اجتماعی، اقتصادی است.

- توسعه جامع روستایی خواستار تبدیل یک جامعه سنتی یا نیمه سنتی به گونه‌ای است که بتواند از تکنولوژی و سازمانهایی که در ارتباط با تکنولوژی هستند استفاده نموده و ارتقا یابد.

- توسعه جامع روستایی یک نوع تجربه آموزشی است که مردم هوشیارانه و با هدف ارتقای محیط زندگی و اطراف خود انجام می‌دهند. بنابراین با توجه به قابلیت‌های مردم شروع و ادامه پیدا می‌کند و در نهایت منجر به رشد جامعه خواهد شد.

- توسعه جامع روستای پدیده‌ای ماورای توسعه کشاورزی است و در ارتباط با مسائل اجتماعی، آموزشی، محیطی و ... در مناطق روستایی عمل می‌کند.

اگر چنانچه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشاورزی کشور قصد داشته باشند تا استراتژیهای نوین مانند کشاورزی

پایدار و توسعه جامع روستایی را در کشور پیاده کنند، در وهله اول باید نهادهای ترویج، آموزش و تحقیقات را در این جهت تجهیز و هدایت نمایند. مسلم است که در این جهت، برنامه‌های اجرایی صرفاً محدود به کشاورزی نخواهد بود، بلکه امور دیگری نظیر حفاظت از محیط زیست و سالم سازی آن، حفاظت از منابع طبیعی، عمران روستایی، مدیریت خانه و خانواده، مرتفع نمودن نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستاییان و ... مدنظر و توجه می‌باشد و در این جریان نهاد ترویج مسئولیت و رسالت خطیری را بر عهده خواهد داشت تا از طریق برنامه‌هایی مناسب و مؤثر، اقدام به آموزش و ارشاد کشاورزان و روستاییان نماید.

نتیجه گیری

ترویج مکتبی آموزشی است که رسالت اصلی آن انتقال، اشاعه و تنفیذ نوآوریهای علمی و تکنولوژیک در جوامع روستایی است. این مکتب می‌تواند در خدمت اشاعه بسیاری از زمینه‌های ذی‌مدخل در فرایند توسعه قرار گیرد.

حیطه‌های عمل مکتب و نظام ترویج، عرصه‌ها، زمینه‌های عملیاتی و محتوای آموزشی برنامه‌ها و فعالیتهای ترویجی را مشخص می‌سازد و در حقیقت تعیین چارچوبی است که در نهاد ترویج باید در آن محدوده به فعالیتهای نشر و اشاعه مبادرت ورزد.

محتوای نظام ترویج در حالی پویا همواره در معرض تحول و دگرگونی قرار دارد. ولی همان گونه که در متن مقاله آمده است، امروزه ترویج به عنوان مکتبی برای کمک در حل مسائل و انتشار اصول نوین کشاورزی اشتهار یافته است و در حال حاضر در اکثر کشورهای جهان در زمینه‌های مرتبط با امور کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اما با توسعه اصول نوین کشاورزی و به تبع آن، افزایش میزان عملکرد تولید محصولات کشاورزی، ضرورت‌هایی برای تحول در سایر جنبه‌های زندگی روستایی نیز پدیدار گردیده است. این جنبه‌ها ضرورتاً حیطه عمل ترویج را به مسائل و موارد اقتصادی، اجتماعی، عمرانی و فرهنگی گسترش داده است. امر مسلم این است که زندگی روستایی صرفاً منحصر به جنبه‌های تولیدی نیست. مستعد شدن روستاییان برای

تولید بیشتر و بهتر، مستلزم آگاهی در جنبه‌های متنوعی از زندگی و اشتغال در روستاست.

بنابراین روستاییان به منظور ارتقای سطح زندگی و به تبع آن تولید بیشتر و بالاتر در فعالیتهای کشاورزی باید از آگاهی و دانش لازم در زمینه‌هایی متنوع و گوناگون برخوردار باشند.

لذا محتوا و عرصه فعالیتها و برنامه‌های ترویج، به هیچ‌وجه حالتی "ایستا" ندارد، بلکه مفهومی پویا و دینامیک است که در اثر پیشرفتهای علمی و تکنولوژیک، که در نتیجه فعالیتهای تحقیقاتی پدید می‌آید و همچنین بر اثر تحول در استراتژیهای توسعه و شرایط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، دچار دگرگونی و تغییر می‌شود و روندی تکامل‌گونه را طی می‌کند.

این تحول و دگرگونی تکامل‌گونه، گاه در نظریه‌پردازیهای جدیدی که پیرامون استراتژیهای نوین توسعه از سوی صاحب‌نظران ابراز می‌شود، متجلی است و این امر خواه ناخواه بابه‌ای جدیدی را بر روی حیطه‌های عملی در نظام ترویج خواهد گشود.

از طرفی توسعه پدیده‌ای پویاست و با عواملی که باعث تغییرات و تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و ... می‌شوند به گونه‌ای تنگاتنگ و فشرده در ارتباط است. کلیه جوامع در حال تغییر و تحول بوده و ترویج نیز باید سعی کند تا تحولات مثبت و نوین را به نحوی مؤثر و مطلوب به مجامع روستایی منتقل نماید.

منابع و مأخذ

- ۱- ایروانی، هوشنگ. "تاریخچه ترویج و آموزش کشاورزی در ایران"، نشر مشهد، ۱۳۷۱.
- ۲- امیرانی، محمدهادی. "بررسی وضعیت و عملکرد ترویج کشاورزی در ایران"، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، تهران، ۱۳۷۲.
- ۳- اداره همکاریهای فنی آمریکا، برنامه اصل چهارم در ایران، چاپخانه فردوسی، تهران، ۱۳۳۱
- ۴- شهبازی، اسماعیل. "مقدمه‌ای بر آموزش و ترویج و توسعه شیوه‌های نوین در روستاها"،

جدول شماره (۱): سیر تحولات در نوع فعالیتهای ترویجی، پس از انقلاب اسلامی

دوره سوم ۱۳۶۸-۱۳۷۲	دوره دوم ۱۳۶۲-۱۳۶۸	دوره اول ۱۳۵۷-۱۳۶۲
<p>- تدوین و اجرای برنامه پنجساله توسعه ترویج کشاورزی</p> <p>- ایجاد معاونت آموزش و ترویج در وزارت کشاورزی</p> <p>- تحول تشکیلاتی در سازمان ترویج</p> <p>- توسعه و گسترش رشته دانشگاهی ترویج و آموزش کشاورزی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد</p> <p>- ادامه سمینارهای علمی ترویج کشاورزی</p> <p>- ادامه طرحهای جامع ترویج کشاورزی</p> <p>- ادامه برگزاری مراسم هفته ترویج کشاورزی</p> <p>- ارائه خدمات ترویجی، از قبیل تهیه فیلمهای آموزشی، پوستر، نشریات ترویجی، عکس و اسلاید و ...</p> <p>- اجرای طرحهای مشترک تحقیقی، ترویجی و برگزاری سمینار مشترک تحقیق و ترویج</p> <p>- تهیه برنامههای رادیویی و تلویزیونی</p> <p>- ادغام سازمانهای تحقیقات و آموزش ترویج کشاورزی و تأسیس سازمان "تات"</p> <p>- تشکیل معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در وزارت کشاورزی</p> <p>- تبدیل سازمان ترویج به معاونت ترویج سازمان تات و بروز تحولات و دگرگونیهای تشکیلاتی در مرکز استانها</p>	<p>- اجرای طرحهای جامع ترویج کشاورزی</p> <p>- شروع اجرای برنامههای تهیه شده توسط کارشناسان</p> <p>- اجرای طرحهای تحقیقی - ترویجی</p> <p>- تدوین برنامه پنجساله ترویج کشاورزی</p> <p>- راه اندازی مقطع کارشناسی ارشد برای رشته ترویج کشاورزی</p> <p>- برگزاری سمینار علمی ترویج کشاورزی</p> <p>- برگزاری مراسم سال و هفته ترویج کشاورزی</p> <p>- تخصصی نمودن فعالیتهای کارشناسان</p> <p>- انتخاب کارشناس، مروج و کشاورز نمونه در مراسم سالانه هفته ترویج (هفته کشاورزی)</p> <p>- اجرای برنامه شبکه روستا در سیمای جمهوری اسلامی ایران</p> <p>- تهیه و انتشار فیلمهای آموزشی و پوستره‌های ترویجی</p> <p>- تهیه و توزیع نشریات ترویجی</p> <p>- اجرای طرحهای ارزشیابی</p> <p>- برگزاری روز مزرعه</p> <p>- ایجاد نمایشگاههای کشاورزی</p> <p>- اجرای طرح تهیه اسلایدهای ترویجی</p> <p>- تأسیس دفتر همکاری معاونت آموزش و ترویج وزارت کشاورزی با دانشکده کشاورزی کرج</p> <p>- اجرای طرح ارتباط مکاتبه‌ای با کارشناسان و مروجان کشاورزی</p> <p>- اجرای تئاتر ترویجی</p>	<p>- رکود نسبی فعالیتهای ترویجی</p> <p>- حذف رشته دانشگاهی ترویج و آموزش کشاورزی</p> <p>- ارائه خدمات و فعالیتهای ترویجی از قبیل:</p> <p>۱- تشکیل کلاسهای ترویجی برای کشاورزان</p> <p>۲- راهنمایی انفرادی و گروهی کشاورزان</p> <p>۳- نمایش فیلمهای آموزشی</p> <p>۴- بازدید از مزارع و منازل کشاورزان</p> <p>۵- تشکیل کلاسهای کوتاه مدت در زمینه‌های باغبانی، دفع آفات و حفظ نباتات، دامپروری و دامپزشکی</p> <p>۶- اجرای نمایشهای طریقه‌ای و نتیجه‌ای</p> <p>۷- ترویج نحوه واکسیناسیون دام و طیور</p> <p>۸- تهیه و توزیع نشریات ترویجی</p> <p>۹- تأسیس مراکز خدمات کشاورزی با شاخه ترویج</p> <p>۱۰- راه‌اندازی مجدد رشته ترویج و آموزش کشاورزی در مقطع کارشناسی در دانشگاههای کشور</p>

جدول شماره (۲): زمینه‌های مورد عمل و عرصه فعالیت‌های سازمان ترویج کشاورزی قبل و بعد از "تفکیک وظایف"

سال ۱۳۶۸-۱۳۵۷	سال ۱۳۶۹-۱۳۷۵
۱- تشکیل کلاسهای کوتاه مدت در زمینه‌های باغبانی، دامپروری، حفظ نباتات و دامپزشکی	۱- آموزش تولیدکنندگان محصولات زراعی و باغی
۲- اجرای نمایشهای طریقه‌ای و نتیجه‌ای در زمینه امور زراعی	۲- احداث مزارع و باغهای آموزشی نمونه
۳- واکسیناسیون دام و طیور	۳- اجرای طرحهای مشترک تحقیقی - ترویجی؛
۴- توزیع نهاده‌های کشاورزی، مصالح و لوازم ساختمانی و کسریه ماشین‌آلات کشاورزی	این طرحها شامل اصلاح واریته‌های نباتات زراعی، درختان میوه، کاربرد کودهای شیمیایی درزرعت‌های مختلف، روش اصولی بذرگیری نباتات زراعی، بررسی نیازهای غذایی محصولات زراعی مختلف، اصلاح و بهبود عملکرد نباتات زراعی و ... بوده است.
۵- اجرای طرحهای جامع ترویج کشاورزی؛ این طرح طیف همه‌جانبه و وسیعی را در امر تولیدات کشاورزی در برگرفته و مسائل را به طور انتزاعی و تجربیدی نمی‌نگرد. در این طرح به تولیدات کشاورزی به صورت عام نگریسته می‌شود و کلیه موارد تولیدات زراعی، باغی، دامی و منابع طبیعی به صورتی جامع نگرانه مورد نظر می‌باشد.	۴- ایجاد مزارع یکپارچه و مکانیزه آموزشی
۶- اجرای طرح محوری گندم	۵- آموزش و ترویج نحوه مبارزه علمی و عملی با آفات و بیماریهای گیاهی به طرق شیمیایی، بیولوژیک و مکانیکی و نحوه مبارزه با علفهای هرز، ضمن توجه به حفظ محیط زیست.
۷- برگزاری روز مزرعه	۶- اصلاح روشهای آبیاری نباتات زراعی، اجرای طرحهای پوشش انهار و غیره
۸- ایجاد نمایشگاههای کشاورزی	۷- ترویج و آموزش نحوه صحیح و اصولی زراعت‌های دیم
۹- برگزاری مراسم سال و هفته ترویج کشاورزی و انتخاب کشاورز، مروج و کارشناس نمونه در محصولات گوناگون	۸- ترویج و آموزش نحوه صحیح و اصولی اصلاح اراضی زراعی
۱۰- اجرای طرحهای تحقیقی - ترویجی	۹- ترویج و آموزش نحوه صحیح و اصولی سرویس و نگهداری ماشینهای کشاورزی
	۱۰- آموزش جوانان روستایی از طریق باشگاههای جوانان روستایی
	۱۱- آموزش زنان روستایی از طریق دفتر ترویج فعالیت زنان روستایی

دانشکده کشاورزی و دامپروری رضائیه، ۱۳۵۴.
۵- دلمر، دولی، "برنامه‌های عمران روستایی بنیاد خاور نزدیک در منطقه ورامین (۱۹۴۶-۱۹۵۱)"، مرکز اسناد سازمان تحقیقات کشاورزی.

۶- کلارنس، ال. میلیور، "تاریخچه برنامه‌ها، روشها و هدفهای بنیاد خاور نزدیک در ایران"، ۱۹۴۶ میلادی.

۷- روزنامه اطلاعات، ۲۶ شهریور ۱۳۰۵ (ه.ش).
۸- عیسوی، چارلز، "تاریخ اقتصادی ایران"، ترجمه: یعقوب آژند، انتشارات نشرگستر، تهران، ۱۳۵۹.

۹- سلک محمدی، ایرج، "مبانی ترویج کشاورزی"، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

۱۰- مجله فلاح و تجارت، وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، شماره ۸، ۱۲۹۷ (ه.ش).
۱۱- وزارت کشاورزی، سازمان برنامه‌ها و وظایف وزارت کشاورزی، شرکت سهامی چاپ ایران، ۱۳۲۸.

۱۲- وزارت کشاورزی و عمران روستایی، "برنامه پنجساله توسعه کشاورزی، کتاب نهم"، تحقیق، آموزش و ترویج کشاورزی، نشریه شماره ۴۰، دفتر برنامه‌ریزی و بودجه، دی ماه ۱۳۶۱.

۱۳- وزارت کشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، معاونت ترویج، دفتر انتشارات و تولید برنامه‌های ترویجی، "گزارش اجلاس آنکارا در خصوص بررسی سیستمهای ترویج کشاورزی در کشورهای خاور نزدیک" سازمان FAO، دسامبر ۱۹۹۳.

14- R, Blandy and M. Nasht, "The Education Crops in Iran, International labor review, May 1966.

15- Rabino, J., (1911), An economists notes on persia, Journal statistical.

۱- در زمان صدرات میرزا تقی خان امیرکبیر روزنامه‌ای با هزینه دولت منتشر می‌شد که از دومین شماره نام روزنامه "وقایع اتفاقیه" بر آن نهاده شد. (سال ۱۲۵۸ قمری، ۱۸۵۱ میلادی). هدف از انتشار این روزنامه، انعکاس اخبار مربوط به حکومت بوده است. با انتشار این روزنامه یک ورقه تاریخ مطبوعات در ایران آغاز می‌شود.

بررسی سوابق و عملکرد ترویج کشاورزی در ایران پس از انقلاب اسلامی

(قسمت آخر)

۱-۳- دوره دوم، عملکرد ترویج کشاورزی از سال ۱۳۶۲ الی ۱۳۶۸ (دوران تجدید حیات ترویج و آموزش کشاورزی در کشور)

از سال ۱۳۶۲ به بعد با مشخص شدن جایگاه و اهمیت بخش کشاورزی کشور در روند توسعه، رفته رفته بر میزان توجه مسئولین و برنامه ریزان مملکتی نسبت به حمایت از بخش کشاورزی افزوده شد و با طرح شعار «کشاورزی محور توسعه» اقدامات و کوششهایی در جهت برنامه ریزیهای حمایتی از بخش کشاورزی بعمل آمد.

این اقدامات و کوششها موجب آن گردید که توجه ویژه‌ای به امر آموزش و ترویج کشاورزی مبذول گردد و با توجه به جایگاه حساس ترویج در روند توسعه کشاورزی، اقدامات و کوششهای فراوانی از سوی مسئولین و دست‌اندرکاران مربوطه بعمل آید تا ترویج کشاورزی در کشور تجدید بنا گردد و برنامه ریزان مملکتی نیز

سعی نمودند تا ترویج را به مسیر اصلی و جایگاه راستین خود هدایت نمایند.

بنابراین، این دوران را «می‌توان دوره تجدید حیات» و همچنین «تجدید بنای» ترویج و آموزش کشاورزی در کشور بحساب آورد.

در این دوران نسبت به تدوین برنامه پنجساله ترویج کشاورزی (۶۲ - ۶۷) اقدام گردید.

از اقدامات قابل توجهی که در این دوره زمانی برای توسعه و گسترش ترویج و آموزش کشاورزی در کشور بعمل آمد، برگزاری موفقیت‌آمیز اولین همایش علمی ترویج کشاورزی در آذرماه سال ۱۳۶۲ به همت بخش ترویج و آموزش دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز بود. در این همایش که با هدف طرح مبانی علمی ترویج کشاورزی تشکیل شد، مقاله‌های گوناگونی ارائه گردید و همین امر باعث گشودن بابی در جوار موضوعات اجرایی گردید، بدین معنا که طرح مبانی و موازین نظری ترویج، باعث شروع دگرگونیهای در چارچوب

اجرائی مرتبط با ترویج کشاورزی کشور شد. بدنبال برگزاری موفقیت‌آمیز این همایش، دومین همایش علمی ترویج در دیماه سال ۱۳۶۳ در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران برگزار شد. در این همایش، با توجه به مفاد سخنرانی و نظارت وزیر کشاورزی و نظر هیئت برگزارکننده در مورد اعلام سال بعد از برگزاری همایش، بعنوان «سال ترویج و آموزش کشاورزی، این امر مورد استقبال مسئولین و رسانه‌های گروهی قرار گرفت و بسیاری از عملکردهای اجرایی در صحنه کشاورزی کشور را تحت الشعاع خود قرار داد.

برگزاری «سال آموزش و ترویج کشاورزی» به برگزاری سالیانه «هفته ترویج کشاورزی» منجر گردید که در طی آن از تولیدکنندگان نمونه محصولات کشاورزی و همچنین، مروجین و کارشناسان نمونه تقدیر بعمل می‌آید.

یکی دیگر از اقدامات و کوششهای قابل توجه در این دوره زمانی، اجرای «طرحهای جامع ترویج کشاورزی» در استانهای

فعالیت‌های سازمان ترویج کشاورزی در سال ۱۳۶۵

نام موسسه	مهمترین وظایف	مهمترین عملکردهای یکساله (اهم فعالیتها)
سازمان ترویج کشاورزی	تهیه و تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزش روشهای صحیح کشاورزی به روستائیان و انتقال نتایج و یافته‌های پژوهشی به کشاورزان و انعکاس مسائل آنان به دستگاههای پژوهشی	<p>- چاپ و تکثیر ۲۵ نشریه جدید ترویجی و توزیع ۱۹۸۲۸۸ نسخه در ۴۴ موضوع.</p> <p>- تهیه و تدوین و اجرای طرح جامع ترویج کشاورزی در ۱۹ شهرستان کشور.</p> <p>- تشکیل ۳۱ دوره بازآموزی کارکنان فنی.</p> <p>- تشکیل نمایشگاه بین المللی در تهران و نمایشگاه کشاورزی و دامی و صنایع وابسته در ۱۹ شهرستان و مراکز استان.</p> <p>- تهیه و ترجمه و دوبلاژ فیلمهای آموزشی کشاورزی و دامی به تعداد ۱۸ حلقه.</p> <p>- اجرای برنامه رادیویی و تلویزیونی به تعداد ۷۴۵ برنامه.</p> <p>- آموزش روستائیان در زمینه های زراعت، باغبانی، آفات و بیماریهای گیاهی، دامپرووری، زنبورداری، منابع طبیعی، ماشین آلات کشاورزی و ... جمعاً ۷۶۰۷۶ نفر.</p> <p>- انتخاب و بزرگداشت تولیدکنندگان نمونه محصولات زراعی و دامی کشور.</p>

اندیشه تدوین و گردآوری برنامه‌های جامع ترویج کشاورزی از اواخر سال ۱۳۶۳ در ذهن مسئولان برنامه‌ریزی ترویج کشاورزی کشور شکل گرفته بود و این موضوع بدنبال طرح برنامه‌های «بخشی - منطقه‌ای» کشاورزی در سطح کشور امرغیر منتظره‌ای نبود.

ناگفته نماند که طرح برنامه‌های جامع ترویج کشاورزی مصادف با تغییر و دگرگونی مدیریت سازمان مربوطه در اواخر سال ۱۳۶۳ و قبل از برگزاری دومین همایش علمی ترویج بود. لذا می‌توان بعنوان انگیزه تدوین طرحهای مزبور، تأثیر مدیریت وقت را نیز مؤثر دانست.

عامل دیگری که در تدوین و گردآوری طرحهای جامع ترویج کشاورزی مؤثر بود، دستور وزیر کشاورزی وقت و امر بر اجرای طرحهای جامع ترویج در هر یک از استانهای کشور بود (سال ۶۴). در این مقطع زمانی رشته تحصیلی ترویج و آموزش کشاورزی نیز از نظر کمی و کیفی در مراکز دانشگاهی کشور رو به توسعه و گسترش نهاد. بدین شرح که مقطع کارشناسی ارشد برای این رشته تحصیلی مورد تصویب قرار گرفت و همچنین در مقطع کارشناسی نیز تعداد دیگری از دانشگاههای کشور نسبت به راه‌اندازی این رشته تخصصی و فنی تلاش کردند.

کوششهای مهمی که از سال ۱۳۶۲ به بعد در زمینه ترویج و آموزش کشاورزی در کشور صورت گرفت، فهرست‌وار گفته می‌شود و در هر یک از موارد مشروحه ذیل در متن این گزارش به تفصیل سخن رفته است.

- تهیه برنامه‌های پنجساله ترویج و آموزش کشاورزی (شروع از سال ۱۳۶۲).
- اجرای طرحهای جامع ترویج کشاورزی.
- برگزاری همایش‌های علمی ترویج کشاورزی.
- برگزاری مراسم سال ترویج و آموزش کشاورزی.
- برگزاری سالیانه هفته ترویج و آموزش کشاورزی.
- اجرای برنامه‌های ترویجی تهیه‌شده توسط کارشناسان.

- اجرای طرحهای پژوهشی - ترویجی.
- اجرای طرح محوری گندم.
- همکاری با مراکز خدمات روستایی.
- اجرای طرح ارتباط مکاتبه‌ای با کارشناسان ترویج و مروجین کشاورزی (سال ۱۳۶۶).
- همکاری بخش اجرایی کشاورزی با مراکز آموزش عالی و گشایش دفتر مشترک همکاریهای فنی بین سازمان ترویج و کشاورزی.
- دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران (سال ۱۳۶۹).
- ایجاد نمایشگاههای کشاورزی در سطوح دهستان، استان و کشور.
- تهیه فیلمهای آموزشی - ترویجی.
- انتخاب کشاورزان و کارشناسان و مروجین نمونه.
- تخصصی نمودن عملکردهای

- کارشناسان ترویجی.
- اجرای برنامه‌های فراگیر در زمینه‌های کشاورزی و مسائل روستایی از طریق رادیو، تلویزیون و دیگر رسانه‌های جمعی.
- تهیه و توزیع مواد تصویری و انتشاراتی در زمینه رسانش پیامهای آموزشی و ترویجی.
- اجرای طرحهای ارزشیابی.
- برگزاری روز مزرعه.
- گشایش و راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد ترویج در دانشگاه تهران (سال ۱۳۶۴).
- تهیه برنامه پنجساله ترویج کشاورزی (شروع از سال ۱۳۶۸).
- توسعه رشته ترویج و آموزش کشاورزی در مقطع کارشناسی ارشد و در مقطع کارشناسی در شش دانشکده در سطح کشور.

۲۳) ایجاد معاونت وزیر کشاورزی در امر آموزش و ترویج.
۲۴) تغییر و دگرگونی ساختار نهادهای سازمان ترویج
درباره عملکرد سازمان ترویج و بیان عملکرد و فعالیتهای این سازمان تا سال ۱۳۶۸ منابع نوشتاری متعددی موجود می‌باشد که بمنظور جلوگیری از یادآوری جزئیات و بیان مهمترین فعالیتهای سازمان بعنوان نمونه، جدول شماره (۱-۱) آورده شده که نمودار عملکرد و فعالیتهای سازمان در سال ۱۳۶۵ می‌باشد.

۱-۴- دوره سوم، عملکرد ترویج کشاورزی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ (دوران توسعه و گسترش عملکرد و فعالیتهای ترویجی و آغاز اجرای برنامه پنجساله ترویج کشاورزی در کشور)

همانگونه که گفته شد در نیمه دوم دهه سال ۷۰-۱۳۶۰ نشانه‌هایی وجود دارد که عملکرد و فعالیتهای ترویج کشاورزی در کشور به سمت اهداف اصلی و مسئولیتهای مرتبط پیش رفته است.

سال ۱۳۶۸، آغاز اجرای برنامه پنجساله ترویج کشاورزی در کشور بود و در زمینه فعالیتهای و کوششهای سازمان ترویج منابع نوشتاری فراوانی گردآوری شده که در قسمتهای بعدی به آن پرداخته می‌شود.

همچنین، سال ۱۳۶۸ مصادف است با دگرگونی نهادهای اداری سازمان ترویج و ایجاد حوزه معاونت آموزش و ترویج در وزارت کشاورزی.

تا قبل از این تاریخ، سازمان ترویج تحت سرپرستی و نظارت معاونت زراعت وزارت کشاورزی قرار داشت. ولی از این تاریخ به بعد، تشکیل معاونت ترویج و آموزش وزارت کشاورزی و گسترش نهادهای اداری مرتبط با ترویج در وزارت کشاورزی از اهمیت نقش ترویج در روند توسعه کشاورزی حکایت می‌کند.

مهمترین عملکرد فعالیتهای مرتبط با ترویج کشاورزی در این مقطع زمانی فهرستوار بقرار زیر می‌باشد که عبارتند از:
۱) ایجاد دگرگونی در نهادهای اداری سازمان ترویج (سال ۱۳۶۸).

۲) همکاری بخش اجرایی و آموزش عالی در زمینه ترویج کشاورزی و گشایش

دفتر مشترک همکاری بین سازمان ترویج و دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران (سال ۱۳۶۹).

۳) ادامه طرحهای جامع ترویج کشاورزی.

۴) ادامه برگزاری همایشهای علمی ترویجی کشاورزی.

۵) ادامه طرح ارتباط مکاتبه‌ای با کارشناسان ترویج و مروجین کشاورزی.

۶) ادامه برگزاری سالیانه هفته آموزش و ترویج کشاورزی.

۷) ادامه اجرای طرحهای پژوهشی - ترویجی و حمایت از پژوهشهای ترویجی.

۸) برگزاری نمایشگاههای کشاورزی در سطوح استان، شهرستان، دهستان.

۹) تولید و پخش مواد انتشاراتی و تصویری در زمینه انتقال پیامهای ترویجی و آموزشی.

۱۰) گسترش رشته تحصیلی ترویج و آموزش کشاورزی در دانشگاههای کشور.

۱۱) انجام فعالیتهای ارزشیابی.

در قسمتهای دیگر این گزارش به اقتباس از نشریات منتشره سازمان ترویج که عملکرد، فعالیتهای و اقدامات سالیانه خود و واحدهای تابعه را از سال ۱۳۶۸ به بعد منتشر ساخته است، گزارش گسترده‌ای از چگونگی عملکرد و فعالیتهای سازمان ترویج ارائه گردیده است.

■ نهادهای اداری و سازمانی ترویج کشاورزی پس از انقلاب اسلامی

سرآغاز ایجاد سازمانی رسمی جهت ترویج کشاورزی سال ۱۳۲۷ است که در نیمه دوم برنامه عمرانی هفت ساله اول و با استفاده از اعتبارات آن برنامه، اداره کل ترویج کشاورزی گشایش یافت و سرانجام، این اداره کل در سال ۱۳۳۸ به سازمان ترویج کشاورزی تبدیل شد که تحت نظارت معاونت زراعت وزارت کشاورزی انجام وظیفه نمود. طی سالهای ۱۳۳۸، ۱۳۴۰، ۱۳۴۳، ۱۳۴۶ نهادهای اداری سازمان ترویج مورد تجدید نظرهای مختلف قرار گرفت.

نمودار نهادهای سازمان ترویج از سال ۱۳۴۶ تا زمان وقوع انقلاب اسلامی بشرح نمودار شماره ۱ بوده است.

همچنین، موقعیت و جایگاه سازمان ترویج در نظام سازمانی وزارت کشاورزی تا

قبل از انقلاب اسلامی در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌شود.

بعد از انقلاب اسلامی ایران، نمودار نهادهای سازمان ترویج دچار دگرگونی شد (نمودار شماره ۳) که این حالت تا سال ۱۳۶۸ ثابت باقی ماند. در این مقطع زمانی (۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸)، سازمان ترویج همچنان تحت نظارت «معاونت زراعت» وزارت کشاورزی قرار داشت. ولی از سال ۱۳۶۸ به بعد، معاونت جدیدی تحت عنوان «معاونت آموزش و ترویج کشاورزی» در وزارت کشاورزی ایجاد گردید که سازمان ترویج را تحت سرپرستی خود قرار داد. در همین ایام، سازمان ترویج کشاورزی نیز دچار دگرگونیهای سازمانی شد که این موارد در نمودارهای صفحات بعد به تفکیک ترسیم شده است.

باید گفت که در سطوح نهادی سازمان ترویج از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸، «قسمت انتشارات فنی» که به نهادهای سازمان ترویج اضافه گردید، وظیفه و مسئولیت چاپ، تکثیر، تهیه فیلم، پوستر و تهیه و توزیع نشریات ترویجی را برعهده داشته است. همچنین، در خردادماه ۱۳۶۴، معاونت فنی (سرپرستی طرحهای افزایش تولید) از مدیریت سازمان ترویج جدا گردید و بعدها بصورت شرکت تهیه و توزیع نهال و بذر درآمد.

همانگونه که گفته شد، در سال ۱۳۶۸ در سطوح معاونتهای وزارت کشاورزی، معاونت جدیدی تحت عنوان «معاونت آموزش و ترویج» به نهادهای وزارت کشاورزی افزوده شد. در همین زمان و در پی این دگرگونی سازمانی، سازمان ترویج کشاورزی از معاونت امور زراعت وزارت کشاورزی جدا و تحت نظارت معاونت آموزش و ترویج قرار گرفت.

نمودار نهادهای سازمان ترویج از سال ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۱ در نمودار شماره ۴ دیده می‌شود.

در بهمن ماه سال ۱۳۷۱، دگرگونیهای دیگری در نهادهای اجرایی وزارت کشاورزی و سازمان ترویج بوجود آمد.

بدین شرح که، سازمانهای سه‌گانه تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در یکدیگر آمیخته و تحت عنوان «سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی»، تشکیل سازمان واحدی را دادند. این

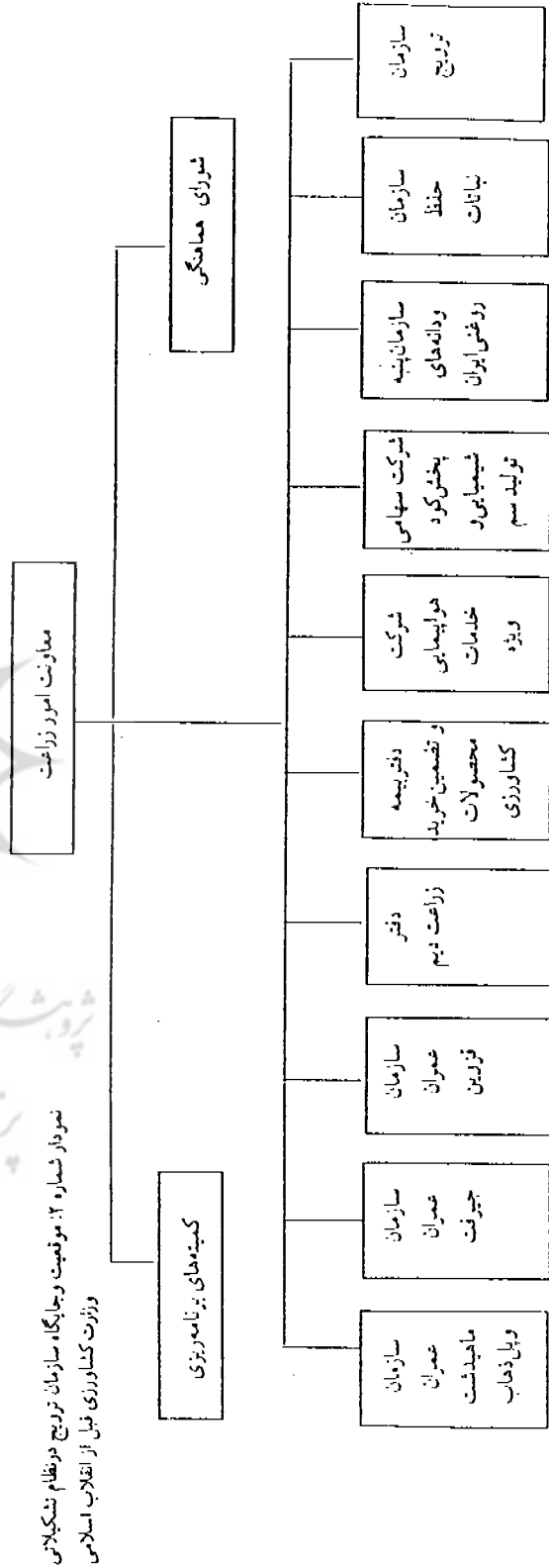
جدول شماره ۱: سیر دگرگونیها در نوع عملکرد و فعالیتهای سازمان ترویج کشاورزی، پس از انقلاب اسلامی

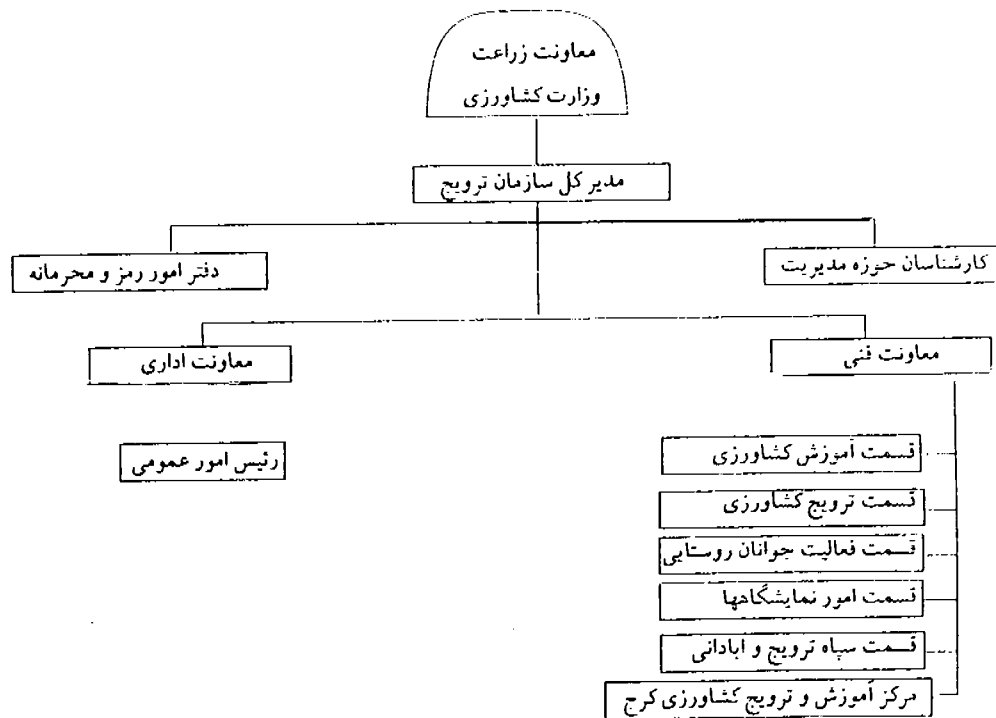
دوره اول: ۱۳۵۷-۱۳۶۲	دوره دوم: ۱۳۶۲-۱۳۶۸	دوره سوم: ۱۳۶۸-۱۳۷۲
«رکود نسبی عملکرد و فعالیتهای ترویجی» - حذف رشته دانشگاهی ترویج و آموزش کشاورزی - ارائه خدمات و فعالیتهای ترویجی از قبیل: (۱) تشکیل کلاسهای ترویجی برای کشاورزان (۲) راهنمایی انفرادی و گروهی کشاورزان (۳) نمایش فیلمهای آموزشی (۴) بازدید از مزارع و منازل کشاورزان (۵) تشکیل کلاسهای کوتاه مدت در زمینه های باغبانی، دفع آفات و حفظ نباتات، دامپروری و دامپزشکی (۶) اجرای نمایشات طریقه‌ای و نتیجه‌ای (۷) ترویج چگونگی واکسیناسیون دام و طیور (۸) تهیه و توزیع نشریات ترویجی (۹) بازگشایی مراکز خدمات کشاورزی با شاخه ترویج (۱۰) راه اندازی دوباره رشته ترویج و آموزش کشاورزی در مقطع کارشناسی در دانشگاههای کشور	«اجرای طرحهای جامع ترویج کشاورزی» - شروع اجرای برنامه‌های تهیه شده توسط کارشناسان - اجرای طرحهای پژوهشی - ترویجی - تدوین برنامه پنجساله ترویج کشاورزی - راه‌اندازی مقطع کارشناسی ارشد برای رشته ترویج و آموزش کشاورزی - برگزاری همایش علمی ترویج کشاورزی - برگزاری مراسم سال و هفته ترویج کشاورزی - فنی کردن عملکرد و فعالیتهای کارشناسان - انتخاب کارشناس، مروج و کشاورز نمونه در مراسم سالانه هفته ترویج - اجرای برنامه شبکه روستا در سیمای جمهوری اسلامی ایران - تهیه و انتشار فیلمهای آموزشی و بوسترهای ترویجی - تهیه و توزیع نشریات ترویجی - اجرای طرحهای ارزشیابی - برگزاری روز مزرعه - ایجاد نمایشگاههای کشاورزی - اجرای طرح تهیه اسلایدهای ترویجی - گشایش دفتر همکاری معاونت آموزش و ترویج وزارت کشاورزی با دانشکده کشاورزی کرج - اجرای طرح ارتباط مکاتبه‌ای با کارشناسان و مروجین کشاورزی - اجرای تئاتر ترویجی	«تدوین و اجرای برنامه پنجساله توسعه ترویج کشاورزی» - ایجاد معاونت آموزش و ترویج در وزارت کشاورزی - دگرگونی نهادی در سازمان ترویج - توسعه و گسترش رشته دانشگاهی ترویج و آموزش کشاورزی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد - ارائه همایشهای علمی ترویج کشاورزی - ادامه طرحهای جامع ترویج کشاورزی - ادامه برگزاری مراسم هفته ترویج کشاورزی - ارائه خدمات ترویجی از قبیل: تهیه فیلمهای آموزشی، پوستر، نشریات ترویجی، عکس و اسلاید و ... - اجرای طرحهای مشترک پژوهشی، ترویجی و برگزاری همایش مشترک پژوهش و ترویج - تهیه برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی - آمیختن سازمانهای تحقیقات و آموزش و ترویج کشاورزی و گشایش سازمان تات - تشکیل معاونت تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی در وزارت کشاورزی - تبدیل سازمان ترویج به معاونت ترویج و سازمان تات و بروز دگرگونیهای نهادی و سازمانی در مرکز استانها

جدول شماره ۲: مهمترین برنامه های و عملکرد و فعالیتهای ترویجی طی سالهای ۶۷-۶۸ (برنامه پنجمساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)

ردیف	شرح فعالیت و عملکردها	واحد	سال ۶۸			سال ۶۹			سال ۷۰			مجموع		
			مصرف	عملکرد	درصد	مصرف	عملکرد	درصد	مصرف	عملکرد	درصد			
۱	آموزش بسایند زراعی و باغبانی	نفرروز	۸۵۶۱۰	۹۳۶۴۲	۱۰۰	۱۶۳۸۱۷	۱۶۳۸۱۷	۱۰۰	۱۵۵۳۳۸۶	۲۵۳۳۸۶	۱۰۰	۱۵۵۳۳۸۶	۲۵۳۳۸۶	۱۰۰
۲	احداث مزارع و باغات آموزشی نمونه	هکتار	۸۴۹	۵۲۳۵	۹۹	۵۱۶۱	۵۲۳۵	۱۰۰	۸۴۰۲	۸۴۰۲	۱۰۰	۸۴۰۲	۸۴۰۲	۱۰۰
۳	تهیه و تولید فیلمهای آموزشی	دقیقه	۵۰۰	۵۰۰	۱۰۰	۷۰۰	۵۶۱	۸۰	۲۱۴۰	۲۱۴۰	۱۰۰	۲۱۴۰	۲۱۴۰	۱۰۰
۴	تهیه و چاپ نشریات ترویجی	جلد	۱۵۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰	۱۰۰	۳۳۴۰۰۰	۱۶۸۳۰	۷۳	۳۳۳۹۲	۳۳۳۹۲	۱۰۰	۳۳۳۹۲	۳۳۳۹۲	۱۰۰
۵	آموزش کادرفنی	نفر	۵۳۲	۵۳۲	۱۰۰	۸۱۰	۸۱۰	۱۰۰	۱۰۹۸	۱۰۹۸	۱۰۰	۱۰۹۸	۱۰۹۸	۱۰۰
۶	اجرای طرحهای پژوهشی - ترویجی	طرح	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۵۰	۱۳۲	۵۲	۱۱۵	۱۱۵	۱۰۰	۱۱۵	۱۱۵	۱۰۰
۷	ایجاد مزارع مکانیزه اعضای تعاونیهای منافع	هکتار	۵۵۸	۵۵۸	۱۰۰	۷۵۰	۷۵۰	۱۰۰	۱۳۷۵	۱۳۷۵	۱۰۰	۱۳۷۵	۱۳۷۵	۱۰۰
۸	به کارگیری نیروی انسانی	نفر	۲۸۵	۲۸۵	۱۰۰	۲۶۵	۲۱۷	۸۱	۲۵۵	۲۵۵	۱۰۰	۲۵۵	۲۵۵	۱۰۰
۹	خرید خودرو	دستگاه	-	-	-	۲۰۰	۱۵۹	۷۹	۷۱	۷۱	۱۰۰	۷۱	۷۱	۱۰۰

ملاحظه: وزارت کشاورزی، سازمان ترویج کشاورزی، برنامه توسعه ترویج کشاورزی، برنامه پنجمساله ترویج کشاورزی، ۱۳۷۱





نمودار شماره ۱: نهادهای اداری سازمان ترویج از سال ۱۳۴۶ الی ۱۳۵۷

باعث آن می‌گردد که جایگاه، اهمیت و نقش ترویج در توسعه کشاورزی ناشناخته باقی بماند و از مسیر اصولی خود منحرف گردد و به امور خدماتی روی آورد.

۳) بر اثر احاله امور اجرایی، خدماتی و بازرگانی به ترویج و مروجین کشاورزی از دیرباز، این مسئله چنان بعد و عمقی پیدا کرده است که دگرگون‌سازی جهت ترویج به سوی وظایف اصلی، نمی‌تواند چندان به سهولت انجام پذیرد.

و لذا، سازمان ترویج جهت توجیه و قبولاندن عملکرد و فعالیتهای آموزشی و ارشادی خود در مراجع مختلف اجرایی و قانون‌گذاری با مشکلات عدیده مواجه بوده است.

۴) عدم ارتباط بین ترویج، تحقیق (پژوهش) و آموزش که از مدتها قبل وجود داشته و در برخی موارد هم تضادها و تنشهایی بین این سه نهاد دیده می‌شود.

در حالیکه این سه نهاد، می‌بایستی در ارتباطی محکم و مستمر، حرکت در جهت توسعه کشاورزی را شتاب بخشند. عدم وجود ارتباط بین این سه نهاد نتیجه‌اش این شده است که:

الف) پژوهشهای کشاورزی در حل مسائل و معضلات اساسی بخش کشاورزی توفیق چندان نداشتند و در بسیاری از موارد از نهادهای اجرایی نیز عقب‌تر بوده‌اند.

۳) سطوح سازمانی و نهادی معاونت ترویج سازمان «تات» کوچکتر شده و بشکل مندرج در نمودار شماره ۵ درآمد.

۴) «معاونت تات» وزارت کشاورزی ریاست سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی را نیز عهده‌دار گردید.

■ مشکلات و تنگنای ترویج کشاورزی در کشور

با توجه به وضعیت، شرایط و عملکرد ترویج کشاورزی در دوران قبل و پس از انقلاب اسلامی ایران، مشکلات و تنگنای ترویج را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود که عبارتند از:

۱) عدم تثبیت جایگاه و اهمیت ترویج کشاورزی در روند توسعه کشاورزی و همچنین، عدم شناخت مسئولین رده‌های مختلف وزارت کشاورزی از فلسفه، اهداف، اصول، وظایف و جایگاه و نقش ترویج در توسعه کشاورزی.

این امر، باعث احاله امور اجرایی و خدماتی به ترویج و قبول آن از سوی مسئولین ترویج کشور بوده است.

۲) ترویج یک مکتب آموزشی است که اثرات و بازده آن در درازمدت ظاهر می‌گردد و این امر به سهولت قابل سنجش و اندازه‌گیری نیست. لذا، حساسیت چندان به این امر مهم معطوف نمی‌گردد. این مسئله

سازمان جدید تحت نظارت و مسئولیت معاونت جدیدی در وزارت کشاورزی تحت نام «معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی» قرار گرفت. این معاونت جدید از آمیختگی دو معاونت آموزش و ترویج و معاونت امور تحقیقاتی وزارت کشاورزی بوجود آمد. این دو معاونت که تا قبل از این تاریخ معاونتهای مستقلی در وزارت کشاورزی محسوب می‌شدند، بعد از این دگرگونی سازمانی، از سطوح نهادهای وزارت کشاورزی حذف گردیدند. در این دگرگونیهای سازمانی که در اواخر سال ۱۳۷۱ بوجود آمد، ضمن دگرگونی در نمودار نهادهای وزارت کشاورزی و سازمانهای وابسته، نهادهای اداری امور کشاورزی استانها و شهرستانها نیز دچار دگرگونی شد که نمودار مربوط به آن در صفحات بعد آمده است.

در پی این دگرگونیهای سازمانی، دگرگونیهایی هم در نمودار اداری سازمان ترویج بوجود آمد که بشرح زیر است:

۱) سازمان ترویج کشاورزی بنام «معاونت ترویج» سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی تغییر نام داد.

۲) معاونت ترویج سازمان «تات» تحت نظارت معاونت جدید وزارت کشاورزی یعنی «معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی» قرار گرفت.

ب) ترویج کشاورزی از وظیفه اصلی اش منحرف شده و به امور اجرایی، خدماتی و بازرگانی روی آورده است و نتایج بدست آمده از پژوهشها آنطور که باید و شاید ترویج و اشاعه نشده است.

ج) آموزش کشاورزی نیز در تربیت و تعلیم کودکان و جوانان موفق نبوده که قادر گردند در توسعه کشاورزی کشور سهم باشند.

۵) مروجین کشاورزی که می‌بایستی از بین روستازادگان تحصیل کرده کشاورزی انتخاب شوند، بیشتر از افراد شهری و با تحصیلات غیرکشاورزی، که هیچگونه علاقه و انگیزه‌ای جهت خدمت و زندگی در روستاها را ندارند، برگزیده می‌شوند.

۶) بیشتر کارکنان ترویج که به خدمت در مراکز خدمات روستایی مأمور شده‌اند، به جای عملکرد و فعالیت‌های آموزشی، ترویجی به امور خدماتی، انبارداری و بازرگانی مشغول شده‌اند.

لذا، برداشت کشاورزان و روستاییان از مروج شخصی است که به اینگونه امور مبادرت دارد.

۷) آموزش پی در پی مروجین کشاورزی با یافته‌ها و پدیده‌های علمی نوین، بیشتر با غفلت همراه بوده و می‌باشد و این امر، باعث آن می‌شود که میزان اطلاعات مروجین «به روز» نباشد.

۸) عدم پوشش مؤثر برنامه‌های آموزشی، ترویجی از طریق رسانه‌های جمعی (رادیو، تلویزیون و ...)، یکی دیگر از محدودیت‌ها و موانع ترویج کشاورزی در کشور می‌باشد.

۹) وسایل فنی مورد نیاز برنامه‌های آموزشی (نمایشات طریقه‌ای، نتیجه‌ای و ...) تأمین نشده و لذا کادر فنی ترویج دچار مشکلاتی در این زمینه بوده و برای اجرای برنامه‌های مؤثر آموزشی که می‌بایستی با عمل همراه باشد، محدودیت‌های فراوانی وجود دارد.

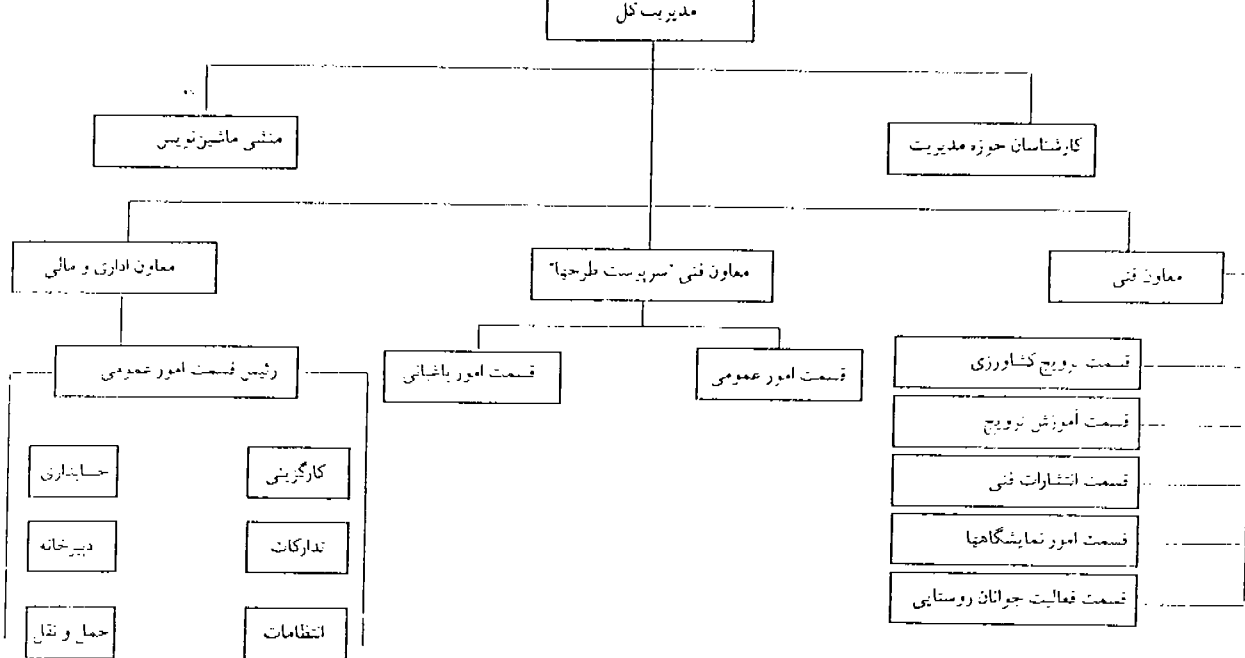
۱۰) عدم وجود وسایل، امکانات، تجهیزات مورد نیاز مروجین از قبیل: وسایل نقلیه، امکانات و ابزار آموزشی و کمک آموزشی و غیره که باعث کاهش کارایی آنها می‌گردد.

۱۱) تعداد مروجین نسبت به تعداد کشاورزان و روستاییان بسیار کم می‌باشد و این امر، باعث آن می‌گردد که بسیاری از کشاورزان تحت پوشش برنامه‌های ترویجی

ساخته: وزارت کشاورزی، سازمان ترویج کشاورزی، برنامه پنجم ترویج کشاورزی، ۱۳۷۲.

نوع کار	آموزش مولدین	تجهیزات آموزشی	اجرای طرح‌های تحقیقی و ترویجی	احداث مزارع نیایشی و باغات نمونه	چاپ و تکثیر نشریات	تأمین نیروی انسانی	تأمین خودرو	آموزش اعضای تعاونی‌های شغلی	آموزش کادر فنی	اعتبارات مصوب	اعتبارات تخصیص یافته	هزینه‌های انجام شده و تعهدات
واحد کار	تفروز	دقیقه	طرح	هکتار	جلد	نفر	دستگاه	هکتار	نفر	هزار ریال	هزار ریال	هزار ریال
تعداد کل کار	۸۸۳۵۰۴۷	۵۰۰۰	۱۵۷۵	۳۱۵۷۲	۱۷۰۰۰۰۰	۱۸۵۶	۱۶۶۵	۶۰۰۰	۴۴۵۴	۲۵۷۱۵۹۷	—	—
اجراء شده سال ۶۸	۸۵۶۱۰	۵۰۰	۱۰۰	۸۴۱	۱۵۰۰۰۰۰	۲۸۵	—	۵۵۸	۵۲۲	۶۷۰۰۰۰	۶۱۵۲۸	۶۲۳۱۷۵
اجراء شده سال ۶۹	۹۳۹۴۲۲	۵۶۰	۱۳۲	۵۶۲۵	۱۶۹۷۲۰	۲۷۷	۱۵۹	۷۵۰	۸۱۰	۴۰۰۰۰۰۰	۳۷۴۵۱۲۶	۲۶۵۳۰۶۸
اجراء شده سال ۷۰	۱۶۳۸۰۰۰	۲۱۴۰	۱۱۵	۸۴۰۲	۲۳۹۱۹۴	۲۵۵	۷۱	۱۳۷۵	۱۰۹۸	۵۵۰۰۰۰۰	۴۹۵۰۲۰۰	۹۵۰۲۰۰
اجرائی ۷۱	۲۵۵۷۲۲۰	۱۲۲۵	۲۵۰	۸۲۲۴	۴۰۰۰۰۰۰	۲۷۴	۳۹۹	۱۷۵۰	۱۰۶۳	۷۰۰۰۰۰۰	—	—
اجراء شده ۶ ماهه اول سال ۷۱	۱۵۵۴۲۸۶	۷۰۰	۱۸۰	۵۴۵۸	۱۱۰۰۰۰۰	۷۹	۸۲	۹۷۵	۸۱۶	—	۳۲۱۲۰۰۰	—
جمع عملکردیان ۷۱/۶/۳۱۱۵۶۸/۱	۴۲۱۷۳۲۹	۳۹۰۰	۵۲۹	۲۰۳۲۶	۱۱۶۹۱۲۲	۱۰۹۶	۳۱۲	۲۶۵۸	۲۲۵۶	۲۰۳۷۰۰۰۰	۱۲۵۲۹۰۶۴	۱۲۲۲۶۰۰۰
اجرائی سال ۷۲	۲۶۱۲۸۵۰	۱۳۷۵	۷۷۶	۱۳۰۶۲	۶۴۱۰۰۰۰	۵۶۵	۹۴۲	۲۳۴۲	۲۱۷۹	—	—	—
جمع افزایش نسبت به برنامه	۱۶۱۴۵۲	۹۲۰	—	۴۹۱۳	—	—	—	—	۱۲۲۸	—	—	—

جدول شماره ۳: حجم برنامه های آموزشی و عملکرد فعالیتهای ترویجی در برنامه پنجمساله اول طرح آموزشهای کشاورزی



نمودار شماره ۳: نظام تشکیلاتی سازمان ترویج کشاورزی بعد از انقلاب تا سال ۱۳۶۸

قرار نگیرند.

(۱۲) رشته‌ای و تخصصی (فنی) نبودن مروجین کشاورزی، بدین معنی که یک نفر مروج، می‌بایستی در همه زمینه‌های کشاورزی، روستاییان را آموزش دهد. این امر، باعث سطحی شدن میزان معلومات و دانش مروجین کشاورزی می‌گردد. در صورتیکه، اگر مروجین کشاورزی هر یک در زمینه‌ای ویژه دارای تجربه و تخصص لازم باشند، می‌توانند آموزشهای مؤثری را ارائه نموده و مشکلات کشاورزان را به سادگی حل و فصل نمایند.

(۱۳) عدم وجود انگیزه کافی جهت خدمت در روستاها.

این مسئله، ممکن است در اثر عدم در اختیار نهادن تسهیلات، مزایا و امکانات و وسایل رفاهی برای کادر مأمور خدمت در روستاها در مقایسه با کارمندان شاغل در شهرها بوجود آید. تفاوت قائل شدن بین کارمندان شاغل در شهر و روستا به نفع کارمندان شهری، باعث از بین رفتن انگیزه خدمت در روستاها می‌گردد. در حالیکه، این امر می‌بایستی کاملاً برعکس باشد.

(۱۴) برنامه ترویج و آموزش کشاورزی (که می‌بایستی میلیونها نفر کشاورز شاغل در بخش کشاورزی کشور را تحت پوشش برنامه‌های آموزشی قرار دهد و اطلاعات، بینش و مهارت‌های آنان را پایه‌های پیشرفتهای علمی و فنی بالا برد) از بدو تأسیس و

گشایش فاقد قانون بوده و بدین جهت، هر مسئولی بر مبنای سلیقه‌های شخصی خود، موجبات دخل و تصرف و تضعیف اثر برنامه‌های ترویجی را فراهم می‌سازد.

(۱۵) در قالب قانون ترویج کشاورزی کشور (که یکی از ضروریات اصلی انجام فعالیتهای مؤثر و مناسب ترویج کشاورزی می‌باشد) نظام ترویجی ویژه ایران نیز از دیگر نیازهای ترویج کشاورزی می‌باشد لذا در این راستا، می‌بایستی ترویج کشاورزی کشور دارای اهداف، اصول، خط مشی‌ها، نهادهای اجرایی، واحد، عاملین اجرایی و ... مشخص شده‌ای باشد. این امر، باعث آن می‌گردد که اولاً: جایگاه اهمیت و نقش ترویج کشاورزی در روند توسعه روستایی مشخص و تثبیت گردد و ثانیاً: منابع و امکانات و وسایل مصرف در فعالیتهای ترویجی در قالب یک واحد هدایت شود و از هدررفتن منابع مختلف در این زمینه جلوگیری گردد.

فهرست منابع

- (۱) ایروانی، هوشنگ، تاریخچه ترویج و آموزش کشاورزی، نشر مشهد، سال ۱۳۷۲.
- (۲) شهبازی، اسمعیل، مقدمه‌ای بر آموزش و ترویج و توسعه شیوه‌های نوین در روستاها، انتشارات دانشکده کشاورزی و دامپروری رضائیه، ۱۳۵۴.

(۳) ملک‌محمدی، ایرج، مبانی ترویج کشاورزی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۲.

(۴) نخست‌وزیری جمهوری اسلامی ایران: معاونت طرحها و بررسی‌ها، کمیسیون کشاورزی، ۱۳۶۰.

(۵) وزارت کشاورزی، سازمان ترویج کشاورزی، برنامه پنجساله ترویج کشاورزی (۶۷-۶۲)، تهران، ۱۳۶۱.

(۶) وزارت کشاورزی، سازمان ترویج کشاورزی، برنامه توسعه ترویج کشاورزی در برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مهرماه ۱۳۷۱.

(۷) وزارت کشاورزی، سازمان ترویج کشاورزی، عملکرد سازمان ترویج در سالهای ۶۸، ۶۹، ۷۰ و ۷۱.

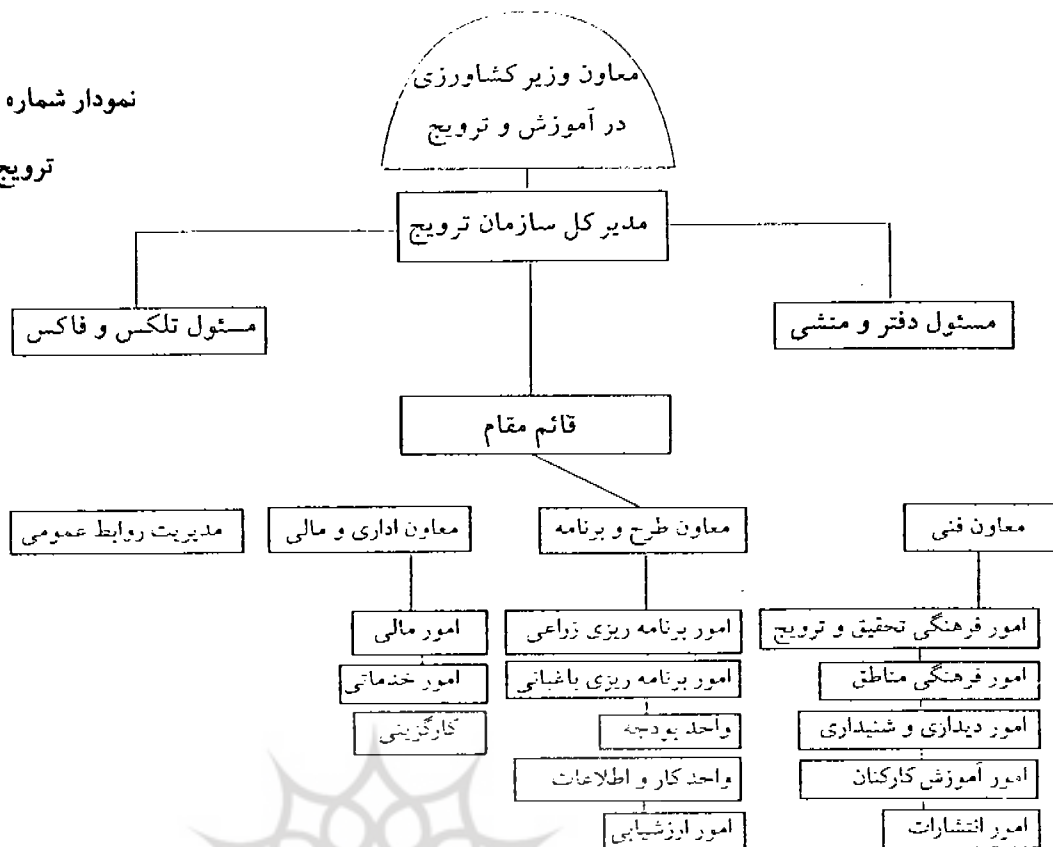
(۸) وزارت کشاورزی، سازمان ترویج کشاورزی، موافقت‌نامه اهداف و وظایف ترویج کشاورزی در ایران، تاریخچه تهیه طرحهای جامع ترویج کشاورزی، ۱۳۶۶.

(۹) وزارت کشاورزی، تحلیلی پیرامون لایحه ادغام وزارت کشاورزی و جهادسازندگی، خرداد ۱۳۶۶.

(۱۰) وزارت کشاورزی، معاونت ترویج سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، گزارش کشوری کشاورزی جمهوری اسلامی ایران، مهرماه ۱۳۷۵.

نمودار شماره ۴: نمودار نهادهای سازمان

ترویج از سال ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۱



نمودار شماره ۵: آخرین دگرگونی‌های سازمانی در نهاد

ترویج کشاورزی در سال ۱۳۷۲



پی‌نوشت:

۱- نخست‌وزیری جمهوری اسلامی ایران، معاونت طرحها و بررسیها، کمیسیون کشاورزی،

برنامه توسعه کشاورزی و عمران روستایی، مردادماه ۱۳۶۰.

2- Up to date

سازمانها و نهادهای دست اندرکار توسعه روستایی

قسمت دوم

■ سیاستهای اجرایی کمیته ها

۱- سیاستهای اجرایی برنامه تأمین آب زراعی و آب و خاک

اجرای طرح شناسایی مقدماتی و اولویت بندی طرحهای کوچک تأمین آب در سطح کشور با توجه به منابع آب و خاک در قالب حوزه های آبریز مهار آبهای سطحی از طریق مطالعه و احداث سدهای خاکی و آببندهای ذخیره آب، توسعه استحصال آبهای سطحی با تکیه بر اصول و ضوابط فنی افزایش راندمان انتقال آب از طریق طرح ملی پوشش آنها

- تلاش در جهت حفاظت قنوات از خطر سیلابها از طریق احداث سیلبندهای حفاظتی، انحراف مسیر سیلاب به طوقه چینی چاهها و غیره تغذیه سفره های آب زیرزمینی با استفاده از آبهای سطحی مازاد و سیلابها بخصوص در مناطقی که مواجه با افت سفره و خشک شدن آن هستند

مطالعه و اجرای پروژه های زیربنایی آبیاری و زهکشی به منظور حداکثر بهره برداری از اراضی و آبهای موجود - تاکید بر اجرای طرحهایی که به بالا بردن راندمان آبیاری کمک می نماید

■ ساختار تشکیلاتی جهاد سازندگی (تقسیم کار و وظایف)

ساختار تشکیلاتی جهاد سازندگی، بدون در نظر گرفتن مؤسسات و سازمانهایی که بر اساس قانون مصوب ۱۳۶۹/۶/۱۱ به این وزارتخانه ملحق گردیدند، از چندین سازمان و شرکت تابعه و یک پیکره اصلی وزارتی تشکیل شده است.

"سازمان امور عشایر" که در قالب سازمان اداره می شود، "سازمان صنایع دستی ایران" و "شرکت سهامی شیلات ایران" که در قالب شرکت دولتی اداره می شوند، از تشکلهای تابعه وزارت جهاد هستند که در این بخش به آنها پرداخته نخواهد شد. پیگیره اصلی تشکیلاتی وزارت جهاد سازندگی، مبتنی بر ۴ سطح سازمانی می باشد:

۱- دفتر مرکزی جهاد سازندگی

دفتر در تهران مستقر بوده، عهده دار سیاستگذاری در امر توسعه روستایی است و علاوه بر مسئولیت تهیه برنامه های کلان کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت، وظیفه هماهنگی، نظارت و تدارک استانها و حتی بخشی از امور اجرایی را نیز به عهده دارد.

۲- ستاد جهاد سازندگی استانها

این ستادها در مرکز ۲۴ استان و در ۴ شهر غیرمرکز استان قرار دارند و عهده دار وظایف جهاد سازندگی در سطح استان و مسئول هماهنگی برنامه ریزی منطقه ای، تطبیق برنامه های پیشنهادی با نیازهای مالی و منطقه ای، پیگیری و تأمین و تخصیص بودجه و اعتبارات، برقراری ارتباط مستمر بین

شهرستانها و مراکز جمع آوری و جمع بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات و آمار رسیده از شهرستانها برای تهیه و تدوین طرحهای جامعه و توسعه روستایی در سطح استان و بسیاری وظایف دیگر می باشد.

■ جهاد سازندگی شهرستانها

این سطح در تشکیلات جهاد به عنوان ستاد مدیریت و هماهنگی اجرایی و تدارکاتی جهادهای دهستانهای تابعه پیش بینی شده است.

■ ۴- مراکز جهاد دهستان

این سطح از تشکیلات جهاد سازندگی به طور مفصل در قسمت جداگانه ای مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ستاد مرکزی جهاد سازندگی متشکل از یک شورا می باشد که ریاست آن با وزیر جهاد سازندگی است و اعضای دیگر آن عبارتند از: نماینده ولی فقیه که وظیفه اعمال نظارت بر فعالیتهای جهاد و جهدگران و مصوبات شورای مرکزی جهت انطباق آنها با موازین شرعی را به عهده دارد. ۳ عضو دیگر نیز حضور دارند که از بین افراد کاردان و متعهدان از طریق مشورت با مسئولین مرکز و استانها انتخاب می شوند.

در سال ۱۳۶۹ وزارت جهاد سازندگی متشکل از ۹ معاونت و ۸ واحد مستقل (زیر نظر وزیر) به شرح ذیل بوده است: (۱) اداری مالی، (۲) امور استانها و مجلس، (۳)

طرح و برنامه، ۴) آموزش و تحقیقات، ۵) امور آب، ۶) کشاورزی و امور دام، ۷) امور اجتماعی، ۸) عمران، ۹) صنایع روستایی. واحدهای مستقل زیر نظر وزیر نیز عبارتند از: ۱) دفتر حوزه وزارتی، ۲) دفتر بازرسی شکایات، ۳) دفتر حراست، ۴) دفتر امور بین الملل، ۵) دفتر امور شرکتهای، ۶) هیئت مرکزی گزینش، ۷) دفتر همکاریهای اقتصادی، ۸) دفتر امور ماشین آلات.

تشکیلات فوق به طور کامل در ستادهای استانها و مراکز شهرستانها پیاده نشده، اما شکل نهایی پیش بینی شده همین ساختار می باشد. مراکز جهاد دهستان نیز از آنجا که تنها وظیفه اجرایی دارد و کوچکترین هسته عملیاتی جهاد محسوب می شود، تنها از مسئول جهاد دهستان و تعدادی عوامل اجرایی تشکیل یافته است.

■ فعالیتهای وزارت جهاد سازندگی:

هدف جهاد سازندگی از ابتدا رفع محرومیتهای مناطق روستایی و عشایری از طریق انجام خدمات زیربنایی مانند آب، برق، راه، بهسازی محیط روستا، تأمین بهداشت و نیز نیل به خودکفایی کشاورزی و تمهید کشاورزی در امر زراعت، دام و آب کشاورزی بوده است. فعالیتهای این نهاد از بدو تأسیس را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

دوره اول: این دوره از بدو تأسیس تا سال ۱۳۶۰ ادامه داشته که در این دوره به ارائه خدمات پراکنده در مناطق روستایی پرداخت و به دلیل شرایط خاص جامعه، بدون ساختار تشکیلاتی مناسب، نیروی انسانی متخصص، برنامه و استراتژی معین و با بسیج مردم شهرها برای ارائه خدمات پراکنده در مناطق روستایی انجام می شده است.

دوره دوم: از سال ۱۳۶۰ تا مهر ماه ۱۳۶۳ را شامل می شود که در این دوران فعالیتهای سازمان یافته اجرایی در امر توسعه روستایی انجام گرفت، ساختار تشکیلاتی جهاد شکل مناسبی به خود گرفت و نیروی انسانی جهاد به صورت رسمی درآمدند و در نتیجه حرکت به سوی هدف سازمان یافته اجرایی در امر توسعه روستایی شروع شد که نقطه موفقیت این حرکت، تبدیل نهاد جهاد سازندگی به وزارتخانه بوده است. در این دوره فعالیتهای بیشتر بر حول محور محدود کردن مهاجرت روستاییان به شهرها انجام می گرفت و به حل مشکلات مدیریت روستا، خدمات

زیربنایی (آب، برق، راه) و تهیه و توزیع امکانات و نهادهای کشاورزی می شد. در این دوره نیز به دلیل شرایط جنگی کشور، امکان نیل به برنامه های مدون و تعیین خطمشی ها و سیاستهای اجرایی ممکن نبود و اقدامات صورت گرفته، از حد خرده کاری و پراکنده کاری تجاوز نکرد.

دوره سوم: این دوران از مهر ماه سال ۱۳۶۳ شروع شده و تا ۱۳۶۵ ادامه داشت. ویژگی اصلی این دوره، تدوین برنامه های بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت و پرهیز از پراکنده کاری های بی فایده بوده است. همچنین در این دوره، با مشخص شدن استراتژی اجرایی وزارت، جهاد دهستان تأسیس یافت و همراه با فراز و نشیب فراوان توسعه یافت. در این دوران برنامه های پنج ساله وزارت جهاد سازندگی تدوین شد که محور و دورنمای اصلی برنامه ها و فعالیتهای جهاد، همین برنامه های میان مدت (پنج ساله) می باشد. از مهمترین برنامه های جهاد، "لایحه خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی" است که بدون شک تأثیرات گسترده و عمیقی در جامعه روستایی ایران به دنبال داشت و در شمار عمده ترین برنامه های توسعه روستایی تاریخ ایران خواهد بود. طرحهای عمده وزارت جهاد سازندگی در این مقطع زمانی عبارت بودند از:

الف - طرح سنابل ۱:

هدف از این طرح، افزایش بازده محصول گندم و کاهش ضایعات گندم و افزایش توانایی خاک دیمزارها بوده است.

ب - طرح سنابل ۲:

هدف از این طرح نیز، افزایش بازده محصول گندم از طریق ذخیره نزولات آسمانی، حفظ رطوبت در خاک و استفاده از این رطوبت در شرایطی که گیاه نیاز دارد و همچنین جلوگیری از فرسایش خاک بوده است. طرح سنابل ۱ و ۲ در طی عملیاتی معین و مشخص در زمینه بهزراعی گندم، به مرحله اجرا درمی آمد.

ج - طرح اصلاح و احیاء مراتع عشایری:

این طرح به منظور افزایش بازدهی مراتع از طریق اعمال مدیریت صحیح و علمی و حفاظت و نگهداری آب و خاک و ایجاد تعادل بین دام و مرتع، در قالب یک طرح پنج ساله به مرحله اجرا درآمد. این طرح نیز شامل چندین طرح و پروژه عملیاتی بوده است.

د- طرح خودکفایی علوفه (طرح بهزراعی علوفه):

این طرح که به منظور تأمین علوفه مورد نیاز دامهای موجود در سطح کشور ارائه شد، علاوه بر تأمین علوفه مورد نیاز، افزایش درآمد و ارتقاء سطح زندگی و تأمین رفاه عشایر و روستائیان را مدنظر داشت و شامل طرحهای متعددی از قبیل ذرت دانه ای، ذرت علوفه ای، جو آبی، جو دیم و سایر انواع علوفه مانند اسپرس، شبدر، یونجه و ... بوده است.

ه- طرح تأمین آب زراعی و طرح آب و خاک:

هدف از این طرح، افزایش میزان مصرف و بهره روری از آبهای سطحی و زیرزمینی کشور بوده است. پروژه های عملیاتی این طرح عبارت بودند از: استخراجهای کشاورزی، احیاء و مرمت قنوات، بسترسازی انهار، سدهای انحرافی، سدهای خاکسی، تغذیه مصنوعی، آب بندناتها، ایستگاههای پمپاژ و زهکشی.

و- فعالیتهای عمرانی جهاد سازندگی:

از اهم این فعالیتهای می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- طرح تأمین برق فشار متوسط وضعیف مناطق روستایی
- طرح احداث، تکمیل و نگهداری راههای روستایی
- طرح تأمین و لوله کشی آب آشامیدنی روستاها

ز- طرح دام و طیور:

این طرح برای بهره روری هر چه بیشتر از امکانات داخلی کشور در امر دامداری و دامپروری ارائه شد و هدف از آن تأمین نیازهای پروتئینی حیوانی بوده است و ۸ طرح به شرح ذیل را دربرداشت:

- طرح تکثیر و توزیع نژاد اصلاح شده مرغان بومی
- طرح به گزینی و دورگ گیری گاوهای بومی
- طرح توسعه پروراندی دام
- طرح جمع آوری و تبدیل شیر
- طرح تغذیه دام
- طرح انعام

ح- طرح بهسازی:
به منظور بهسازی مسکن روستائیان، این طرح در ۷۰۰ روستای بالاتر از ۴۰۰

گزارش اولین جشنواره انتخاب بهترین اسب نژاد کردی

● اشاره

یکی از ابزارهای ترویج در معرفی برترینهای کشاورزی و دامداری، برپایی جشنواره‌ها و نمایشگاههای ترویجی است. برگزاری اولین جشنواره انتخاب بهترین اسب نژاد کردی، یکی از اقداماتی است که در همین راستا و در تاریخ ۱۹/۳/۷۷ صورت پذیرفته است. به جهت اهمیت موضوع، مرکز نشر و تصویر معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد سازندگی اقدام به تهیه گزارشی از این مراسم نموده است که تقدیم حضور خوانندگان محترم می‌شود.

نمودند.

ایشان در قسمت دیگری از سخنان خود با توصیف وضعیت و شرایط اسب کردی در منطقه بیان داشتند که با وجود اینکه حدود ۳۰ الی ۴۰ هزار رأس اسب این نژاد در منطقه، علاوه بر اینکه تاکنون شناسائی کاملی بر روی خود این نژاد صورت نگرفته، هیچ گونه فهرستی نیز از پرورش دهندگان علاقمند به این نژاد نیز تهیه نگردیده است و این در حالی است که، نیمی از جمعیت عنوان شده این اسب، تنها برای صادرات کالای قاچاق و واردات فرهنگ بیگانه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

سرانجام ایشان با اطلاق جشنواره به عنوان پلی میان نسل قدیم و جدید و انتقال دانش سالمندان آگاه به فنون اسب داری به جوانان جویای دانش، جایگاه اسب کردی را در شکوفایی منابع طبیعی بسیار مهم دانستند و بر لزوم اهمیت هر چه بیشتر ذخایر ژنتیکی

ضرورت جشنواره برای بهبود وضعیت و شرایط اقتصادی جامعه ایراد نمودند.

ایشان در این باره به اقتصاد کشور مجارستان اشاره نمودند و بیان داشتند که اقتصاد این کشور، مدیون دانش اصلاح نژاد اسب می‌باشد. این کشور با معرفی اسبهای برتر خود و صادرات آن به کشورهای مختلف جهان توانسته است کمک شایانی به اقتصاد خود نماید. لذا، بیان داشتند به منظور بهبود اقتصاد بیمار کشور، نیز با توجه با اتمام نفت در چند سال آینده، عدم اتکا به اقتصاد تک محصولی و به عبارتی، برداشت عینکهای نفتی از چشمها، امری اجتناب ناپذیر است.

ایشان در این رابطه، با تأکید بر ضرورت برگشت به منابع اصلی اقتصادی و شناخت استعدادهای طبیعی، بررسی بر روی یکی از منابع مهم ژنتیکی (که همان اسب کردی می‌باشد) به عنوان یکی از اهداف جشنواره انتخاب بهترین اسب کردی بیان

ساعت و محتوای برنامه های اجرا شده در طی مراسم جشنواره ذکر می‌گردد.

پس از سخنان آقای گلنهالی، رئیس سازمان جهاد سازندگی استان آذربایجان غربی که با خیرمقدم به حضار و برشماری اهداف برگزاری جشنواره ایراد شد، نوبت به سخنرانی آقای دکتر عمادی معاون ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی رسید.

۱۱/۱۰ دقیقه: سخنرانی آقای دکتر عمادی

ایشان ضمن تشکر از دست اندرکاران امر برپایی جشنواره اسب کردی و قلمداد نمودن اسب کردی به عنوان یکی از ذخایر ژنتیکی مهم، بر لزوم حفظ ذخایر فرهنگی نیز به همراه ذخایر ژنتیکی تأکید نمودند.

سپس ایشان، اهداف جشنواره و تأثیر آن را برای بالا بردن نسلها و اقتصاد جامعه برشماردند و سخنانی به عنوان

۱۱/۳۰ دقیقه: سخنرانی آقای نوری، کارشناس معاونت امور دام استان آذربایجان غربی

ایشان نیز پس از خیرمقدم به حضار، سروده خود را در مورد ویژگیهای اسب کردی قرائت کردند.

۱۱/۳۵ دقیقه: نمایش پرچم برداری

انجام مراسمی تفریحی، تحت عنوان "پرچم برداری" که آمادگی و چابکی اسبهای کردی را نشان می داد و آن به این صورت بود که توسط سوارکاران ۳ پرچم با حداقل زمان از روی زمین برداشته می شد و در نهایت، نام هر سواری که تعداد پرچم بیشتری و زمان کمتری نسبت به دیگران می داشت، اعلام می گردید.

۱۱/۵۰ دقیقه: مقدمات اجرای مراسم رژه اسبها:

اعلام آمادگی اسبداران برای رژه نهایی به همراه پذیرایی و همنازی گروه کر و همین طور، پخش فرم حدس زنی در میان حضار برای انتخاب رتبه ها.

۱۱/۵۵ دقیقه: شروع مراسم رژه اسبها:

شایان ذکر است که این جشنواره در ۳ گروه کره ها، مادیانها و نریانها برگزار گردید که به ترتیب، انجام مراسم رژه از گروه کره ها آغاز و به نریانها ختم گردید.

با توجه به مطلب بالا، در این قسمت اسامی اسبداران به همراه نام اسب و شهرستان مربوطه ذکر می گردد:

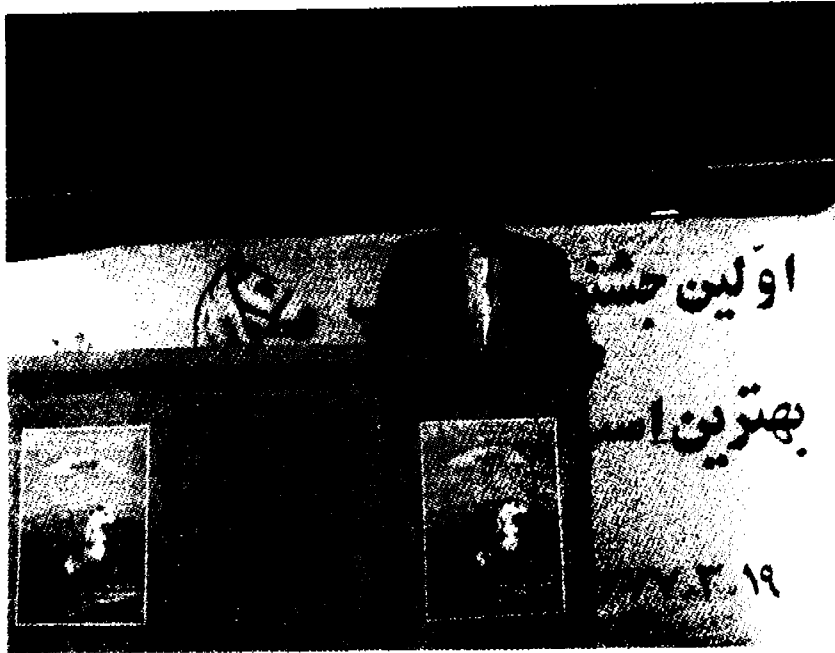
۱۲/۳۰ دقیقه: اختتام مراسم رژه:

پایان رژه و نمایش اسب متعلق به مرکز پرورش اصلاح نژاد اسب قره آغاج و اعلام وجود معتبرترین ژنهای نژاد کردی در این اسب.

در باره این اسب عنوان گردید که اسب یاد شده، به عنوان یک نمونه کامل اسب نژاد کردی و فقط به عنوان نمایش ارائه گردید تا حقی از کسی ضایع نگردد.

۱۲/۳۵ دقیقه: اعلام اسامی اسبداران برتر:

اعلام اسامی اسبداران برتر به همراه نام اسبهای متعلق به آنان از هر ۳ گروه و ارائه مشخصات مختصری از اسب نژاد کردی.



۱۲/۵۰ دقیقه: مراسم اهدای جوایز:

اعلام اسامی ۵ نفر برنده مسابقه حدس زنی و جایزه آنان که یک تخته پتو عنوان گردید. (جالب توجه اینکه ۲ نفر از این تعداد برنده از خواهران شرکت کننده در مراسم بودند.)

اهداء جوایز با اسبداران برتر و داوران مسابقه با ترکیب زیر:

- جناب آقای دکتر عمادی، معاون محترم ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.

- جناب آقای گلنهایی، رئیس سازمان جهاد سازندگی آذربایجان غربی.

- جناب آقای محسن پور، فرماندار محترم شهرستان ارومیه.

جوایز اهدایی به نفرات اول تا سوم از هر گروه به شرح ذیل بود: لوح تقدیر به اضافه تندیس جشنواره و زین اسب و لوازم جانبی آن.

شایان ذکر است که صندوق بیمه محصولات کشاورزی بانک کشاورزی، اسبهای اول در هر سه گروه را به مدت یک سال در برابر حوادث و بیماریها بیمه نمود.

برنده کورس پرچم برداری، آقای رحیم سیدرضایی برنده یک تخته پتو گردید.

اهداء جوایز به هیأت داوران جشنواره، شامل ترکیب ذیل:

- آقای سید معصومی، کارشناس اداره کل اصلاح نژاد و پرورش دام دفتر مرکزی.

- آقای فرزانه فر، کارشناس امور دام جهاد استان همدان.

- آقای بهرام خانی، کارشناس امور دام جهاد استان کرمانشاه.

- آقای نهایی، کارشناس امور دام جهاد استان آذربایجان غربی.

جوایز اهدایی: لوح تقدیر، تندیس جشنواره و چرخ گوشت به هر یک از داوران.

در پایان نیز، یک مورد مسابقه اسب سواری به منظور حسن ختام جشنواره برگزار گردید.

چند مورد پیام ترویجی الصاقی در محل جشنواره نیز دیده می شد که برخی از آنها عبارتند از:

■ هیچ اسبی در دنیا نیست که خون اسب ایرانی در رگهایش جریان نداشته باشد.

■ با اکسیناسیون موقیع، سلامت دامهای خود را تضمین کنید.

■ با رعایت بهداشت و تغذیه صحیح دامها، تولیدات خود را با کیفیت خوب افزایش دهید.

■ تشریح ویژگیهای اسب نژاد کردی.

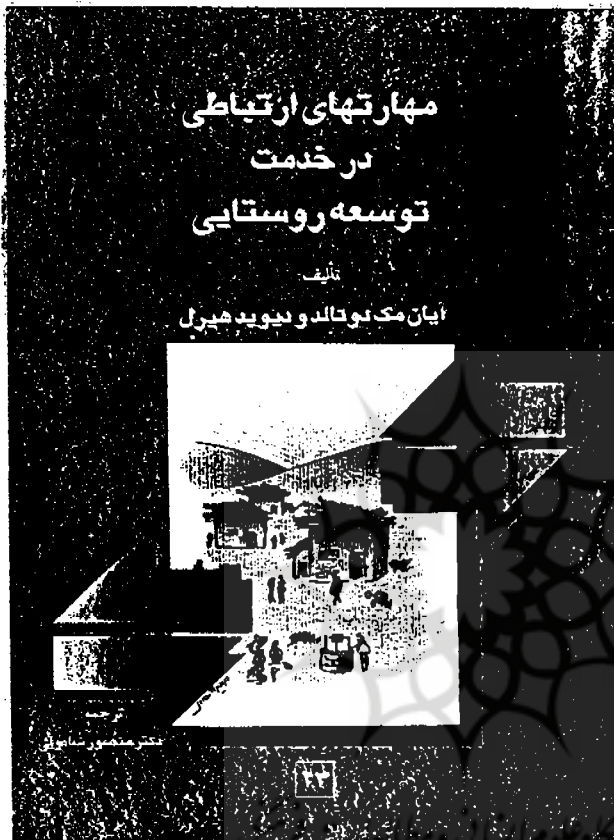
■ برشماری اهداف برگزاری جشنواره اسب کردی.

عناوین اسپهای برتر

گروه سوم - نریانها		گروه دوم: مادبانها		گروه اول: کره‌ها	
نام اسپ	رتبه	نام اسپ	رتبه	نام اسپ	رتبه
سهند	۱	جیران	۱	شیرنگ	۱
بادگار	۲	هاوار	۲	رندلا	۲
عقاب و زیبا	۳	ستاره	۳	خزایی	۳

نام شهرستان	نام اسپدار	نام اسپ	شماره	
میاندرآب	عثمان طه زاده	خزایی	۱	گروه اول - کره‌ها (زیر سه سال)
بوکان	ایلخانی زاده	نارشکن	۲	
ارومیه	بهنام سیدرشایی	شیرنگ	۳	
اشنویه	محمد سلیمان پور	رندلا	۴	
سلماس	سید حسینی	آهو	۵	
ارومیه	کشف الدین امانپور	آیلار	۶	
چالدران	قنبر اسماعیل زاده	کوهستان	۷	گروه دوم - مادبانها
میاندرآب	اکبر ملکی	جیران	۸	
شاهین دژ	نجارزاده	هما	۹	
نکاب	اسداله رحمانی	ستاره	۱۰	
مهاباد	ناصر کریمی	هاوار	۱۱	
مهاباد	ناصر کریمی	رزگار	۱۲	
نکاب	حسن جهانگیری	زیبا	۱۳	گروه سوم - نریانها
سلماس	باقر امری	بادگار	۱۴	
نقده	رشید لطفی	سهند	۱۵	
ارومیه	اسماعیل محمدزاده	عقاب	۱۶	
نقده	رشید لطفی	آراس	۱۷	
مهاباد	ناصر کریمی	شاهم	۱۸	
ارومیه	محمدرضا	طلا	۱۹	
	ناصر کلانتری			





امروزه در میان سرمایه‌های متنوعی که برای امر توسعه در نظر گرفته می‌شود، بدون شک سرمایه انسانی، از اولویت خاصی برخوردار است. در قلمرو روستا، فرد روستایی محور برنامه‌های توسعه قرار می‌گیرد و طبیعی است که سرمایه‌گذاری بر روی چنین عنصری، موجب پرورش افرادی خبیره، ماهر، آگاه و رشد یافته می‌باشد. در همین راستا است که عنوان می‌شود آموزش‌های ترویجی از اساسی‌ترین راهکارهای توسعه روستایی به حساب می‌آیند. محتوای کتاب حاضر نیز که نتیجه تجارب عملی دو تن از کارشناسان ترویجی است، بر اساس توجه به مهارت‌های ارتباطی که یکی از اجزای لاینفک علم ترویج می‌باشد، به رشته تحریر درآمده است. طبق اذعان مترجم کتاب، اولین امتیاز کتاب حاضر این است که نویسندگان آن تجاربی را مکتوب و گزارش کرده‌اند که اولاً، هم به خوبی قابل تعدیل هستند و هم می‌توانند به کشف تجاربی کمک کنند که ریشه در فرهنگ و مذهب ما دارند و دوم اینکه به تشریح این نکته می‌پردازد که رسالت ترویج تنها محدود به انتقال تکنولوژی نیست. اگر هم کشوری برای جوابگویی به نیازهای مثلاً، غذایی مردم خود از طریق بهره‌برداری هر چه بیشتر از منابع، محتاج تلاش بیشتری است، باید که از طریق شناخت کشاورزان خود و همچنین

شناخت نظرها و عقاید آنها به این کار اقدام کند. نوشتار حاضر توانسته با تکنیک‌های خاصی، ابزاری را در اختیار مردم قرار دهد تا به این شناخت دست یابند.

در تقسیم بندی مطالب این کتاب، ۹ بخش عمده مشاهده می‌شود که عبارت‌اند از:

- ۱- عامل تغییر در جامعه روستایی
- ۲- پیامها و نوآوریها
- ۳- روشهای ارتباطی
- ۴- استفاده از مواد شنیداری- دیداری
- ۵- روشها و مهارت‌های تدریس
- ۶- مدیریت دوره‌های آموزشی
- ۷- سرپرستی کارکنان

۸- برنامه‌ریزی و ارزشیابی برنامه

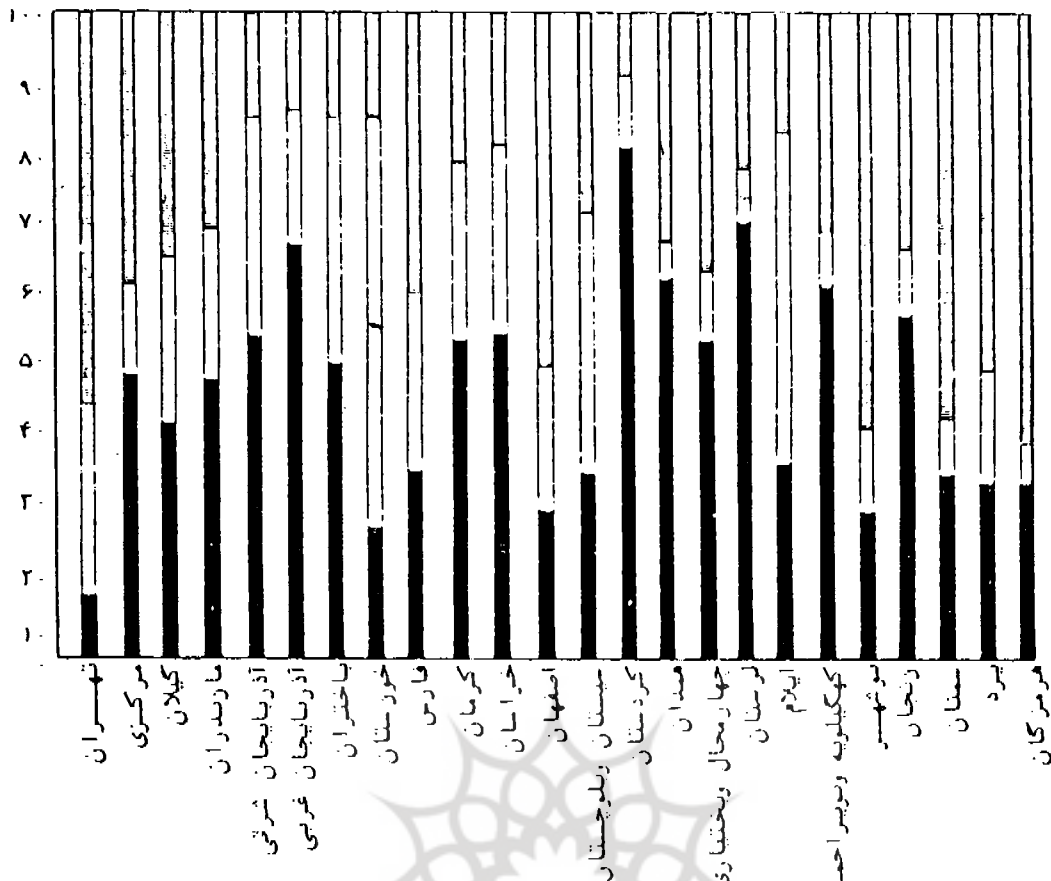
۹- راهبردهای توسعه روستایی

استفاده از تصاویر مناسب و متناسب با پیامها، از محاسن قابل توجه این کتاب به حساب می‌آید که به نحو شایسته‌ای با توضیحات، تلفیق شده و در کنار هر تصویر، شرح لازم آن آورده شده است. استفاده از این کتاب نیاز به تحصیلات دانشگاهی پیشرفته نداشته و کلیه عوامل ترویج، بویژه مروجان، می‌توانند از آن بهره برداری کنند.

مطالعه این کتاب را به کلیه علاقه‌مندان به مباحث توسعه و توسعه روستایی، بویژه دوستانان علوم ارتباطات در ترویج، توصیه می‌کنیم.

نمودار شماره ۲

درصد به کل مهاجران داخلی وارد شده هر استان



مهاجران داخلی
مهاجران بین استانی

مهاجران داخلی (وارد شدگان) استانها درواصلة
مآلهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵
بر حسب مبدأ مهاجرت در تقسیمات سرزمینی.

نمودار شماره ۳

شدت و مسیرهای عمده مهاجرهای داخلی منطقه مهاجرپذیر شدید کشور در رابطه با سه منطقه دیگر مهاجرزنی درواصلة سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵.



مهاجران بین استانی
مهاجران داخلی